



فتنه‌های آخر الزمان

نشانه‌های ظهور، سفیانی، ادوات مردان روز نان، خرافات

محمد یوسفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتنه‌های آخرالزمان

مؤلف:

محمد یوسفی

یوسفی، محمد

فتنه‌های آخرالزمان / محمد یوسفی

قم، خورشید هدایت ۱۳۸۹

ISBN 978-600-5316-19-3

۱۶۰ ص.

مهدویت -- پیشگویی‌ها

آخرالزمان -- احادیث

مهدویت -- احادیث

۱۹۶۷۴۰۴

۲۹۷/۴۶۲

۱۳۸۹ ۲ف۹ی/۲۲۲۴BP

شناسنامه کتاب

نام کتاب: فتنه‌های آخرالزمان
مؤلف: محمد یوسفی
تعداد صفحات: ۱۶۰
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۸۹
لیتوگرافی المهدی
چاپ: پیشرو
شمارگان ۵۰۰۰
ناشر: خورشید هدایت
قطع: رقعی

شابک: ۳ - ۱۹ - ۵۳۱۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مراکز پخش: کلی و جزئی

جمکران مقدس، مقابل درب ۶ - بازار بزرگ ۱۵ شعبان، طبقه همکف،
پلاک ۲۳ نمایشگاه کتاب خورشید آل یاسین،

فروش تلفنی کلی و جزئی: ۰۹۱۲۱۵۳۵۰۹۹ و ۰۹۱۲۶۵۱۹۲۹۰

هزینه ارسال پستی رایگان می‌باشد

لطفا مبلغ مورد نظر را به شماره حساب ۰۱۰۴۷۴۴۲۴۷۰۰۱ بانک ملی سیبا
به نام محمد یوسفی واریز نمایید و شماره فیش بانکی و آدرس خود را به شماره‌های فوق
اعلام و یا فاکس (۰۲۵۱۷۲۵۴۳۴۶) نمایید تا کتابهای شما ارسال گردد.

قیمت ۲۰۰۰ تومان

فصل اول

در شراب شفا نیست	۷۴	خلاصه خطبه البیان	۵
فرقه گرایی	۷۶	و هذا خطبه البیان	۶
رواج موسیقی و غنا	۷۶	چه وقت قائم قیام می کند	۸
مدگرایی در آخرالزمان	۷۹	به عذاب رسیدن	۱۲
صفات دیگر اهل آخرالزمان	۸۰	اتفاقاتی که در طول زمان	۱۳
فتنه دجال	۸۸	وای بر اهل دنیا از فتنه ها	۲۰
ای وای از این روزگارا!	۸۹	وصف پادشاهان و حال مردمان قبل از ظهور	۲۳
پوستین وارونه	۹۰	سفیانی و سزنوشتش	۳۱
تهمت هایی که به امام زمان <small>علیه السلام</small>			
می زنند	۹۵		
امکان تشرّف و ملاقات	۹۸		
نقل و بیان تشرّفات	۱۰۰		
آیا راهی برای ملاقات با امام زمان <small>علیه السلام</small>			
وجود دارد؟	۱۰۱		

فصل دوم

۴۰ حدیث از کتاب «الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر <small>علیه السلام</small> »	۳۹
--	----

فصل سوم

خرافات موجود در آخرالزمان	۶۱	خرافات موجود در آخرالزمان	۶۱
مبارزه با بدعت ها	۶۲	مبارزه با بدعت ها	۶۲
حفظ خود از خطرات در آخرالزمان	۶۴	حفظ خود از خطرات در آخرالزمان	۶۴
وارونه ها در آخرالزمان	۶۷	وارونه ها در آخرالزمان	۶۷
طوفان نوح	۶۸	طوفان نوح	۶۸
زلزله های روحی	۷۱	زلزله های روحی	۷۱
آخرالزمان رسیده!	۷۲	آخرالزمان رسیده!	۷۲
فصل چهارم			
چرا ظهور به تاخیر می افتد؟	۱۰۵		
سخنان بیدارگر	۱۰۶		
اقتیامات دشمن برای	۱۰۸		
کسی که بی یار و یاور بشود	۱۱۰		
بیدار باشید و برای ظهور، خود را آماده و نیرومند کنید	۱۱۲		

از هر صد نفر فقط یک نفر از ته قلب دعا	از خدا بترسید و با امام زمان <small>علیه السلام</small> . ۱۱۳
می‌کند ۱۳۵	رابطه روحی داشته باشید ۱۱۳
اگر شیعیان... انقلاب می‌کردند... ۱۳۵	خرابکاری‌های شیاطین برای جلوگیری از
دین گریه می‌کند ۱۳۶	ظهور ۱۱۴
ما هم این دعا را بخوانیم ۱۴۱	تصوّرات و افکار ما ۱۱۶
شیعیان ما، ما را نمی‌خواهند ۱۴۱	باید روز ظهور را نزدیک بدانیم ... ۱۱۹
چرا دین گریه می‌کند؟ ۱۴۳	شیعیان ظهور را جلو بیندازند ۱۲۱
چگونه دعا کنیم ۱۴۴	سعی کنید پیشوای متّین باشید ... ۱۲۳
پس باید چه کرد... گریه؟ ۱۴۶	شما اگر تزکیه نفس کنید ۱۲۴
اگر بخواهیم ظهور نزدیک است... ۱۴۸	امکانات کره زمین امروز در دست
زمان غیبت یعنی زمان گریه ۱۴۹	شیاطین است ۱۲۵
آیا مثل بنی اسرائیل... ۱۵۰	مهم آن است که در خانه اخلاق داشته
من خیلی تنها هستم ۱۵۱	باشید ۱۲۶
کلید سعادت ۱۵۴	خود را به منبع علم و آب حیات بخش
خورشید در حجاب است ۱۵۶	کوثر متصل کنید ۱۲۸
	چرا مردم امام زمان <small>علیه السلام</small> را صدا
	نمی‌زنند؟ ۱۲۹
	زبان حال امام زمان <small>علیه السلام</small> ۱۳۱
	فکر می‌کنیم ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> در
	زمان ما صورت نمی‌گیرد ۱۳۲
	ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> در یک قدمی ما
	است ۱۳۲

فصل اوّل

خلاصه خطبه البيان

منسوب به امير مؤمنان على عليه السلام

آخرين خطبة حضرت دربارۀ امام زمان عليه السلام

و هذا خطبه البيان

به نام خداوند بخشنده مهربان

حمد خدای را که خالق آسمان‌ها و آفریننده آن‌هاست و گسترنده زمین‌ها و بردارنده آنهاست و شکافنده چشمه‌های باشد.

و شهادت می‌دهم به این که محمد ﷺ بنده و رسول اوست که ختم کننده رسالت‌های گذشته و فخر کننده بر تمام آنان است و رسول اوست که آغاز کننده دعوت آینده و نشر دهنده آن است، او را به سوی امتی فرستاده که به پرستش بت‌ها گرفتار و پریشان بودند.

ای مردم من و حبیب من محمد ﷺ مانند این دو انگشت هستیم (و اشاره فرمود به انگشت سیبانه و وسط خود) و فرمود: اگر نبود آیه‌ای از کتاب خدا هر لحظه خبر می‌دادم شما را به آنچه که در

آسمان‌ها و زمین است و آنچه که در زیر زمین است که چیزی بر من پوشیده و پنهان نیست و حتی کلمه‌ای از علوم بر من مخفی نیست، اما به من وحی نمی‌شود^(۱) بلکه این عملی است که رسول الله ﷺ آن را به من تعلیم داده است، او به من هزار مسئله آموخت که هر مسئله هزار باب دارد و هر بابی هزار نوع است. پس پرسید از من قبل از آن که مرا پیدا نکنید و سوال کنید از من آنچه در زیر عرش است تا به شما خبر دهم و اگر نبود اینکه بگویید که علی بن ابیطالب علیه السلام جادوگر و ساحر است چنانکه در حق پسر عمم گفته شد هر لحظه خبر می‌دادم شما را به مواضع خواب شما و خزائن و گنج‌های پنهان که در زیر زمین قرار دارند.

ای مردم منم کسی که نزد اوست کلیدهای غیب که نمی‌داند آن را بعد محمد ﷺ غیر من، منم کسی که همه چیز را داناست. منم مبین امتحان، منم امان از آتش، منم حجت خدا بر انسان و جن، منم ابوالاثمه، منم پدر مهدی قائم آخرالزمان.

۱ - البته به ائمه اطهار علیهم السلام وحی می‌شود اما در احکام شریعت وحی نمی‌شود، چون در احکام و دستورات دین هر چه لازم بوده به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده است و چیزی کم نبوده که حالا دوباره وحی شود.

چه وقت قائم قیام می کند

پس مالک اشتر برخاست و عرض کرد:

ای امیرمؤمنان چه وقت قائم از فرزندان شما قیام خواهد کرد؟
حضرت فرمود: وقتی که باطل و پست پیشرفت کند، و راستی و حقیقت‌ها سبک و خوار شود و می رسد آنچه باید برسد و پشت‌ها سنگین شود از ستم‌ها و فشارها و گناهان، کارها به همدیگر نزدیک شود (شاید مراد مغازه‌ها باشد چون در جایی آمده بازارها نزدیک هم باشد که الان می بینیم خیلی از مغازه‌ها نزدیک هم و یک شکل و یک کار می کنند) و آشکار می شود خبرها و صورت مالکان به خاک مالیده می شود، و صاحبان ممالک به بدی رفتار کنند و هلاک شوند هلاک شود، و چاه‌ها و قنات‌ها خشک شود و از اطاعت امام عادل بیرون روند. و سختی‌ها و کینه‌ها زیاد شود و عمرها کوتاه گردد و مردم سرگردان و متحیر گشته و از بسیاری فتنه‌ها و فکرهای بد به خروش آیند. غوغای گرگ‌ها و خارپشت‌ها بلند گردد و موج‌ها بجنبند (شاید مراد موج‌ها صدای فتنه‌گران است که به وسیله تلویزیون و ماهواره و رادیوها و... که فتنه‌گری کنند) و حج گزاران ناتوان شوند (یعنی یا حج ممنوع شود و یا اینکه نگذرانند مردم به راحتی حج به جا آورند همین طور که اکنون وهابیت شیعیان را آزار می دهد.) و آشفتگی برسد، و جنگ‌ها شدت یابد و اختلاف در اعراب افتد و طلب و بازجویی

سخت شود، و عقب نشینی کنند ترسندگان، و وام‌ها مطالبه شود، و اشک‌ها بریزد و مغبون فریب خورد، و شادی نشاط از بین مردم رخت بریندد و شورشیان شورش نموده و سم‌پاش‌ها سم پاشی کنند، (شاید منظور منحرف نمودن افکار و اعتقادات باشد) و جست و خیز کنندگان هجوم آورند، و هواهای نفسانی مختلف و زیاد شود، بلاها عظیم گردد و شکایات شدید و زیاد شود. دعواها و کینه‌ها طولانی شود و متجاوز از حد خود تجاوز کند، و خشم کننده خشم کند. قتال و جنگ زیاد شود و تاخت و تاز کنند، سخت گیرندگان و طعن زندگان در دین شدید و حاضر جواب شوند، بیابان‌ها غبارآلود شده (یا در اثر جنگ و خشکسالی و...) و سلاطین به صدا در آیند، و زمین در اثر زلزله‌ها بلرزد.

حدود الهی معطل شود و امانت‌ها ضایع گردد و خیانت ظاهر شود و محافظه کار بترسد و خشم زیاد و شدید شده و مرگ مردم را بترساند. پسر خوانده‌گان بلند شوند و بنشینند دوستان و اطرافیان حاکمان تسلط یافته و خوبان ذلیل شوند، ثروتمندان پلید شوند و اشیاء به آرزوی خود برسند، دانشمندان مایل به کجی شوند و کارها مشتبه شود و مردم در کارها درمانده گشته و وامانده گردند. اکثر مردم حریص و بخیل گردند و راحتی از مردم گرفته شود. انسان‌ها در پرخوری شتاب کنند و مردم از شدت ناراحتی سر درگریبان ببرند و

مرد ترسناک گریزان شود و اوضاع تیره و تاریک شود و مرد پریشان کار
سرنگون شود و مرد عبوس ترشرویی کند و مرد شیردل سخت کوبیده
شود و مردان سیاستمدار حيله گر جلب گردند، و گوساله قوت گیرد^(۱)
و دور کننده دور کند و جستجو کننده جستجو کند و کوشش کننده
کوشش کند و رنج اندازه دیگران را به مشقت اندازد و خشم گیرنده
خشمگین گردد. خون‌ها به راحتی و رایگان و باطل ریخته شود و
انسان کینه ور به تندی پیغام دهد از شهری به شهری و فزونی خواه
فزونی یابد و قبیله‌ها پراکنده شوند و شماتت کنندگان یکدیگر را
سرزنش کنند و پیرمرد به سختی افتد، شکسته شوند شکسته گردد و
خشم آلود، غمگین و پشیمان شود. و کوشش‌ها زیاد اما اموال
بی‌برکت شوند، شخص کوشش کننده و رنج بسیار کشد.

قسم به ستاره زحل که قرآن را زینت کنند، و سرخ کرده شود
خان‌ها (در این زمینه ملا مظفر توضیحاتی دارند در تنبیهاتشان و این
علم پیچیده نجوم آن حضرت را آن هم در آن زمان می‌رساند)^(۲) در آن
هنگام سرطان به تسدیس رسد (منزل اول از منازل ماه)، و زبرقان به

۱ - شاید مراد کودکی باشد که به قدرت رسد و شاید مراد گوساله زرد مویی باشد که هم اکنون
صهیونیست‌ها بدنبالش می‌گردند برای نبرد آرماگدون و شاید هم منظور گوساله‌ای بود که
قوم موسی در زمان غیبتش پرستیدند و اکنون هم مردم در غیبت امام عقصر علیّه گوساله
هوی و هوس و اندیشه‌های باطل را می‌پرستند.

۲ - کتاب نواب الدهور، مرحوم استاد میرجهانی.

تربیع رسد، و حمل به تثلیث رسد، و زحل به خانه سهم رسد (یعنی به حال مقارنه رسد)، و هر چیزی که به سوی چیزی بازگردد ناپدید شود و بیابان‌های میان مکه و بصره ممنوع شود، و حکم‌ها و اندازه‌ها ثابت شود و نشانه‌های ده گانه کامل شود و زهره به تسدیس رسد، و سختی مردم را فراگیرد، و ظاهر شود پهن بینی‌ها^(۱) و کوتاه قدان درشت هیکل به توهم افتند^(۲) و برتری می‌یابند بر اینان مردمان خوب (شاید مراد سید حسنی باشد که به آنها غالب شوند). در آن زمان زن‌های آزاد را معیوب کنند و جزیره‌ها را مالک شوند و خراسان را ویران کنند (احتمالا مراد کل ایران باشد چون در لغت عرب در صدر اسلام به ایران خراسان می‌گفتند)، و خراب کنند قلعه و حصارها را و آنچه پنهان و حفظ شده آشکار شود و شاخه‌ها را قطع کنند و عراق را بگشایند و در دشمنی سرعت بگیرند به سبب خونی که ریخته شود، پس در آن زمانه همواره منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید. سپس آن حضرت بر بالاترین پله منبر نشستند و فرمودند: آه، آه از سخنان با نیش و کنایه و پژمرده شدن دهان‌ها. (راوی می‌گوید) پس امام علیه السلام به راست و چپ نگاه کردند و نگاه کردند به جماعتی از اهالی کوفه و اکابر و موجهین و بزرگان قبایل آنان که در محضر حضرت

۱ - مراد ترک‌های بنی قنطوره باشند که از سمت مشرق آیند (نواب الدهور).

۲ - مقصود چینی‌ها باشند (نواب الدهور).

نشسته و همه سکوت کرده بودند، گویا پرنده بالای سر ایشان نشسته بود (تکان نمی خوردند) پس آه سردی از دل کشیدند و ناله‌ای غمناک زدند بعد کمی سکوت کردند.^(۱)

به عذاب رسیدن شخص مسخره کننده در همان مجلس

پس برخاست سوید بن نوفل هلالی در حالی که مانند استهزاء کنندگان بود و او از بزرگان خوارج بود پس گفت: ای امیر مؤمنین آیا تو آنچه را که می‌گویی حضور داشتی و آنچه را خبر می‌دهی به یقین می‌دانی؟

پس امام به سوی او توجه نمود و با نگاه غضبناک به او نگریست. سپس به او فرمود:

گریه کننده‌ها به تو بگریند و بلاها به تو فرود آید ای پسر ترسو و تکذیب کننده بیعت شکن زود باشد که درازی به تو کوتاه می‌آید (شاید مراد عمرش باشد که خواهد آمد) و غول (هوای نفس) به تو غلبه کند؛ من راز رازهایم.

اتفاقاتی که در طول زمان خواهد افتاد

پس به پا خواستند صعصعه بن صوحان و میثم و ابراهیم بن مالک اشتر و عمرو بن صالح و عرض کردند: ای امیر مومنان تو را به حق پسر عمّت رسول خدا ﷺ قسم می‌دهیم که برای ما آنچه که در طول زمان می‌گذرد را بیان کنی طوری که عاقل و جاهل آن را بفهمند.

پس آن حضرت حمد و ثنا کرد خداوند را و یاد کرد پیغمبر خدا را و فرمود: من خبر می‌دهم شما را به آنچه می‌گذرد بعد از من تا خروج مهدی علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام.

پس آنها گفتند که اینها چیست و چه وقت پیش خواهد آمد. پس امام علیه السلام فرمود: وقتی که مرگ فقهاء و علما واقع شود و امت محمد صلی الله علیه و آله نمازها را ضایع کنند و شهوت‌ها و امیال باطنی را پیروی نمایند، و امانت‌ها کم شوند و خیانت‌ها زیاد گردند. مسکرات را بیاشامند و دشنام دادن به پدران و مادران را شعار خود کنند و نماز از مساجد برداشته شود و قرار دهند مساجد را محل مجلس‌های خوردن خود، گناهان زیاد شود و کارهای خوب کم گردد و آسمان‌ها فشرده شوند، پس در آن وقت برکت برود به طوری که هر سال به اندازه یک ماه و هر ماه به اندازه یک هفته و هفته به قدر یک روز و هر روزی یک ساعت نموده شود و فصل بارش باران مثل تابستان باشد و باران نبارد و پس غیظ و کینه پدر و مادر را در دل بگیرند.

برای اهل آن زمان صورت‌های زیبا و دل‌ها و باطن‌های خراب باشد، هر کس آنها را ببیند و بشناسد به عجب در آیند و هر که با آنان معامله کند به او ستم کنند، صورتشان صورت آدمیان و دل‌هایشان دل شیاطین باشد، پس آنها تلخ‌تر از تلخ و گندیده‌تر از مردار باشند و از سگ نجس‌تر و از روباه حيله‌گرتر باشند و طمع ایشان بیشتر از اشعب است (که در مثل شهرت دارد) و چسبنده‌ترند از جرب، نهی از منکر را از کسی قبول نمی‌کنند و اگر کسی برایشان حدیث نقل کند او را تکذیب نمایند، اگر آنان را امین بدانند به تو خیانت کنند، اگر روبرگردانی از آنان عیب تو را گویند و اگر مالدار باشی حسادت تو را کنند و اگر از آنان دوری کنی کینه تو را در دل گیرند و اگر نصیحت‌شان کنی دشنامت دهند، بسیار گوش دهنده به دروغند، بسیار حرام می‌خورند، آنها را را، خوردن مشروبات الکلی را، سخنان شر را، و افسانه‌های دروغ و حرام را و شادی و آواز خوانی به غناء را و ساز و نواها را حلال می‌دانند و فقیر در میان‌شان خوار است و مؤمن ناتوان و پست است و دانا در نزدشان کوچک و فاسق نزدشان مالک و بزرگ است، امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند، ثروت نزدشان دولت است و امانت را غنیمت می‌دانند و زکات دادن را ضرر می‌دانند، مرد از زن خود فرمان ببرد و از والدین خود نافرمانی کند و به آنها ستم کند و کوشش کنند در نابود کردن برادر خود و صدای اهل فجور بلند

شود، دوست فساد و غناء و زنا را دوست می‌دارند و حرام و ربا سر گیرد. علما سرزنش شوند، بر پسران غیرت ورزی شود برای فجور کردن و خونریزی در میانشان زیاد شود و قاضیان رشوه می‌گیرند و زن با زن ازدواج می‌کند و خودش را می‌سازد همچنان که عروس برای شوهرش می‌سازد و ظاهر شود دولت کودکان در هر جایی و خوانندگی زنان و رقاصه‌ها و غناهای حرام و خوردن مشروبات الکلی حلال شود و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان و زن‌ها سوار بر زین شوند، پس زن‌ها بر شوهرانشان در همه چیز برتری جسته و بزرگی خواهند.

در آن زمان مردم حج‌گزار به سه دسته باشند؛ ثروتمندان برای گردش و استراحت و متوسطین برای تجارت و فقراء برای گدایی، و احکام خدا باطل شود و اسلام ناچیز شود و دولت اشرار ظاهر شود و ستمگری در تمام شهرها حلال شود، پس در چنین زمانی تاجر در تجارت و ریخته‌گر در ریخته‌گری و هر صاحب صنعتی در صنعت خود دروغ گویند، پس کسب و کار کم شود و راه‌های معیشت و زندگانی تنگ شود و در مذاهب اختلاف افتد و فساد زیاد شود و هدایت‌گری کم شود، پس در این هنگام دل‌ها سیاه شود و پادشاهان ستمکار حکومت کنند و سخنانشان از صبر (گیاه تلخ و یا تریاک) تلخ‌تر باشد و دل‌ها از مردار گندیده‌تر باشد، پس در چنین زمانی علما

و دانشمندان می میرند و دلها فاسد می شود و گناهان بسیار شود و قرآن‌ها مهجور شده و مسجدها خراب گردد.

آرزوها دراز شود و عمل‌ها کم گردد. پایگاه‌های بزرگ در شهرهای مخصوص برای گذاشتن و بلند شدن و ممانعت بزرگان ساخته خواهد شد، پس در چنین زمانی اگر کسی شبانه روز نماز بخواند چیزی برای او نوشته نمی شود و نمازش مقبول نشود چون در حالی نماز گذارد که پیش خود فکر می کند و نیتش این است که چگونه به مردم ظلم کند و چگونه با مسلمانان مکر و حيله کند. آنها ریاست را برای فخر فروشی و ستم بخواهند و مساجد تنگ شود و کافر در حق اینان حکم کند و بعضی بر بعضی دیگر ستم کنند و از روی کینه و دشمنی بعضی از آنها بعضی دیگر را به قتل برسانند و به آشامیدن مسکرات افتخار کنند و در مساجد ساز و آواز بنوازند و کسی از آنها جلوگیری ننماید. در آن زمان زنازادگان و انسان‌های پست بزرگان آنها شوند و سفیهان و احمق‌ها سرپرست مردم گردند.

از طریق غصب و دزدی مالک اموال می شوند. آن‌ها پست و بی دین اند از فرزندان پست و بی دین، رؤسا ریاست را به کسی بدهند که سزاوار ریاست نیست، و خُلق و خواها تنگ شود، و زراعت‌ها فاسد شود، و بدعت‌ها آشکار شود، فتنه‌ها ظاهر شود، سخنانشان فحش باشد، کارهایشان وحشی‌گری است، افعالشان پلید است، آن

چنان ستمکار باشند که در ستمگری چیزی کم نگذارند، بخیلان و گدا صفتان بزرگان ایشان شوند، و فقهاء ایشان از روی هوای نفس و هر طور که بخواهند فتوا دهند، و قضااتشان به چیزی که نمی‌دانند حکم کنند، و بیشتر آنان به دروغ شهادت دهند، هر کس که پولدار باشد نزدشان بلند مرتبه است، هر که را فقیر و بیچاره دانستند نزدشان خوار و پست است، و فقیر و محتاج نزدشان مهجور است و کینه او را دارند، ثروتمندان محبوب گردند. هر کسی که شایسته باشد در میان مردم آن زمانه گلویش بسته باشد و راه‌ها نیز بر او مسدود شود.

مقام سخن چین و دروغگو را بزرگ می‌دانند، خدا آنها را سربزیر می‌کند، و دل‌هایشان را کور می‌کند، خوارک آنها مرغان و پرندگان چاق و لباسشان از خز یمانی و ابریشمی باشد، ربا و مال‌های شبه‌ناک را حلال دانند، و شهادت‌ها را به یکدیگر قرض می‌دهند (یعنی به موقع نیاز برای یکدیگر شهادت دروغ می‌دهند.) اعمالشان ریاکارانه باشد، عمرهاشان کوتاه باشد، سخنان سخن چین نزدشان معتبر باشد، حلال را حرام کنند، اعمالشان زشت و ناپسند باشد، دل‌هایشان از همدیگر جدا شود، باطل را درس بدهند و درس بگیرند، از کارهای زشت نهی نشوند، خوبان از بدان بترسند، در غیر ذکر خدا همدیگر را پشتیبانی کنند، پرده‌های حرام را بدرند و حرمت‌ها شکسته شود، با همدیگر مهربانی نکنند، به همدیگر پشت کنند، اگر شخص

شایسته‌ای را ببینند او را رد کنند، اگر شخص گناهکار و سخن چینی را ببینند او را استقبال کنند، کسی که به آنها بدی کند او را احترام و تعظیم کنند، فرزندان زنا زیاد شود، پدران از هر کار زشتی که از فرزندان ببینند خوشحال شوند و آنها را از آن نهی ننموده و باز ندارند. مرد از زن خود عمل زشت را ببیند و او را نهی نکرده و یا دور نکند (طلاق ندهند) و آنچه را از این راه که زنا دادن و بی‌عفتی کردن باشد به دست آورد می‌گیرد و حتی اگر از درازا و پهنا با او زنا کنند اهمیت نمی‌دهد و باکی ندارد که در مورد او چه می‌گویند و به این سخنان گوش نمی‌دهد، پس او همان «دیوث» است که خداوند از او نه کار و سخن نیکش را پذیرد و نه عذر و پوزش او را پس خوراک او حرام و نکاحش حرام است و کشتن او در شرع اسلام واجب است و رسوا کردن او در میان خاص و عام واجب است و در روز قیامت در آتش جهنم افکنده شود.

پدران و مادران را علنی دشنام کنند، بزرگان ذلیل شوند، مردمان پست و بی‌اصل بالا روند، پریشان‌عقلی و دیوانگی زیاد شود، پس در آن زمان برادری برای خدا چقدر کم باشد و پول‌ها کم می‌شود (شاید مراد پول حلال باشد)، و مردم به بدترین حال بر می‌گردند، پس دولت‌های شیاطین صفت دور می‌زنند و بر ظلم و ستم نمودن بر ناتوانان و مساکین بتازند. یوزپلنگ لباس شکار خود را بپوشد (شاید کنایه از این باشد که ستمگران با لباس دوست وارد شوند)، ثروتمندان

از مال و ثروتی که دارند بخل بورزند و فقرا آخرت خود را به دنیایشان می‌فروشند، پس وای بر فقیر از آنچه به او وارد می‌شود از ضرر و خواری در آن زمان که اهلشان را ضعیف و بیچاره کند و زود باشد که فقرا آنچه را که برایشان حلال نیست طلب کنند، پس هرگاه چنین شد فتنه‌ها بر ضرر آنها رو آورد که طاقت مقابل شدن با این فتنه‌ها را ندارند، آگاه باشید که اول فتنه از «هَجْری» که از روستایی است از بحرین و «رقطی» که شخصی است دارای مرض لک و پیسه شروع می‌شود و در آخر به سفیانی و شامی منتهی می‌شود.

و شما هفت گروه می‌شوید؛

گروه اول: در زیادی تقوا و پرهیزگاری تا ۷۰ هجری

گروه دوم: اهل بذل و بخشش و مهربانیست تا ۲۳۰ هجری

گروه سوم: اهل پشت کردن و بریدن از یکدیگر هستند تا ۵۰۵

هجری

گروه چهارم: اهل سگ صفتی و حسادت کردن به یکدیگر هستند

تا ۷۰۰ هجری

گروه پنجم: اهل تکبر و تهمتند تا ۸۲۰ هجری

گروه ششم: اهل خونریزی و فسق و اضطراب و دشمنی که اینها تا

سال ۹۴۰ هجری قمری ظاهر گردند.

گروه هفتم: پس اهل حيله، فريب، جنگ، فسق، كينه و بریدن از يكديگر و اسباب بازی های بزرگ و مرتكب شدن به شهوات و آوازاها و آلات موسيقي حرام می باشند، آنها به كارهای سخت و خرابی شهرها و خانه ها و خرابی ساختمان ها و بنا نمودن قصور و كاخ ها مشغول هستند. در این گروه شخص لعنت شده ای از بیابان شوم شورش می کند^(۱) و در این گروه پرده حیا و فرج ها دریده و كشف شود، در همان زمان است كه قائم ما مهدی علیه السلام ظهور می کند.

وای بر اهل دنیا از فتنه ها

در این هنگام بزرگان اهل كوفه و بزرگان عرب بلند شدند و عرض كردند: ای امیر مؤمنان زمان و مكان این فتنه ها و امور بزرگ را برای ما بیان بفرما؛ كه با شنیدن این اخبار هر لحظه نزدیک است دل های ما شكافته شود و جان از بدن های ما خارج شود! حضرت علی علیه السلام فرمود: در آنچه شما سؤال می کنید حكم و قضای الهی جاری شده است، هر نفسی مرگ را خواهد چشید، پس همه گریه كردند.

سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آگاه باشید كه تدارك فتنه ها زمانی است ی كه مكه و مدینه از گرسنگی و مرگ غبار آلود و سرخ خواهد

۱ - مراد سفیانی باشد كه از وادی یابس در شام قیام کند؛ البته ناگفته نماند كه در صدر اسلام كلاً به سوریه و فلسطین و... شامات گفته می شد.

شد، وای بر اهل بیت پیغمبر شما و شریف‌های شما از گرانی و گرسنگی و احتیاج و ترس که به آنها رسد تا حدی که در میان مردم در بدترین وضعیت باشند، آگاه باشید که در آن زمان صدایی در مساجد شما شنیده نشود و از روی اخلاص دعوتی به سوی حق صورت نگیرد و پس از آن هیچ خیری در زندگی نیست. به درستی که پادشاهان کفر متولی امور می‌شوند و حکومت می‌کنند و هر کس آنها را نافرمانی کند او را به قتل برسانند و هر کس اطاعت کند او را دوست بدارند، آگاه باشید اولین کسی که امر شما را تصرف کند و والی شما شود بنی امیه است و بعد از آنها خلفا بنی عباس مالک شوند، چه بسیار که در میان ایشان کشته و یا غارت زده شوند.

های‌های؛ وای بر کوفه شما از آنچه که در زمان سفیانی به آن وارد می‌شود، هنگامی که سفیانی بالشکرش به آن حمله می‌کند و سپس به بصره رود و بزرگان آن را به قتل رساند و زن‌هایشان را اسیر کند. به درستی که من می‌دانم جنگ‌هایی را که در آنجا و در غیر آنجا اتفاق می‌افتد که در آن زمان فریادها بلند شود، بعضی ناگهان به بعضی دیگر حمله کنند، پس وای بر کوفه شما؛ که مورد هجوم سفیانی واقع شده به طوری که مالک حریم و خانه شما شده و زن‌ها را هتک حرمت نموده و حتی بچه‌ها را بکشند، آگاه باشید در آن جنگ فتنه‌هایی است که در آن منافقان و قاسطین (از دین برگشتگان ستمگر) و فاسقین در

دین خدا هلاک شوند، راه را بر بندگان حق می‌بندند، از فریادهای مغرورانه و شرارت‌های ظالمان، مردم بترسند و بلای بزرگی ظاهر گردد.

آگاه باشید که سفیانی سه بار داخل بصره می‌شود؛ در آن اشخاص با عزّت را ذلیل و خوار کنند و زن‌ها را اسیر نمایند، وای بر مؤتفکه^(۱) از آنچه بر آن وارد می‌شود از شمشیرهای عربان و کشته‌های به خاک افتاده و زن‌های هتاکی شده، پس ستمگران از اهل آنجا می‌آیند به سوی بغداد، پس خدا بین آن و بین اهل آن را تغییر می‌دهد و چقدر در میان بغداد و اهل آن شدت و سختی روی دهد، طغیان و سرکشی آن زیاد شود و سلطان آن مغلوب شود.

وای بر دیلم و اهل شاوان و مردان عجمی که چیزی نمی‌فهمند، می‌بینی آنها را سفیدرویان و سیاه دلان که روشن کنندگان آتش جنگ‌ها هستند و دل‌هایشان سخت و ضمائرشان سیاه است، وای بر آن شهری که در آن داخل شوند، وای بر آن زمینی که در آن ساکن شوند، خیری از آنان دیده نشود، شر آنها غالب باشد، همّت کوچکترانشان از بزرگان‌شان بالاتر است، حزب‌ها و گروه‌ها به آنان برسند و زد و خورد، میان‌شان زیاد شود.

در اینجا حضرت علی علیه السلام نام برخی کشورها یا شهرها را در

۱ - مراد بصره است (نواب الدهور).

سراسر دنیا ذکر می‌نمایند که در آنها چه فتنه‌ها و اتفاقاتی رخ می‌دهد از جمله ایران، عراق، عمان، مصر، بحرین، یمن، عربستان، تهران، فرانسه و اروپا، هند، فلسطین و... و پس از ذکر نام هریک از این مناطق نوع اتفاقی که در آن پیش می‌آید بیان می‌فرمایند.

پس آن حضرت فرمود: خوشحال نشوید از اینکه اولاد عباس از خلافت خلع می‌شوند (یعنی المقتدر عباسی) زیرا که خلع او، اولین نشانه‌های تغییر است، آگاه باشید که من می‌شناسم پادشاهان را از این زمان تا آن زمان.^(۱)

وصف پادشاهان و حال مردمان قبل از ظهور

(راوی گوید) گروهی از بزرگان بلند شدند و عرض کردند: ای امیرمؤمنان برای ما شرح حالی از آن پادشاهان را بیان فرمایید. حضرت فرمودند: اولین آنها مرد متکبر و بلند بالایی است که سالخورده (یا صاحب قبیله یا صاحب مال و...) می‌باشد و او بسیار تیز و چالاک است، او مردی جلب و بسیار لعن کننده و کافر و زنا کننده و گناهکار است که در بین حرمسرایان خود کشته می‌شود، و پس از آن مردی دارای لشکری بزرگ، مردی که در بیم دادن و عذاب کردن و

سختی و قوت و با شجاعت در جنگ است و مردی که از شکم درندگان محشور شود (یعنی درندگان او را خواهند خورد) و مردی که حرم خود کشته می شود، مردی که به روم فرار کند و مردی که فتنه‌ای تیره و تاریک دارد و مردی است که از سر به صورت به بازار در افتد، مردی که خود را بچسباند به دیگری و به او اعتماد کنند، مرد پیری که دست بسته فرار کند به طرف نینوا (نزدیک موصل) و بازگردد. و چون برگشت مردی از بنی عباس را بکشد و مالک مصر شود و مردی که محو کننده نام است، مردی بسیار درنده و فتنه جو باشد، مردی رام شونده یا استوار در کار باشد و آن مردی است که چهره او به سیاهی و سفیدی و کبودی به هم آمیخته باشد^(۱)، مردی تب و لرز کننده یا از خوف فرستنده جاسوس از دشمن باشد و لرزان و بی آرام باشد، مردی دلالت کننده به سبقت گرفتن از طرف یا درندگی باشد. مردی فصیح و ناکس پست و بی اصل و نسب باشد یا پدرش آزاد و مادرش کنیز باشد مردی با عمر طولانی، مردی که دروغ گو باشد با اهل خود، مردی که بیرون رونده باشد به علت دروغ و کفر و شرک و مجالس خوانندگی و بت پرستی، مردی دارای مرض برص و رخنه کننده باشد، مردی که قصرها بنا کند، مردی که زمام کارها را به دست بگیرد، مردی پیر و فتنه گر و شرور، مردی که از شهری به شهر دیگر منتقل

۱ - در جایی دیگر آمده مرد سالخورده که جلوی سرش مو نداشته باشد.

می‌شود، مرد کافری که برگردن‌های مسلمین سوار باشد، مردی که دید چشمش ضعیف باشد، مردی که عمر او کوتاه باشد^(۱)، آگاه باشید که بعد از آن بلاها پیش آید گویا می‌بینم که فتنه‌ها پیش آید از هر مکانی مانند پاره‌های شب تاریک^(۲).

پس آن حضرت علیه السلام فرمودند:

ای گروه مردم در سخنان من شک نکنید، چون من ادعایی نکردم و سخن دروغی نگفتم و خبر نمی‌دهم شما را مگر آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله به من تعلیم فرموده است، آن حضرت به من هزار مسأله آموخت که از هر کدام آن هزار باب گشوده شود و از هر باب آن هزار باب علم دیگر بازگردد. به درستی که شمردم برای شما این علامات را تا بدانید اوقات آنها را، تا هر وقت در فتنه‌ها واقع شدید بدانید با کمی صبر شما چه شگفت‌انگیز است فتنه‌ها و پلیدی زمانتان و خیانت حاکمانتان، قاضی‌هایتان، سگ صفتی تاجرانتان، حرص و بخل پادشاهانتان، آشکار شدن اسرارشان، لاغر شدن جسم‌هایتان و درازی آرزوهایتان، زیاد شدن شکایاتان، تعجب از کمی معرفتتان،

۱ - در جایی دیگر آمده مردی که عمر او دراز باشد حالا مقصود حضرت چیست مشخص نیست اما با توجه به اینکه در جملات دیگر «شیخ» گفته شده شاید عمر طولانی این مرد را برساند و این جمله چیز دیگری را بخواهد بگوید.

۲ - آن حضرت در این قسمت از خطبه سی و سه نفر از پادشاهان را به وصفی که آمده با بیان اوضاع آنها، بدون ذکر نام‌ها فرموده است...

خوار شدن فقرايتان و تكبر ثروتمندانان و كمى وفايتان، همانا ما از خدائيم و به سوى او باز مى گرديم و اين فتنه ها و مصائبى است براى اهل آن زمان، فتنه ها وارد شود به آنان و بزرگ ندانند مصيبت ها و كارهاى دشوار را، به تحقيق شيطان در بدن هايشان آميخته شود و در خون هايشان وارد گردد و وسوسه كند اينان را به دروغ گفتن، تا اينكه فتنه ها به شهرها وارد شود و مؤمن مسكين و بينواى دوستدار ما بگويد كه من از ناتوانانم، بهترين مردم در آن زمان كسى است كه ملازم نفس خود باشد و پنهان شود در خانه خود و از رابطه زياد با مردم پرهيز كند و دورى نمايد از آن كسى كه نزديك بيت المقدس ساكن شود در حالى كه طلب كننده آثار پيغمبران باشد.^(۱)

اى گروه مردم؛ ستمكار با ستمديده، و نادان با دانا و حق با باطل و عادل با ستمگر برابر نيستند، آگاه باشيد كه راه خدا آشكار و معلوم است و هرگز مجهول نيست، هيچ پيامبرى نبوده مگر اينكه برايش مخالفانى بوده اند كه همواره مى خواستند نور او را خاموش كنند و ما اهل بيت پيامبر شمائيم كه ما نيز دشمنانى داريم، آگاه باشيد كه اگر شما را در فشار قرار دادند كه به ما دشنام دهيد پس دشنام دهيد ما را و اگر شما را خواندند كه به ما ناسزا گوئيد پس ناسزا بگوئيد و اگر

۱ - چقدر عجيب است اين پيشگويى، الان ما شاهديم كه صهيونيست ها به بهانه تدارك نبرد آرماگدون (نبرد آخرالزمان) به دنبال هيكل حضرت سليمان مى گردند تا براى ظهور حضرت عيسى آنجا را مهيا كنند و دست به تخريب و حفارى بيت المقدس گرفته اند.

خواندند شما را که لعنت کنید ما را پس لعنت کنید ما را، ولی اگر خواندند شما را که بیزاری بجوئید از ما پس بیزاری نجوئید از ما و گردن‌های خود را برای شمشیر بکشید (یعنی کشته شوید...) و از ما بیزاری نجوئید و نگاهدارید یقین خود را، زیرا هر که قلباً از ما بیزار شود خدا و رسول از او بیزار می‌شوند، آگاه باشید که دشنام و ناسزا و لعن به ما نمی‌رسد. (۱)

پس فرمود: وای بر بینوایان این امت که شیعیان و پیروان ما هستند و دوست مایند و اینان نزد بقیه مردم کافر هستند اما نزد خدا از خوبانند، نزد مردم دروغ‌گویانند اما نزد خدا راستگویانند، نزد مردم ستمکارانند اما نزد خدا ستم‌دیدگانند، نزد مردم جورکنندگانند اما نزد خدا عدل و داد کنندگانند و نزد مردم زیان‌کارانند اما نزد خدا سودبرندگان، قسم به ذات خدا آنها همان رستگارانند و منافقان زیان‌کارانند.

ای مردم! جز این نیست که خدا و رسول و کسانی که ایمان آورده‌اند به تصرف در کارها از شما سزاوارتر می‌باشند و آنها کسانی هستند که به پا می‌دارند نماز را و زکات را می‌دهند در حالی که در حال رکوع هستند، ای مردم! گویا می‌بینم گروهی را که می‌گویند علی

۱ - تقیه یکی از دستورات اهل بیت علیهم‌السلام است که اگر جان یا مال و آبروی انسان در خطر افتاد انسان اجازه دارد تقیه نماید.

بن ابیطالب غیب می‌داند و اوست آن پروردگاری که مردگان را زنده می‌کند و زندگان را می‌میراند و بر همه چیز تواناست، قسم به پروردگار کعبه که دروغ می‌گویند، ای مردم در شأن و مقام ما هر چه می‌خواهید بگوئید (از فضائل و مناقب و کمالات) اما ما را از تربیت شدگان و بندگان خدا بدانید. (یعنی ما را خدا نخوانید بلکه بندگان خدا بدانید).

آگاه باشید به زودی شما با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و از همدیگر جدا شوید، آگاه باشید که اول زمان فتنه زمانی است که سال ۱۶۳ هجری بگذرد که فتنه‌ها بر شما نازل شود پس به دنبال آن فتنه‌ها هجوم آورند، و سال جنگ با اهل خداست و سالی که مادران جنین‌های خود را سقط کنند و سالی که مردم در آن از قحطی و رنج‌ها رنجیده و ربوده و درمانده شوند و سالی که اهل زمین را به فتنه بیندازد و سالی که از ظلم و ستم اهل خود را آواره کنند، سالی که اهل خود را به ستم فروگیرد و سالی که ایمان را از دل‌های اهلش ببرد و نابود کند و سالی که سواران جنگی از هر طرف به آنان حمله کنند و سالی که در آن شخص ابرصی از سمت خراسان خروج کند و سالی که در آن انواع سلاح‌های جنگی بکار برده شود که در آن پادشاه جبل خارج شود و به جزیره‌ها غلبه کند. بعد از آن خدا اهل آن جزیره‌ها را یاری دهد با تأیید خود و غلبه شدن، پس مردی عرب در آن زمان خروج کند و

پرچم‌های سیاه در بصره بلند گردد، آنگاه جوانانی قصد او کنند و او را تا شام دنبال کنند، پس از آن سوارانی به قهر و چیرگی به خانه‌های بصره حمله کنند.

سال نرم کننده‌ای که نرم کند غذاهايشان را (یعنی نابود شود نان و غذا)، سال فتنه‌ای که اهل عراق را به فتنه اندازد، سالی که اهل آن از شدت احتیاج و آزمندی به سوی یمن روند، سالی که در شام فتنه‌ها ساکت شوند و سالی که فتنه‌ها در آن به سمت جزیره آوال^(۱) سرازیر شود و سالی که فتنه‌ها در زمین خراسان سخت شود و سالی که در زمین فارس فتنه‌های ستمگری پیش آید.

سال وزیدن بادهای سخت و ویران و ریشه کن کننده خانه‌ها که در زمین خط بوزد^(۲) و سال جنگ دنباله‌داری که در شام پیش آید و سال فرود فتنه‌ها در زمین عراق و سالی که فتنه‌ها در زمین روم متصل شوند و سال جنگ هیجان‌آور و تحریک کننده‌ای که کردها را نیز از شهر زور^(۳) داخل جنگ کند. و سالی که در عراق زنها بیوه شوند و سال درهم شکستن اهل جزیره و سالی که مردم در شام نحر شوند و سالی که فتنه در بصره سخت شود و سال کشنده‌ای که مردم بالای جسر (پل) در رأس العین کشته شوند.^(۴)

۱ - از جزایر بحرین.

۲ - شاید منظور عمان یا خط قطیف و عقیر و قطر... باشد.

۳ - میان اربل و همدان. ۴ - شهری بزرگ از شهرهای جزیره.

سالی که فتنه‌ها به زمین یمن و حجاز رو آوردند و سالی که فریاد کنند اهل عراق، پس ایمنی برایشان نباشد و سالی که بشنوانند صدرا بر مؤمنین در حالی که خواب باشند و سالی که کشتی‌های جنگی در روی دریا شناور شوند برای کشتار اهل جزیره، سالی که گُردها می‌کشند مردی از بنی عباس را در خوابگاه او و سالی که مؤمنان به غم و اندوه و حسرت‌های خود بمیرند و سالی که قحطی مردم را فرو گیرد و سالی که نفاق در دل‌ها جاری شود و سالی که اهل خط غرق شوند و سالی که اموال مردم در اثر قحطی ربوده شود، در زمین خط و هجر و بلکه در همه جا به حدّی که گدا را از خود برانند و کسی به او چیزی ندهد و رحمی نکند و سالی که جمعی از شیعیان من غلّو کنند و مرا به پروردگاری بگیرند پس من بیزارم از آنچه می‌گویند.^(۱)

سالی که مردم درنگ کنند از ندا، ندایی که منادی دو بار در آن سال فریاد کند که آگاه باشید که تمام عالم از آل علی بن ابیطالب علیهم السلام است، پس این صدا، صدای جبرئیل است^(۲)، بعد شیطان لعین ندا دهد که: مُلک برای آل ابی سفیان است، در آن حال بیرون آید سفیانی، و پیروی کنند او را صد هزار مرد، پس فرود آید در سرزمین عراق، و

۱ - هم اکنون خیلی‌ها به عنوان علی اللهی و امثال آن چنین ادّعی باطلی دارند.

۲ - با این نداست که مهدی (ع) در میان مردم ظاهر خواهد شد و یارانش به مکه روند و دنبال حضرت خواهند گشت (یعنی ظهور محقق می‌شود) و تا قیام حضرت چند ماهی فاصله است (احتمالاً ۸ ماه) که در این فرصت سفیانی چه جنایات که نمی‌کند.

میان جلولا (نزدیک بغداد) و خاتقین را قطع می‌کند، پس به قتل می‌رساند مرد سخن آرایی را که به سخن خود می‌نازد، سپس سرش را مانند قوچ جنگی می‌برند، و اما عجیب است و خیلی عجیب است آنچه در بین ماه جمادی و ماه رجب اتفاق می‌افتد،^(۱) از آنچه بر زمین وارد می‌شود و در جزائر فتنه‌ها و بلاها رخ می‌دهد، در این حال گمشده‌ای میان تل که صاحب نصر و غلبه است ظاهر می‌شود، پس در این وقت با آن مرد یک چشم می‌جنگد، پس مردی زردرنگ بر سر جسر در رأس العین ظاهر می‌شود، در آنجا هفتاد هزار نفر را می‌کشد که آنها صاحب سلاح‌های پیراسته‌اند، باز فتنه به عراق بر می‌گردد و در شهر زور هم فتنه‌ای ظاهر می‌شود، که آن فتنه بلای بزرگ و تاریک کننده و سختی است که آن را هلم گویند (چسبناک) که آنها را رها نکند.

سفیانی و سرنوشتش

پس ابن یقطين و گروهی از اصحاب آن حضرت بلند شدند و عرض کردند؛ ای امیر مؤمنان! شما از سفیانی و مرد شامی سخن فرمودید، در این رابطه توضیح بیشتری بفرمایید.

۱ - این همان جمله معروف است که «فالعجب کل العجب بین الجمادی و الرجب».

حضرت فرمود: به راستی که او در آخرین سال غیبت خروج می‌کند.

و نشانه خروج او اختلاف سه پرچم است:

یکی، پرچم عرب است که بلند می‌شود پس وای بر مصر و آنچه که بر آن وارد می‌شود.

دوم، پرچمی از جزیره آوال از بحرین بلند می‌شود از زمین فارس.^(۱)

سوم، پرچمی از شام بلند می‌شود، پس میان آنها فتنه تا یک سال ادامه دارد. آنگاه مردی از اولاد عباس خروج کند و اهل عراق گویند که گروهی پابرهنه و صاحبان نظرهای مختلف آمدند، سپس اهل شام و فلسطین از خبر آمدنشان نگران شوند. پس اهل سه پرچم با همدیگر اختلاف و درگیری پیدا کنند، پرچم سیاه ترک و عجم و پرچم زرد اعراب بیابانی که یاران ابن عباس هستند و پرچم سفیانی در مکانی به نام «بطن الازرق» جنگ می‌کنند، جنگ و قتالی سخت که از ایشان شصت هزار نفر کشته می‌شود، پس از آن سفیانی بر آنان غالب شود و از آنان جمعیت زیادی را بکشد و مرکزهای حساس آنان را

۱ - توجه داشته باشید که در قدیم کشورهای حاشیه دریای خلیج فارس مثل بحرین و قطر و قسمتی از افغانستان و قسمتی از روسیه و... جزء سرزمین ایران بودند که طی معاهده‌های مختلف در همین زمان اخیر از ایران جدا شدند.

مالک شود و بناهای خود را در میان یاران و دوستان به عدل و داد گذارد، تا حدی که در حقش بگویند به خدا قسم که حرف‌هایی که درباره او می‌گفتند (که ظالم است و...) دروغ است، سپس در مکان «سبا» جنگ بزرگی رخ می‌دهد و خبرش به تمام شهرها می‌رسد و ترس از این خبر همه را فرا می‌گیرد، پس پیوسته از شهری به شهر دیگر وارد می‌شود و با آنان جنگ می‌کند؛ اول جنگ در حمص است بعد در رقه در قریه سبا، این بزرگتر از جنگی است که در حمص واقع شود، پس به دمشق بر می‌گردد و مردمان به او نزدیک شوند، پس لشکری مجهز می‌کند و به مدینه و لشکری به سمت مشرق (یعنی عراق) می‌فرستد، پس در بغداد هفتاد هزار نفر را می‌کشد و سیصد زن حامله را شکم پاره کند، پس لشکر او به کوفه بیرون رود، چه بسیار از مرد و زن که به گریه افتند، پس خلق بسیاری را می‌کشد، اما لشکری که به مدینه فرستاده وقتی به وادی بیداء می‌رسند، جبرئیل صیحه عظیمی بر آنان می‌زند و همه آنها به زمین فرو می‌روند.^(۱) به جز دو مرد که در عقب لشکر باقی می‌مانند که یکی بشیر (بشارت دهنده) و دیگری نذیر (بیم دهنده) باشد و این دو نفر جریان را می‌بینند و مشاهده می‌کنند که تمامی لشکریان در زمین فرو رفته و سرهایشان بیرون مانده است، آنگاه جبرئیل به آن دو صحیبه‌ای زند که خدا

۱ - این همان خسف بیداء یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء می‌باشد.

صورتشان را به عقب برگرداند، پس بشیر به سمت مدینه رود و به حضرت مهدی علیه السلام که خدا آنها را از شر لشکر سفیانی سالم گردانید نذیر هم به سوی سفیانی رفته و به او خبر می دهد که چه اتفاقی برای لشکرش افتاده است.

سپس گروهی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله که از شریفها هستند به شهر روم فرار می کنند و سفیانی به پادشاه روم می گوید که بندگان مرا به من برگردان، پس آنان را بر می گردانند و بالای در شرقی مسجد جامع دمشق آنها را گردن می زند و کسی او را از این کار منع نکند. آگاه باشید که نشانه خروج سفیانی تجدید پایگاهها در شهرها می باشد.

پس گفتند: ای امیرمؤمنان ذکر کن برای ما آن پایگاهها را، حضرت فرمود: تجدید می شود پایگاهی در شام، و دو پایگاه در عجز که نام یک جمهوری از جماهیر دهنا است، و حران که دو وادی است در نجد یا شام، پایگاهی در واسط (میان کوفه و بصره)، پایگاهی در بیضاء بنا می شود (که شهری است بزرگ در فارس یا در مغرب یا نام گردنه ای است در جبل المناقب که طائف یا حلب یا بصره یا فراء مصر یا روستایی در اسکندریه یا شهری در بلاد خزر باشد) و دو پایگاه در کوفه، پایگاهی در شوشتر، پایگاهی در ارمنیه کبری یا صغری، پایگاهی در موصل، پایگاهی در همدان، پایگاهی در رقه که شهری است در کنار فرات، پایگاهی در دیار یونس، پایگاهی در حمص،

پایگاهی در مطریه (در مصر)، پایگاهی در رقطاع از نواحی خط یا بحرین است، پایگاهی در رجه (که نزدیک یمن باشد یا میان مدینه و شام یا قریه‌ای باشد در عراق) و پایگاهی در دیر هند کبری (در حیره یا در دیر هند صغری نزدیک نجف) و پایگاهی در قلعه (نزدیک حلوان عراق یا کوهی در شام).

ای مردم! آگاه باشید که چون سفیانی ظاهر شود برای او وقایع و جنگ‌هایی بزرگ خواهد بود، اولین جنگ در حمص باشد، بعد از آن در حلب، بعد برقه، بعد قریه سبا، بعد رأس العین (شهری از شهرهای جزیره)، بعد بضمین، بعد موصل که آن واقعه بزرگی خواهد بود، بعد از آن مردان بغداد در موصل جمع می‌شوند و در آنجا کشتار سختی خواهد بود، پس فرود می‌آید سفیانی در آنجا و شصت هزار نفر را می‌کشد، به درستی که در آنجا گنج‌های قارون است، و برای آنجاست هول‌های بزرگ همچون بارش سنگ و مسخ شدن (قیافه‌ها به شکل حیوان شود). و در زمین فرو رفتن دشمنان، خیلی راحت‌تر از فرو رفتن میخ در زمین نرم، آنگاه سفیانی به خاطر کینه‌ای که به آل محمد صلی الله علیه و آله دارد پیوسته هر کس که نامش محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، جعفر، موسی، زینب، خدیجه و رقیه باشد را می‌کشد. پس در همه شهرها نیرو می‌فرستند تا حتی بچه‌های شیعیان را اسیر کنند و بکشند.

پس در این هنگام می جوشد خون‌های ایشان چنان که خون یحیی بن زکریا به جوش آمد، پس در این هنگام سفیانی به هلاکت خود یقین می‌کند و از ترس به سوی شام فرار می‌نماید. پس کسی را در راه نمی‌بیند که مخالفت کند تا زمانی که داخل شام شود و چون داخل شهر خود شد در آنجا معتکف به شرب خمر و انواع گناهان می‌شود و افراد خود را به کارهای زشت امر می‌کند، پس سفیانی بیرون می‌آید در صورتی که حربه‌ای در دست دارد، دستور می‌دهد زنی را نزد او بیاورند و به بعضی از اصحاب خود دستور می‌دهد که با او در میان راه فجور کنند، به آنها می‌گوید به او فجور کنید در بین راه، پس با وی فجور کنند و سپس شکم او را پاره نموده و بچه‌ای که در شکم دارد را سقط می‌کنند و کسی قدرت جلوگیری از او را ندارد.

پس در این زمان فرشتگان آسمان مضطرب می‌شوند و در این هنگام خداوند، به قائم از ذریه من اذن خروج می‌دهد و او همان صاحب الزمان علیه السلام است.^(۱) پس خبر ظهور آن حضرت در همه جا شایع می‌شود و در این هنگام جبرئیل به بالای صخره بیت المقدس

۱ - یعنی از زمان ندای جبرئیل که فرمود ملک از آن آل علی بن ابیطالب علیه السلام است تا اذن خروج (که قیام باشد) حضرت در بین مردم حاضرند و مردم او را می‌شناسند اما کمی مخفیانه. و در این بین افرادش کم کم به او ملحق می‌شوند (افراد خاص حضرت ۳۱۳ نفر و افراد درجه بعد حضرت را حدود ۱۰۰۰۰ نفر ذکر کرده‌اند که اینها غیر از مردم عادی‌اند که با حضرت همراه خواهند شد).

فرود می‌آید و به تمام اهل جهان ندا سر می‌دهد:

«جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً» یعنی «حق آمد و باطل رفت به راستی که باطل از بین رفته است.»

پس آن حضرت آه سردی از دل کشید و ناله حزینی زد و شعری را قرائت فرمود که معنایش این است: زمانی که طائفه ترک لشکر آرایبی کردند برای ولایت مهدی عجل الله تعالی فرجه منتظر باش که او قیام می‌کند و به عدل داوری می‌نماید و پادشاهان روی زمین که از آل هاشمند ذلیل شوند و از کسانی که اهل بیهوده‌گویی و لذت‌جویی هستند بر اصلاح‌شان بیعت گرفته می‌شود، آن حکمرانان همچون طفلی هستند که از خود رأی و نظر و تدبیری نداشته و جدّیتی ندارند، پس از آنها قائم به حق قیام کند و حق را برایتان آورده و به حق عمل می‌کند، او همانم رسول خداست، جان من فدای او، پس خوار نکنید او را ای پسران من و بشتابید به سوی او.

آنگاه فرمود: پس جبرئیل در صیحه‌ای آسمانی ندا دهد که ای بندگان خدا بشنوید آنچه را که می‌گویم؛ همانا این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله که از مکه ظهور نماید، پس به او لبیک گفته و اجابتش نمایید. (۱)

فصل دوم

۴۰ حدیث از کتاب

«الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام»

نویسنده: سید بن طاووس رحمته الله

مترجم: محمدهادی هدایت

«حدیث ۱»

نقل شده است که پیامبر اسلام ﷺ آن چه تا روز قیامت اتفاق می افتد می داند. کثیر بن مره ابی شجره الحضرمی از ابن عباس نقل می کند:

نبی مکرم اسلام ﷺ فرمود: «خداوند برای من دنیا را به گونه ای قرار داده است که وقتی به آن می نگرم، حوادث جاری و رویدادهای آن را تا روز قیامت مانند کف دستم می بینم.»^(۱)

«حدیث ۲»

پیرامون آگاهی و علم مولای ما علی بن ابی طالب علیه السلام به فتنه ها تا روزی که قیامت بر پا می شود از زر بن حبیش نقل شده که شنیدم علی علیه السلام فرمود: «از من پرسید، قسم به خداوند، اگر از من در مورد گروه صد نفره ای که به جنگ می پردازد و یا هدایت می شود و در راه راست حرکت می کند پرسید به شما نه تنها درباره آن جواب می دهم (بلکه) از رهبر و پیش قراول و رجز خوان آن نیز شما را آگاه

۱ - فتنه ها و مصیبت ها، ترجمه کتاب الملاحم الفتن، صفحه ۲۱.

می‌کنم»^(۱).

«حدیث ۳»

هفت فتنه‌ای که نبی مکرم ﷺ بیان فرمود:

عبدالله بن مسعود از عبدالله بن عباس نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «شما را از هفت فتنه که بعد من واقع خواهد شد بر حذر می‌دارم: فتنه‌ای که از مدینه به سوی شما می‌آید، فتنه‌ای در مکه، فتنه‌ای که از یمن خواهد آمد، فتنه‌ای که از مشرق و به شهر شام رو می‌آورد، فتنه‌ای که از غرب می‌آید و فتنه و آشوبی که از شام بیرون می‌آید، و این همان فتنه سفیانی است». در ادامه ابن مسعود چنین گفت: «گروهی از شما اولین فتنه را درک می‌کند و عده‌ای از مسلمانان آخر آن را خواهد دید». ولید بن عباس بیان می‌کند: «فتنه مدینه از طرف طلحه و زبیر بود، فتنه مکه از جانب پسر زبیر بود، فتنه یمن نیز از سوی (یکی از خارجیان) است، و فتنه شام از طرف بنی امیه، و اضافه کرد که من منشا آن هستم». (منظورش همان طائفه بنی العباس بود که از نسل او بودند زیرا حکمرانی آنها از سمت مشرق شکل گرفت).^(۲)

«حدیث ۴»

بیان چهار فتنه و شدت چهارمین آنها:

ابوهریره روایت نمود که رسول خدا ﷺ فرمود: «بعد از من ۴ فتنه به سراغ شما می آیند: در نخستین فتنه خون (مسلمین) حلال شمرده می شود، در دومین آن خون و دارایی های آنان حلال شمرده می شود، در سومین آن، خون، دارایی ها و تجاوز به ناموس حلال شمرده می شود و چهارمین فتنه که بی صدا و کور و ظلمانی است، چون کشتی در دریا از طرفی به طرف دیگر می رود، تا آنجا که هیچ کس راه فراری ندارد، به سرعت به شام می رود و عراق را با تاریکی خود می پوشاند و جزیره (شمال غربی بین النهرین) دست و پایش را بر زمین می کوبد، مردم در این سرزمین با بلاها و مصیبت ها به شدت درگیرند و دست و پنجه نرم می کنند و کسی نمی تواند به آنان بگوید: بس و کافی است!، بلا را از جایی نمی زدایند مگر این که از جای دیگری سر بر می آورد.»^(۱)

«حدیث ۵»

در مورد آشوبی که در بین مردم به وجود می‌آید، عبدالوهاب از یونس از رسول الله ﷺ نقل نموده است: آشوبی بین مردم رخ می‌دهد که انسان، همسایه، برادر و پسر عمویش را می‌کشد. عرض کردند آیا آنان عاقلند و چنین کاری را می‌کنند؟ جواب دادند عقل و ادراک اکثر اهل آن عصر از آنها گرفته شده است و مستی نادان به جا می‌مانند با این وجود گمان می‌کنند که حق با آنها است.^(۱)

«حدیث ۶»

فتنه و بلایی که دین را نابود می‌کند:

ابی زهراویه از حدیقه بن یمان نقل کرده است که: عده‌ای از مشرق زمین به پای می‌خیزند و (مردم) را به سوی عترت پیامبر ﷺ می‌خوانند حال آن که دورترین مردم نسبت به این خاندانند، نشانه‌های سیاهی را بر می‌افرازند که ابتدای کارشان ظفر و پیروزی است و آخرش کفر و الحاد. مردم فرومایه عرب هم‌زمان پست و بندگان فراری که در دور دست‌ها بنده شده بودند هوادار آنانند

سیمای آنها سیه فام است و آیینشان شرک. غالب آنها «خدع» اند! راوی عرض کرد: خدع چیست؟ فرمود: «ختنه نشده». در این وقت حدیقه ابن عمر را مورد خطاب قرار داد و گفت: عبدالرحمن تو در آن زمان نخواهی بود. عبدالله بیان داشت: بعد از من فتنه‌ای نابود کننده رخ می‌دهد که کمر به نابودی دین می‌بندد. مجنونان، صالحان، کافران و فقیهان در آن هلاک می‌شوند و تنها گروه بسیار اندکی نجات پیدا می‌کنند. (۱)

«حدیث ۷»

انسان‌ها تا ظهور مهدی علیه السلام غرق در فتنه‌اند؛ ابی قتیل می‌گوید: تا زمانی که حکومت عباسیان منقرض نشود مردم در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند. هنگامی که حکومتشان از بین برود تا ظهور مهدی علیه السلام در شر و فتنه خواهند زیست. (۲)

«حدیث ۸»

فریاد آسمانی در ماه رمضان:
ابن مسعود از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است: صیحه‌ای آسمانی که در ماه رمضان بلند می‌شود (پس از آن) مهمه و غوغای

جنگاوران در ماه شوال به پا خواهد خاست و طوائف در ماه ذی‌القعدة پراکنده خواهند شد و در ماه ذی‌الحجه خون‌ریزی به راه می‌افتد و محرم و آن هم چه محرمی! حضرت این گفته را سه بار تکرار کردند. ای دریغ، ای دریغ! مردم در این وقت در پی ظلم‌ها و آشوب‌ها قتل عام می‌شوند. عرضه داشتیم: این صیحه و فریاد دیگر چیست؟ رسول خدا ﷺ جواب داد: صیحه و فریاد آسمانی در ظهر روز جمعه پانزدهم ماه رمضان که شب نخست آن شب جمعه باشد، خواهد بود. به گونه‌ای است که انسان خوابیده را بیدار می‌کند، ایستاده را می‌نشاند و زنان خود آراسته را از اندرون خانه‌ها بیرون می‌آورد. در شب جمعه بعد از نماز صبح به خانه‌هایتان بروید، درها را قفل کنید، پنجره‌ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوش‌هایتان را بگیرید. زمانی که صیحه آسمانی را احساس نمودید به سجده افتید و عرضه بدارید «سبحان القدوس ربنا القدوس» که هر کس این کار را انجام دهد نجات پیدا می‌کند و در غیر این صورت از بین می‌رود. (۱)

«حدیث ۹»

نشانه‌ای در ماه صفر:

از ابن مسعود نقل شده است که در ماه صفر نشانه و علامتی با رؤیت ستاره دنباله داری ظاهر خواهد شد. (۲)

«حدیث ۱۰»

مؤمنی که خوابیده باشد از فتنه رهایی می یابد:

از شخصی کوفی که گویا نامش مسافر است روایت شده است که علی علیه السلام فرمود: در آن زمان هر مؤمن که در خواب باشد نجات می یابد. در روایتی دیگر از او سوال شد که منظور از خواب چیست؟ پاسخ داد: منظور این است که خاموش و ساکت است و در آن فتنه مطلبی در مورد او ظاهر و هویدا نشود. (۱)

«حدیث ۱۱»

فرورفتن عده‌ای در زمین نشانه‌ای از نشانه‌های ظهور:

در پایان روایتی چنین بیان شده که: صخری راهی کوفه می شود و سواره نظام خود را در آنجا مستقر می کند. اسیرانشان را برای او می آورند و این اوضاع ادامه دارد تا زمانی که خبر ظهور مهدی علیه السلام از مکه به او می رسد، او هم گروهی را از کوفه به جنگ حضرت می فرستد که در زمین فرو می روند. (۲)

«حدیث ۱۲»

هفتاد و دو روز:

از ابو حنیفه روایت شده است: فاصله زمانی بین قیام پرچم سیاه در خراسان و سعید بن صالح و قیام مهدی علیه السلام و فرمانبرداری از او هفتاد و دو روز است. (۱)

«حدیث ۱۳»

تصرف کوفه توسط سفیانی که در مدت ۱۸ شبانه روز، شصت هزار نفر را می‌کشد:

از جراح نقل شده: سفیانی وارد کوفه می‌شود، سه روز اهالی شهر را به اسارت در می‌آورد. شصت هزار نفر را قتل عام می‌کند و ۱۸ شبانه روز در کوفه می‌ماند و دارایی‌های آن را تقسیم می‌کند... (سپس حدیث را ادامه داده و نقل می‌کند) تا زمانی که پرچم‌های سیاه به جهت بیعت گرفتن برای حضرت مهدی علیه السلام به سوی کوفه روانه می‌گردند. (۲)

«حدیث ۴۱»

مهدی علیه السلام و یاران خراسانی او:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که گروهی از جوانان بنی هاشم به پیشگاه او آمدند، رنگ صورتش تغییر کرد، عرضه داشتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چه اتفاقی افتاده است که هنوز در چهره شما چیزی ناخوشایند را می بینیم؟ پاسخ داد: خداوند، برای ما اهل بیت، آخرت را بر دنیا برگزید و این اهل بیت من هستند که بعد از من گرفتار بلا و بی توجهی و آوارگی اند تا این که گروهی با پرچم های سیاه در دست از مشرق می آیند، حق را می خواهند ولی دو یا سه مرتبه به درخواست آنها اعتنایی نمی شود، برای احقاق حق می جنگند و پیروز می شوند آن چه را که می خواهند به آنها می دهند ولی آنها از قبول آن سر باز می زنند تا این که آن را به فردی از خاندانم برسانند و اوست که زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم انباشته شده بود اگر کسی از شما در آن زمان بود باید خود را ولو با سینه خیز رفتن بر روی برف به آنها برساند که و همان مهدی علیه السلام است. (۱)

«حدیث ۱۵»

مهدی و یاورانی از خراسان:

ثوبان می‌گوید: هنگامی که دیدید پرچم‌های سیاه از خراسان به پا می‌خیزند به آنها پیوندید اگر چه مجبور شوید بر روی برف سینه خیز راه بپیمایید زیرا مهدی علیه السلام خلیفه خداوند در آنجا است.^(۱)

«حدیث ۱۶»

مقدمه ظهور مهدی علیه السلام، شعیب بن صالح است:

از حسن روایت شده است: مردی چهار شانه، سبزه، با صورتی بی‌مو به نام شعیب بن صالح که غلام بنی تمیم است با چهار هزار سپاه از شهر ری قیام می‌کند لباسشان سفید رنگ و پرچم‌هایشان سیاه است. این نشانه ظهور مهدی علیه السلام است.^(۲)

«حدیث ۱۷»

پرچم‌دار حضرت مهدی علیه السلام؛

از عمار بن یاسر روایت شده: شعیب بن صالح در زیر پرچم مهدی علیه السلام است.^(۳)

۲ - همان، صفحه ۵۸.

۱ - همان، صفحه ۵۸.

۳ - همان، صفحه ۵۸.

«حدیث ۱۸»

نشانه‌های ورود سفیانی به کوفه:

از ابی رزین نقل شده: وقتی سفیانی به کوفه می‌رسد و پیروان آل محمد علیهم‌السلام را می‌کشد، مهدی علیه‌السلام ظهور می‌کند در حالی که شعیب بن صالح در زیر پرچم اوست. (۱)

«حدیث ۱۹»

منادی آسمانی و هویدا شدن کف دستی در آسمان:

از سعید بن مسیب روایت شده است: اختلافات و تفرقه حاکم خواهد شد تا زمانی که کف دستی از آسمان نمایان شود و منادی آسمانی بانگ بر آورد: امیر و مولای شما امام زمان علیه‌السلام است. (۲)

«حدیث ۲۰»

حق و حقیقت با آل محمد علیهم‌السلام است:

ابن رومان از علی علیه‌السلام نقل نموده است: بعد از این که واقعه فرو رفتن اتفاق بیفتد منادی آسمانی در آغاز روز ندا می‌دهد که حق و حقیقت با آل محمد علیهم‌السلام است. در پایان روز منادی دیگری ندا

می‌دهد، حق با فرزندان عیسی است و این فریاد دومین، بانگی مغرورانه از جانب شیطان (برای ایجاد اختلاف) است.^(۱)

«حدیث ۲۱»

روبرو شدن مهدی علیه السلام و سفیانی و بانگ منادی آسمانی:
الزهری می‌گوید: زمانی که مهدی علیه السلام و سفیانی برای جنگ در مقابل هم صف آرایی می‌کنند صدایی از آسمان شنیده می‌شود که آگاه باشید! اولیاء الهی یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند نشانه آن کف (دست) است که در آسمان آشکار می‌شود و مردم همه به آن می‌نگرند.^(۲)

«حدیث ۲۲»

بیعت با مهدی علیه السلام
از عبدالله بن عمر نقل شده است: مردم با هم مناسک حج و عرفات را بدون پیشوا و امام انجام می‌دهند زمانی که برای انجام اعمال منی به آنجا می‌روند چیزی (بیماری و یا گزشتی) چون سگ آنها را فرا می‌گیرد و قبایل هم به جان یکدیگر می‌افتند تا اینکه خون از

«عقبه» سرازیر می شود. آنها (با دیدن این وضعیت) دست به دامن بهترین خود می شوند و به پیشگاه او می روند در حالی که او صورتش را به سمت کعبه گردانیده است و می گرید. (راوی می گوید) گویا هم اکنون به اشک هایش می نگرم که از او جاری است.

مردم به او می گویند: بیا و حکومت را به عهده بگیر! او پاسخ می دهد: وای بر شما چه پیمان ها و قرارهایی که نشکستید و چه خون های (به ناحق را) که نریختید. (ولی) سرانجام با آن که ناخشنود است بیعت آنها را می پذیرد.

اگر در زمان او می زیستید با او بیعت کنید که او همان حضرت مهدی علیه السلام در آسمان و زمین است. در حدیثی دیگر آمده است: مهدی که از فرزندان فاطمه علیها السلام است از روی ناخشنودی قیام می کند و مردم هم با او بیعت می کنند. ^(۱)

«حدیث ۲۳»

حضرت مهدی علیه السلام نه خوابیده را بیدار می کند و نه خونی را می ریزد: از ابو هریره نقل شده: بین رکن و مقام با مهدی علیه السلام بیعت می کنند و نه خوابیده را بیدار می کند و نه خونی را می ریزد. ^(۲)

«حدیث ۲۴»

مهدی به همراه پرچم رسول خدا ﷺ ظهور می‌کند:

ابی رومان از علی علیه السلام نقل نموده است: هنگامی که پرچم‌های سیاه - که شعیب بن صالح همراه با آن است - سواره نظام سپاه سفیانی را به لرزه در می‌آورد مردم آرزوی (ظهور) مهدی علیه السلام را می‌کنند و به دنبال او می‌گردند تا اینکه از خانه‌ای در مکه قیامش را آغاز می‌کند در حالی که پرچم رسول خدا ﷺ با اوست. بعد مردم به امامت او دو رکعت نماز می‌خوانند با آن که مردم از وجود او در اثر طولانی شدن بلاها ناامید شده بودند. بعد از نماز به سوی آنها بر می‌گردد و می‌گوید ای مردم...! بلا در میان امت پیامبر صلی الله علیه و آله و به ویژه خاندان او (بوده) و هست و دشمنان همیشه بر ما جفا و ظلم کردند. (۱)

«حدیث ۲۵»

ارتش امام زمان علیه السلام ۱۲۰۰۰ نفر یا ۱۵۰۰۰:

ابن رزین الغافقی از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند: حضرت مهدی علیه السلام حداقل با دوازده هزار نفر قیام خود را شروع می‌کند (و البته

یاوران او خیلی زیاد خواهند بود) آنگاه ترس و هراس در دل مخالفان می‌افتد، تمام دشمنانی را که با آنها درگیر می‌شوند به اذن خداوند شکست می‌دهند، شعارشان «امت، امت» است، در راه خداوند از سرزنش ملامت‌گران باکی ندارند، در چنین موقعیتی هفت پرچم (و دشمن مخالف) علیه او سر به شورش می‌گذارند که همه آنها را در هم می‌شکند و بر اوضاع مسلط می‌شود. محبت و نعمت را به مردم باز می‌گرداند (و حق را به حق‌دار می‌دهد) به حضرت عرض کردیم: قاصه و روات چیستند؟ پاسخ داد: چنان قصاص (و سایر حدود) را اجرا می‌کند که هر کس هر چه بخواهد بدون آن که چیزی را فراموش کند بیان می‌کند (و می‌داند که می‌تواند احقاق حقوق کند).^(۱)

«حدیث ۲۶»

با (عدالت مهدوی) عدل حضرت مهدی علیه السلام به آنجا می‌رسد که اگر چیزی (به ناحق) در زیر دندان آسیاب کسی باشد آن را از جای خود بیرون می‌کشد و به صاحبش برمی‌گرداند.^(۲)

«حدیث ۲۷»

پرچم برافراشته رسول خدا ﷺ

از عبدالله بن شریک نقل شده است: پرچم برافراشته شده رسول خدا ﷺ همراه مهدی علیه السلام است؛ ای کاش در عصر او بودم (در حالی که جوانم و پا به سن نگذاشته‌ام) او را می‌توانستم ببینم. (۱)

«حدیث ۲۸»

رضایت زمینیان

سعید از پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند: زمینیان و آسمانیان، همه از او راضی و خشنود می‌شوند، در آسمان قطره‌ای نمی‌ماند که نباریده و در زمین گیاه و سبزه‌ای نمی‌ماند که سبز نشده باشد. نعمت‌ها آن قدر زیاد می‌شوند که حتی زندگان آرزوی زندگی مجدد مردگان را دارند. (۲)

«حدیث ۲۹»

گنج‌ها را استخراج و ثروت‌ها را تقسیم می‌کند و...

قتاده از نبی مکرم ﷺ نقل کرده: او گنج‌ها را استخراج و ثروت‌ها را تقسیم می‌کند و در زمان او اسلام به اوج رشد خود خواهد

رسید. (۱)

«حدیث ۳۰»

ثروت‌ها را منتشر می‌سازد:

ابونصرت از ابوسعید از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: اموال و ثروت‌ها را بی‌شمار پراکنده و پخش می‌کند و زمین را از عدالت آکنده می‌سازد همان‌گونه که ستم در آن رواج یافته بود. (۲)

«حدیث ۳۱»

احتیاج مردم به ملکه همچون زنبور عسل؛

ابوسعید از پیامبر ﷺ نقل کرده: مسلمانان عصر او همان‌گونه که زنبور عسل برگرد ملکه خود اجتماع می‌کنند (و به او احتیاج دارند) برگرد او جمع می‌شوند و دست بر دامن او می‌زنند. زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌گونه که ستم و ظلم در همه جا رخنه کرده بود و مردم همان‌گونه که در ابتدای کار زندگی می‌کرده‌اند به زندگی خود ادامه می‌دهند در حالی که نه خوابیده‌ای را از خواب بیدار می‌کند و نه قطره خونی را به ناحق بر زمین می‌ریزد. (۳)

۲ - همان، صفحه ۷۶.

۱ - همان، صفحه ۷۶.

۳ - همان، صفحه ۷۷.

«حدیث ۳۲»

وضعیت کودکان و بزرگسالان در زمان مهدی علیه السلام

عباس می‌گوید: در عصر مهدی علیه السلام کودک و خردسال آرزو دارد که بزرگسال باشد و بزرگسال آرزو دارد که به خردسالی و کودکی بازگردد (تا زمان بیشتری در آن دوران باشد).^(۱)

«حدیث ۳۳»

نعمتی بی‌همتا

ابوسعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: امتم در عصر مهدی علیه السلام از چنان نعمتی برخوردار می‌گردد که هرگز این چنین متنعم نبوده‌اند. آسمان باران خود را فراوان و سیل آسا به روی زمینیان می‌فرستد و زمین در درون خود چیزی را نرویانده نمی‌گذارد و مال و ثروت، بسیار بی‌ارزش خواهد شد و در آن زمان هر فردی بلند شود بگوید: یا صاحب الزمان! به من چیزی بده! او هم فوراً می‌فرماید: بگیر.^(۲)

«حدیث ۳۴»

کار حضرت مهدی علیه السلام در یک شب اصلاح می شود:
محمد بن حنیفه از علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت می کند که: خداوند کار حضرت مهدی علیه السلام را در یک شب
درست می کند. (۱)

«حدیث ۳۵»

گنج و ثروت کعبه، از آن جوانی است قریشی:
طاووس می گوید: عمر بن خطاب از خانه کعبه به شگفت آمده بود
در آن حال گفت به خدا قسم نمی دانم این گنجینه های سلاح و مال
درون کعبه را همین گونه که هست بگذارم و یا آنها را در راه خدا تقسیم
کنم؟ علی بن ابی طالب علیه السلام به او گفتند: از این کار بگذر تو که مالک و
صاحب کعبه نیستی. صاحب آن جوانی است قریشی که در
آخرالزمان این گنجینه ها را بین مردم تقسیم می کند. (۲)

«حدیث ۳۶»

در زمین فرورفتگان:

قتاده از رسول خدا ﷺ روایت کرد: از شام لشکری به سمت مکه فرستاده می‌شود و به صحرا می‌رسند در این زمان زمین آنها را فرو می‌بلعد (در حدیث دیگری): این از علائم قیام و ظهور مهدی علیه السلام است. (۱)

«حدیث ۳۷»

حضرت مهدی علیه السلام و نماز جماعت:

از عبدالله بن عمر نقل شده: مهدی علیه السلام همان است که عیسی بن مریم در پیشگاه او فرود می‌آید و در پشت سرش نماز می‌خواند. (۲)

«حدیث ۳۸»

علامت ظهور حضرت مهدی علیه السلام

عبدالله بن عمر می‌گوید: زمانی که سپاه در سرزمین بیداء در زمین

فرو رود این حادثه جزء ملامت‌های ظهور به شمار می‌رود. (۱)

«حدیث ۳۹»

جابر از حضرت امام باقر علیه السلام نقل نموده است که پرچم‌های سیاهی که از خراسان قیام را آغاز می‌کنند وارد کوفه می‌شوند. زمانی که حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظهور می‌نماید گروهی را مأمور می‌کند تا با رفتن به مکه با او بیعت کنند. (۲)

«حدیث ۴»

هاتف غیبی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ابی رومان از حضرت علی علیه السلام نقل نموده است: زمانی که منادی آسمان ندا می‌دهد: حق (و حقیقت) در خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است نام مهدی بر سرزبان‌های مردم خواهد افتاد و آن قدر خوشحال و مسرور می‌شوند که کسی غیر از او را یاد نمی‌کنند. (۳)

فصل سوم

بدعتها و خرافات موجود در آخرالزمان

از کتاب

«وارونه‌ها و خرافات در آخرالزمان»

نویسنده: ابوالفضل سبزی

مبارزه با بدعت‌ها یکی از وظایف منتظران

با توجه به روایاتی که خواندیم به خوبی متوجه می‌شویم که آنچه خدا و انبیاء و اولیاء خدا از ما خواسته‌اند حرکت در صراط مستقیم دین است و صراط مستقیم را نیز کاملاً به ما معرفی نموده‌اند. حرکت در صراط مستقیم باعث پیشروی ما به سوی کمالات اخلاقی و انسانی شده و این کار به رشد دین مقدس اسلام در سراسر جهان کمک بزرگی می‌نماید.

زیرا اکنون ما در زمانی به سر می‌بریم که به هر حال عقل‌ها تا حدودی رشد کرده و مردم دنیا اهل فکر و دانایی هستند و علاوه بر آن فطرتاً حقایق عقلی و منطقی را می‌پذیرند. به همین جهت حرکت ما مسلمانان در صراط مستقیم دین، حرکت به سوی نور علم و عقل و دانش است و این حرکت باعث جهانی شدن دین مقدس اسلام خواهد شد و لذا حرکت در صراط مستقیم گام اصلی برای زمینه‌سازی ظهور مصلح کل جهان حضرت صاحب الزمان (ارواح‌نفاذ) خواهد بود.

و از طرف دیگر هر چه ما از صراط مستقیم دین جدا شده یا راههای انحرافی را در کنار آن ترویج دهیم باعث بد جلوه دادن چهره پاک دین خود می‌شویم و در حقیقت جهانی شدن دین خود را به وسیله ظهور امام زمان علیه السلام به تأخیر می‌اندازیم.

به همین جهت ما اگر بخواهیم یار امام زمانمان باشیم باید با خرافات و بدعت‌ها مبارزه کنیم، باید این راههای انحرافی و مسیرهای گمراه کننده که دشمنان دین در کنار صراط مستقیم ایجاد کرده‌اند را از بین ببریم و یا اگر نمی‌توانیم دست کم به مردم بگوییم که این راه اشتباه است،^(۱) اگر می‌خواهیم یار امام زمانمان باشیم این راه یاری آن حضرت است.

بنابراین وظیفه منتظران واقعی امام زمان (عجل الله فرجه) این است که در مقابل بدعت‌ها و خرافات سکوت نکنند و با دلائل عقلی و استدلالات علمی و دینی مردم را نسبت به حقایق آگاه نمایند. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرموده‌اند: «إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلِيُظْهِرِ الْعَالَمَ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».^(۲)

هر گاه در میان ائمت‌م بدعت‌ها پدید آمد، بر عالمان واجب است که

۱ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْأُمْرَ لَا تَسْتَطِيعُونَ تَغْيِيرَهُ فَاصْبِرُوا حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَغْيِرُهُ». نهج الفصاحة صفحه ۴۰ حدیث ۲۰۸.

۲ - اصول کافی جلد ۱ صفحه ۵۴؛ وسائل الشیعه جلد ۱۶ صفحه ۲۶۹، بحار الانوار جلد ۱۰۵ صفحه ۱۶۸ و دعائم الاسلام جلد ۱ صفحه ۲.

علم خویش را آشکار کنند و اگر چنین نکنند پس لعنت خدا بر آنان باد. و فرمودند: «مَنْ أَدَّى إِلَى أُمَّتِي حَدِيثًا يُقَامُ بِهِ سُنَّةٌ أَوْ يُثَلَّمُ بِهِ بَدْعَةٌ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^(۱) کسی که برای امت من حدیثی بخواند که با آن سنت من احیا شود و بدعت از بین رود، بهشت برای او واجب است و حتی فرمودند: «وَمَنْ رَدَّ صَاحِبَ بَدْعَةٍ عَنِ بَدْعَتِهِ فَهُوَ سَبِيلٌ مِنْ سُبُلِ اللَّهِ»^(۲) یعنی هر کس بدعت‌گزاری را از انحرافش باز دارد، راهی از راههای رسیدن به خدا، به شمار می‌آید.^(۳)

حفظ خود از خطرات در آخرالزمان

اما مهم‌تر از دعوت دیگران به سوی صراط مستقیم، در زمان غیبت و در آخرالزمان این است که انسان باید سخت مراقب خود و خانواده‌اش باشد تا مبادا اسیر شیاطین گمراه‌کننده‌ای که اطراف ما را محاصره کرده‌اند گردد و به خاطر همین انحرافات و گمراه‌کنندگان است که حفظ دین در آخرالزمان را به نگه داشتن زغال داغ در کف دست تشبیه نموده‌اند. لذا تنها راه نجات از همه خطرات پناه بردن به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و جدا نشدن از آنهاست. در اینجا از میان صدها روایت به برخی از روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱ - بحارالانوار جلد ۲ صفحه ۱۱۴. ۲ - همان ج ۲ ص ۳۰۸.

۳ - وارونه‌ها و خرافات در آخرالزمان، صفحه ۲۵.

(۱) امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به کمیل می‌فرمودند: «یا کمیل لا تأخذ إلا عنا تكن منا». (۱)

ای کمیل ایده‌ای را از غیر ما خاندان عصمت و طهارت نپذیر تا از ما باشی.

(۲) همچنین به ما فرموده‌اند: «و لا تقولوا ما لا تقول» (۲) هر چه را که ما نگفته‌ایم شما هم نگوئید (تا در صراط مستقیم باقی بمانید).

(۳) امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «کذب من زعم انه من شيعتنا و هو متمسک بعروة غیرنا» (۳) دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند از شیعیان ماست در حالی که به غیر ما تکیه کرده است.

(۴) حضرت علی علیه السلام در توصیف یک مؤمن واقعی فرموده‌اند:

«إن المؤمن من قال بقولنا فمن تخلف عنه قصر عنا و من قصر عنا لم يلحق بنا و من لم يكن معنا ففي الدرك الاسفل من النار». (۴)

به درستی که مؤمن واقعی کسی است که طبق گفته ما سخن بگوید و کسی که از این سفارش تخلف نموده باشد از ما خاندان کم گذاشته و به ما بی‌حرمتی نموده است که چنین شخصی به ما نخواهد پیوست و آنکه با ما نباشد جایگاه او در طبقات زیرین جهنم است.

(۵) امام رضا علیه السلام نیز فرمودند:

۱ - تحف العقول صفحه ۱۷۱. ۲ - بحارالانوار جلد ۲۵ صفحه ۲۶۹.

۳ - وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۸۴. ۴ - تحف العقول صفحه ۱۷۳.

«إذا أخذ الناس يمينا و شمالا فالزم طريقتنا فان من لزمنا لزمناه و من فارقتنا فارقتناه»^(۱)

زمانی که دیدی مردم به چپ و راست گرایش پیدا می‌کنند، (به هر بادی می‌چرخند و به هر سازی می‌گردند) تو اینگونه نباش، بلکه در صراط مستقیم ما باقی بمان، زیرا کسی که به ما پیوندد ما نیز به او می‌پیوندیم و کسی که از ما جدا شود ما هم از او جدا می‌شویم.

روایات در این زمینه فراوان است و ما به همین چند روایت بسنده می‌کنیم، همین روایات به خوبی راه حفظ ایمان و اعتقادات را در آخرالزمان به ما نشان داده و در یک کلام ائمه اطهار علیهم السلام را به عنوان کشتی نجات در طوفان شدید زمان غیبت معرفی می‌نماید.

و این حقیقتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکرر به آن تصریح نموده و فرموده‌اند:

«مثل اهل بیتی کسفینه نوح من ركبها نجى و من تركها غرق»^(۲) یعنی مثل اهل بیت من همچون کشتی نوح است، هر کس سوار آن شود نجات می‌یابد و هر کس سوار نشود هلاک شود.^(۳)

۱ - بشارة المصطفى صفحه ۲۲۱.

۲ - ينابيع المودة جلد ۱ صفحه ۶۲ (طبع قدیم).

۳ - همان، صفحه ۲۶.

وارونه‌ها در آخرالزمان

با مطالعه کتب دینی و روایی به خوبی در می‌یابیم که بخشی از روایات و احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام پیرامون اخبار و مردم آخرالزمان است که به صورت پیشگویی از آن گنجینه‌ها و معادن علم و دانش صادر گردیده است و اکنون بیشتر این پیشگویی‌ها به وقوع پیوسته و این یکی از جنبه‌های اعجاز کلام آن بزرگواران است. این احادیث بیشتر با عنوان اخبار آخرالزمان یا نشانه‌های ظهور مطرح شده‌اند^(۱) که یک بخش از این اخبار و نشانه‌ها مربوط به اعمال مردم در زمان غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد و آنچه که به موضوع این کتاب مربوط می‌شود همین بخش از اخبار آخرالزمان است که در اینجا ما برخی از آن احادیث را نقل می‌کنیم و امید آن داریم که ما مردم عصر حاضر که زمان خود را، دوره پیشرفت علم و دانش و عصر ارتباطات می‌دانیم و ادعای رشد فرهنگی جوامع بشری را نسبت به زمانهای گذشته داریم، از این اخبار درس گرفته و مخصوصاً ما شیعیان و مسلمانان جهان توجه داشته باشیم که مبادا در طوفانهای شدید آخرالزمان از کشتی نجات بخش حضرت محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و چراغ هدایت قرآن خویش غفلت نموده و باگمراهان و غرق شدگان،

۱ - پیرامون نشانه‌های ظهور در کتاب ارشاد شیخ مفید بیش از پنجاه نشانه و در بحارالانوار علامه مجلسی تعداد بیشتری از این پیشگوئیه‌ها نقل شده است. ارشاد شیخ مفید جلد ۲ صفحه ۳۶۸ و بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۸۰.

در شهوات نفسانی و تاریکی‌های حیوانی فرو رویم، در حالی که به این حقیقت به خوبی واقفیم که در طول تاریخ هیچ امتی در وادی ضلالت گام ننهاده مگر اینکه با یک فاجعه آسمانی و زمینی گرفتار طوفان غضب الهی شده و به دیار نیستی و هلاکت مبتلا گردیده است. (۱)

طوفان نوح

به راستی باید بدانیم که ما مردم آخرالزمانیم و نشانه‌های آخرالزمان یکی پس از دیگری واقع شده و یا در شرف وقوع است و فتنه‌های آخرالزمان چون طوفان نوح نزدیک است و خیلی‌ها بی‌خبر! باید بیدار شد، باید تکانی خورد، هر کس غفلت کند درمانده است.

باید از خواب کهن بیدار شد از شب و تاریکی‌اش بیزار شد

دست نوح به سوی ما بلند است، مبادا دست یاری خدا را عقب
زنیم!

اینجا با کسی تعارف ندارند، پس نوح هم که باشی اگر نخواهی تو را نخواهند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه نجات ما در آخرالزمان را به ما نشان داده و فرموده است: مثل اهل بیت من همچون کشتی نوح است، هر کس سوار آن شود نجات می‌یابد و هر کس سوار نشود غرق

می‌شود.^(۱) باید سوار شد، اگر به نگاه مهربان امام زمان ارواحنفاذیه بی‌توجه باشی، دریا تو را می‌بلعد، طوفان است با کسی شوخی ندارد، یک لحظه غفلت از کشتی نجات، دیوانگی است. اگر دست به سوی جانان بلند کنیم نجات یافته‌ایم و اگر نه بین ما و امام زمانمان موج حائل می‌گردد همان طور که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَ خَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ﴾.^(۲)

باید حجاب‌ها بشویی و با چشم دل به آفتاب جمال جانان نظر کنی تا از این تاریکی‌های شب غیبت در امان باشی.

«حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم

خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم»

اینجا بیابان آشوب‌زده بی‌باران است و کاروان در حرکت و چه بسا یک چشم خوابیدن تو را از کاروان جدا سازد.

«کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

وه که بس بی‌خبر از غلغل چندین جرسی

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن

حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی»

به خیلی چیزها دل بسته‌ایم. فکر می‌کنیم آنچه داریم می‌تواند

۱ - ینابیع المودة جلد ۱ صفحه ۶۲. ۲ - سوره هود آیه ۴۳.

برای ما مایه امید و نجات باشد درست مثل پسر نوح که در جواب پدرش گفت: «من به سرعت به بالای کوهی پناه می‌برم تا از آن غرق شدن در امان باشم.»^(۱) و او نفهمید که در این طوفان جز نوح دیگر پناهی نیست.

به راستی در این خطرات و فتنه‌های آخرالزمان به جز آغوش مهربان امام زمان ارواحنافداه به که می‌توان پناه برد؟ آیا به جز اهل بیت علیهم‌السلام پناهگاهی هست؟

مگر امام زمان (ارواحنافداه) کشف حصین و غیاث مضطر مستکین نیست؟ مگر به ما نیاموخته‌اند که هر گاه کارها بر شما دشوار شد بشارت باد شما را به مهدی صاحب‌الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها ظهور خواهد کرد.^(۲) مگر نفرموده‌اند: هر گاه فتنه‌ها و آشوب‌ها فراوان شد و ناراحتی شما را در بر گرفت بگویید:

«یا ابا صالح المهدی ادرکنی، یا صاحب الزمان اغثنی...»^(۳)

آیا هیچ می‌دانیم وقتی در دعای فرج چندین مرتبه می‌گوئیم «یا مولانا یا صاحب الزمان! الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی

۱ - ﴿قَالَ سَأُوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ﴾؛
سوره هود آیه ۴۳.

۲ - بحارالانوار جلد ۵۱ صفحه ۷۴، منابع المودة جلد ۳ صفحه ۱۳۵.

۳ - ندای صاحب الزمان صفحه ۱۳۷.

العجل العجل العجل» یعنی چه؟ کسی می‌گوید «الغوث» که در دریا افتاده باشد و در حال غرق شدن باشد و لذا فوراً می‌گوید ادرکنی مرا دریاب به فریادم برس، و می‌گوید العجل، یعنی عجله کن که دارم غرق می‌شوم... آیا با این حال می‌شود از کشتی نجات خویش غفلت کرد؟ آیا ما هیچ احساس خطر می‌کنیم؟ خطرانی که هم روح و هم بدن ما را تهدید می‌کند؟ خطر انحرافات فکری و عقیدتی، خطر دوری از معارف و حکمت‌های الهی، خطر گمراهی، خطر بیماری، خطر پریشانی‌ها و افسردگی‌های روحی و روانی، خطر فساد اخلاقی و... آیا این طوفان نیست؟^(۱)

زلزله‌های روحی

اگر فرموده‌اند در آخرالزمان زلزله زیاد می‌شود این دو معنی دارد، یکی معنای ظاهری آن است که هم اکنون می‌بینیم در دنیا زلزله خیلی زیاد شده است و معنای دیگر آن زلزله‌های معنوی است، دنیا مملو از این زلزله‌هاست، زلزله‌های اعتقادی که با افکار و عقاید مردم بازی می‌کند، زلزله‌های فساد اخلاقی که مردم را به سوی شهوترانی و گمراهی فرا می‌خواند، زلزله‌های سیاسی که باعث آشوب در دنیا می‌گردد، زلزله فقر، زلزله فساد، زلزله اعتیاد و... و انصافاً این زلزله‌ها مردم را عوض کرده است، آنها را حسابی تکان داده به طوری که حتی

در بین مسلمانان و شیعیان نیز نفوذ کرده و آنها را نیز به سوی مرگ روحی فرا می‌خواند.

در زلزله‌های طبیعی، مرگِ بدن است و آزادی روح ولی در زلزله‌های معنوی و فکری، آزادی بدن است و اسارت روح!

در زلزله‌های طبیعی، مرگِ بدن است و آوار خاک ولی در زلزله‌های معنوی، مرگ روح است و آوار گناه و تباهی. اگر در زمان فرعون و نمرود دستور دادند که بچه‌های پسر را بکشند تا مبادا ابراهیم خلیل یا موسی بن عمران بزرگ شوند و قصر آنها را زیر و رو کنند، اما اکنون طاغوت‌ها، هم فرزندان پسر را می‌کشند و هم فرزندان دختر را، ﴿يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾^(۱) اگر در زمان جاهلیت بدن کودکان خود را زنده در گور می‌کردند، اکنون مردم آنچنان از حقیقت غافل شده‌اند که روح فرزندان خود را زنده به گور می‌کنند و زنده به گور کردن ارواح، همین فساد و فحشا و بی‌بند و باری است.^(۲)

آخرالزمان رسیده!

باید باور کرد که آخرالزمان رسیده! فصل فریادهای بی‌صدا، نمازهای پرازریا، بازارهای آکنده از ریا و بت‌پرستی زرو سیم و طلا، فصل خدایی کدخدایان و گدایی بینوایان، فصل آشفتگی و پژمردگی،

فصل سرد افسردگی و زندگی‌های سر تا پا مردگی...

آخرالزمان رسیده! هر که به فکر خویش به پیش می‌رود و هیچ
خویشی در این شهر فراموشی مرهم دل ریش نمی‌گردد...
آخرالزمان رسیده!

پسر پدر نمی‌شناسد و سراغ از مادر نمی‌گیرد، و به خیال خود پدر
شده لیک جایگاه پدر و مادر نمی‌داند و همچون درختی بی‌ثمر است.
آری! آخرالزمان رسیده! بازی‌ها جدی گرفته شده و جدی‌ها بازی!
علم و دانش پیشرفت کرده اما ادب و اخلاق پس رفت!

مسائل دنیایی، اصل شده و مسائل معنوی و آخرتی در حاشیه
قرار گرفته است، صنعت رشد کرده ولی عاطفه و محبت تنزل یافته،
شعار زیاد، عمل کم، مساجد زیاد، نمازخوان کم، کمیت زیاد، کیفیت
کم، وسایل آسایش بیشتر، اما آرامش کمتر و خانه‌های زیبا ولی پایه‌ها
سست گردیده است، به فکر فتح کره ماه هستیم اما به قلب و روح
خود بی‌توجه، در آسمان پرواز می‌کنیم اما دل‌های ما سخت به زمین
چسبیده است. اخبار دنیا را می‌دانیم اما از فضای خانه خود
بی‌خبریم. به فکر غذای بدن فرزندان خود هستیم اما به فکر غذای
روح آنها نیستیم...

باید باور کرد که آخرالزمان رسیده و ما در این زلزله‌های شدید

معنوی و طوفانهای تکان دهنده دو راه پیش رو داریم؛ یا دست در دست جانان به کشتی نوح در آییم و راه پرواز گشاییم و یا از نادانی و ابله‌ی خود را به سوی نابودی و هلاکت رها نماییم و کدام عاقل است که سلامت را به هلاکت و سعادت را به شقاوت بفروشد و چسبیدن به زمین پست را به پرواز در آسمان رفیع ترجیح دهد؟! پس ای واسطه بین زمین و آسمان و ای سبب متصل بین ارض و سما، در این دورانی که نگه داشتن دین به نگهداری زغال داغ در کف دست تشبیه شده^(۱) ما به تو پناه می‌بریم که تو را خدای عزیز، نگهدارنده ما از خطرات و نجات دهنده ما از هلاکات قرار داده است.^(۲)

در شراب شفا نیست

لازم به ذکر است برخی از مردم به اشتباه گمان می‌کنند که خوردن شراب به جهت دارو و درمانِ امراض جایز است در حالی که خدای تعالی هیچ‌گاه چیز حرام را دواي دردها قرار نداده است و بلکه این کار صحیح نیست و روایات زیادی در مذمت شراب و شرابخوار نقل شده است و در کم و زیاد آن نیز تفاوتی نیست.

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۶۶ و ینابیع المودة جلد ۳ صفحه ۱۶۴.

۲ - همان، صفحه ۲۷۸. وَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِضْمَةً وَ مَلَأْدًا (فرازی از دعای ندبه)، مصباح الزائر صفحه ۴۵۲ و مفاتیح الجنان صفحه ۱۰۴۵.

همچنین در این زمینه امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عمر بن اذینه که پرسیده بود؛ آیا می‌توان از شراب به عنوان دارو استفاده نمود؟ فرمودند: «این کار جایز نیست، زیرا خدای تعالی در چیز حرام دوا یا شفایی قرار نداده است.»^(۱)

لذا این صحیح نیست که برخی می‌گویند، دکتر به من گفته باید شراب بخورم، زیرا شراب سرآغاز هر گناه و کلید هر شرّی است^(۲) و طبق فرموده حضرت محمد صلی الله علیه و آله خدای تعالی، آن کس که انگور برای شراب بکارد و باغبان آن را و فروشنده انگور و شراب‌ساز، شراب فروش، شراب‌خور، و کسی که از پول فروش شراب بخورد و حتی باربر و حمّال انگور و ساقی شراب را لعنت نموده است.^(۳) و نیز فرمودند: شراب مجموعه بدیهاست^(۴) و شراب‌خوار هرگز به بهشت نمی‌رود.^(۵) (و در شراب هرگز شفا نیست.)

شاید سؤال شود پس چرا از تریاک که حرام است به عنوان دارو استفاده می‌شود، پاسخ این سؤال این است که اصل تریاک جنبه دارویی و درمان گیاهی دارد و در صورتی که از جایگاهش خارج شود

۱ - قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِنْ مَا حَرَّمَ دَوَاءً وَلَا شِفَاءً»،

وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۲۷۳. ۲ - مسند احمد حنبل جلد ۲ صفحه ۴۱۸.

۳ - نهج الفصاحه صفحه ۴۷۳ حدیث ۲۲۲۹.

۴ - قال النبی صلی الله علیه و آله: «الخمير جماع الآثام» نهج الصاحه صفحه ۳۲۳ حدیث ۱۵۴۶.

۵ - همان صفحه ۴۹ حدیث ۲۵۴.

و باعث اعتیاد و بدبختی انسان شود حرام می‌باشد و اتفاقاً یکی از وارونه‌های آخرالزمان همین است که مردم آنقدر بی‌ظرفیت و بی‌اراده می‌شوند که فوراً به هر چیزی عادت می‌کنند و دیگر به عواقب کار نمی‌اندیشند به طوری که امروزه اعتیاد به مواد مخدر و سیگار یکی از گرفتاری‌های بزرگ جوامع بشری شده است، در حالی که مراجع تقلید به اتفاق اعتیاد به تریاک و سایر مواد مخدر را حرام می‌دانند و اکثر مراجع عظام کشیدن سیگار و اعتیاد به آن را نیز حرام می‌دانند.^(۱)

فرقه‌گرایی

(۱) «ستفترقُ اُمّتی بعدی ثلاث و سبعین فرقه، فرقه ناجیه و الباقی فی النار»^(۲) بعد از من اُمّت گروه‌گروه می‌شوند، فقط یک گروه از آنها اهل نجات هستند و بقیه اهل دوزخ و گرفتار آتش خواهند شد.

این پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از رحلت جانسوز آن حضرت به وقوع پیوست و تا زمان ما ادامه یافت و اکنون تنها شیعیانی که در صراط مستقیم اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم باقی بمانند اهل نجات و سعادت خواهند بود.^(۳)

۱ - همان، صفحه ۳۴۵.

۲ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۵۸ و القطره ج ۱ ص ۳۷۴.

۳ - همان، صفحه ۳۴۶.

رواج موسیقی و غنا

(۲) «وَ يَسْتَحِلُّ الْفِتْيَانَ الْمَغَانِي وَ شُرْبَ الْخَمْرِ»^(۱) در آن زمان جوانان غنا و نوشیدن شراب را حلال می‌شمردند. و در جای دیگر ابن عباس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمودند: در آن زمان مردم نرد و شطرنج یا طبل و بربط و تار و طنبور و آلات موسیقی را نیکو می‌شمارند و امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند می‌دانند و انکار می‌کنند... آنها در ملکوت آسمانها افراد پلید نجس خوانده می‌شوند!^(۲) این در حالی است که آن حضرت فرموده‌اند: «همانا خداوند تعالی مرا برای هدایت و به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث کرد و به من فرمان داد نی‌ها، طنبورها، سازها و سایر آلات موسیقی و تارها و بتها و امور مربوط به جاهلیت را از بین ببرم.»^(۳) و غنا و موسیقی را از جانب شیطان دانسته و فرموده‌اند: «اولین کسی که مرتکب غنا شد ابلیس بود.»^(۴)

متأسفانه یکی از وارونه‌های آخرالزمان همین رواج موسیقی است که امروزه حتی برخی از مردم آن را غذای روح می‌دانند در حالی که موسیقی مطرب و غنا که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد، نه تنها غذای روح نمی‌باشد بلکه یکی از سمومات و گُشنده‌های روح به

۱ - الزام الناصب صفحه ۱۹۵. ۲ - بحار الانوار جلد ۶ صفحه ۳۰۶.

۳ - مستدرک الوسائل جلد ۱۳ صفحه ۲۱۹.

۴ - وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۲۳۱ و کافی جلد ۶ صفحه ۴۳۱.

شمار می‌آید و طبق تصریح قرآن و روایات حرام می‌باشد که البته امروزه دانشمندان و روانشناسان جهان نیز به ضررهای موسیقی پی برده‌اند و گفته‌اند: «موسیقی احساسات بشر را در مسیر غیر طبیعی و غیر عادی توسعه می‌دهد و انسان را در یک عالم ناخودآگاهی کامل فرو می‌برد و قوه خیال‌بافی غیر واقعی را در انسان زیاد می‌کند، موسیقی سبب لذت نمی‌شود بلکه تنها قوه خیال را تحریک می‌کند و انسان از آن خیالهای خود لذت می‌برد...»^(۱) همچنین پزشکان و دانشمندان جهان ضررهای فراوانی را برای موسیقی برشمرده‌اند که آن‌ها عبارتند از: (۱) ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک که بی‌نظمی در این دو اعصاب ناراحتی‌های مختلفی همچون اضطراب، عصبانیت، سستی، نفخ معده، تحریکات قلبی، سرگیجه و امثال آن را در پی دارد. (۲) مرض مانی (Manie) که نوعی جنون است. (۳) مرض سیکلوتیمی (Cyclothymie) که نوعی بیماری روانی و اضطراب روحی است. (۴) کوتاهی عمر (۵) ضعف اعصاب (۶) مرض پارانویا (Paranoia) که نوعی بیماری روانی است. (۷) اختلالات دماغی و مغزی (۸) فشار خون (۹) تأثیرات قلبی (۱۰) واسطه انتحار و خودکشی (۱۱) عامل فحشا (۱۲) تضعیف و تضعیف حس شنوایی (۱۳) تضعیف و تضعیف حس بینایی (۱۴) هیجان

۱ - تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب صفحه ۱۳۳، مناظره دکتر و پیر صفحه ۴۵۲.

(۱۵) سلب اراده و شکست شخصیت (۱۶) سلب غیرت (۱۷) عامل جنایت (۱۸) جلب توجه غیر طبیعی (۱۹) از دست دادن نیروی فکری (۲۰) تزیین نیروی قضاوت (۲۱) افسردگی و خمودگی (۲۲) تهییج عشق (۲۳) زنجیر بردگی (۲۴) روش لغو (۲۵) اتلاف وقت^(۱).

مذکرایبی در آخرالزمان

(۳) «إِذَا دَرَجَ الدَّارِجُونَ وَقَلَّ الْمُؤْمِنُونَ وَذَهَبَ الْمُجَلِبُونَ»^(۲).

در آن زمان مُدپرستان به سوی مُدهاگرایش پیدا می‌کنند، و اهل ایمان کم گردند و هشداردهندگان از بین بروند. و باز فرمودند: «در آن زمان مردم چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می‌آورند که امت مرا رنگ رنگ (و مدگرا) و دگرگون می‌کند، پس وای بر ضعیفان امت من که به این مسائل گرایش پیدا کنند و وای بر آنان از عذاب خدا»^(۳) و اینک با کمال تأسف مسلمانانی که باید اهل تفکر و تعقل باشند نیز تحت تأثیر جو حاکم در دنیا شده و مُد و مُدپرستی در آنها نیز نفوذ کرده است. در حالی که یک انسان عاقل، در فضایی کاملاً آزاد و بدون توجه به آنچه در اجتماع می‌گذرد راه صحیح و انسانی را برای خود و

۱ - همان، صفحه ۳۴۷. نقل از مرحوم علامه جعفری رحمته الله، مبانی فقهی و روانی موسیقی

صفحه ۳۳. ۲ - یوم الخلاص جلد ۲ صفحه ۸۰۵.

۳ - بحار الانوار جلد ۶ صفحه ۳۰۷.

خانواده خود انتخاب می‌کند و هیچ‌گاه به خاطر اینکه اکثریت گمراه شده‌اند به آنها نمی‌پیوندد و هیچ‌گاه این شعر را نمی‌خواند که «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» بلکه ابراهیم‌وار با جماعت بت‌پرست، خودپرست و یا مُدپرست مقابله نموده و یکه و تنها به سوی مسیر حقیقت حرکت می‌نماید تا در آتشی که مردم بر اثر فتنه‌ها و کوتاه‌فکری‌ها روشن کرده‌اند سالم بماند و بلکه در میان این دنیای سوزان آخرالزمان زندگی‌اش مبدل به گلستان گردد.

(۴) «بَيْنَ ذَلِكَ تَبِجٌ أَعْوَجُ لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ»^(۱).

در آن میان اکثریت قاطع مردم از راه منحرف هستند، به همین جهت آنها از من نیستند و من هم از آنها نیستم. و در جای دیگر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَشَبَّهَ بِغَيْرِنَا»^(۲) کسی که خود را شبیه غیر ما کند از ما نیست. و این شبیه‌کردن و تقلید نمودن از غیر مسلمانان و کفار ممکن است در نوع لباس، در نامگذاری فرزندان و خیابان‌شهرها و شکل منزل و امثال آن باشد که در هر صورت اگر با فرهنگ اسلامی مغایر باشد جایز نیست و حتی در روایتی نقل شده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نامهای زشت و ناپسند را که برای انسانها و یا شهرها برگزیده بودند تغییر می‌دادند.^(۳)

۱ - غیبت شیخ طوسی صفحه ۱۱۴، ینابیع المودة جلد ۳ صفحه ۱۶۴، غایة المرام صفحه ۶۶۸.
۲ - نهج الفصاحة حدیث ۵۰۰۹.
۳ - همان، صفحه ۳۴۹. کان رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانِ.

صفات دیگر اهل آخرالزمان

(۵) «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبِثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسِنُ عَلاَنِيتَهُمْ طَمَعاً فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُ خَوْفٌ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ».^(۱)

زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون آنها پلید می‌شود ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می‌گردد، به آنچه در نزد خداست دل نمی‌بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، آنها همچون آدمی که در حال غرق شدن است خدا را می‌خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی‌کند (و البته اگر از اعمال خود حقیقتاً توبه کنند و با تمام وجود در خانه خدا دعا کنند، طبق وعده الهی دعای آنها مستجاب می‌شود).

(۶) «يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمسي كَافِرًا وَيُمسي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ أَحَدُكُمْ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٍ».^(۲)

«انسان در حال ایمان صبح می‌کند و در حال کفر روز را به شب می‌رساند و گاهی در شب با ایمان است و در روز بی‌ایمان و کافر و دین خود را به متاع اندکی از مال دنیا می‌فروشد!»

میزان الحکمه جلد ۱۰ صفحه ۱۱۲. ۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۹۰.

۲ - نهج الفصاحة صفحه ۵۱۰ حدیث ۲۴۱۹.

(۷) «إِذَا ضَارَّ النَّاسُ سَمَاعِينَ لِلْكَذِبِ، أَكَّالِينَ لِلشُّحِّ يَسْتَحِلُّونَ الرَّبَا وَ الْخَمْرَ وَ الْمَقَالَاتِ وَ الطَّرْبِ وَ الْمَغَازِفِ»^(۱).

هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند، ربا را جایز دانسته و شراب، قمار و لهو و لعب را هم حلال بدانند!

(۸) «إِذَا تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ»^(۲).

در آن زمان مردم برای کارهای ناشایست و گناه دور هم جمع شده و با یکدیگر همکاری می کنند اما در امور و مسائل دینی از هم فاصله گرفته و متفرق می شوند، همچنین برای دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند!

(۹) «وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذِئَابًا وَ سَلَاطِينُهُ سِبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكَّالًا وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا»^(۳).

اهل آن زمان همچون گرگ می باشند و پادشاهان و ثروتمندان آنها همچون درندگان وحشی، طبقه متوسط آنها خورنده و فقیران آنها همچون مردگان هستند.

(۱۰) «وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكِذْبُ وَ أَشْتَعِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ

۱ - بشارة الاسلام صفحه ۷۵ و الزام الناصب صفحه ۱۹۵.

۲ - يوم الخلاص جلد ۲ صفحه ۷۰۸.

۳ - نهج البلاغه صبحی صالح صفحه ۱۵۷ و منتخب الاثر صفحه ۴۳۷.

تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ ضَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعِفَافُ عَجَبًا وَ لَيْسَ الْإِسْلَامُ
لَيْسَ الْفَرُّ مَقْلُوبًا» (۱)

راستی و درستی کم می‌گردد، دروغ همه جا را فرا گیرد، دوستی‌ها
زیانی شده و مردم در دل با هم دشمنی می‌کنند، فسق و گناه مایه
مباهات شده، عفت و پاکدامنی در بین مردم عجیب می‌شود، اسلام
وارونه می‌گردد همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود.

(۱۱) «إِذَا انْتَهَكَتِ الْمَخَارِمُ وَ اكْتَسَبَتِ الْعَائِمُ وَ سُلِطَ الْأَشْرَارُ عَلَى
الْأَخْيَارِ وَ يَفْشُو الْكِذْبُ وَ يَتَبَاهُونَ بِاللِّبَاسِ» (۲)

هنگامی که حرمت‌ها شکسته شود، گناهان عملی شود، اشرار بر
خوبان مسلط شوند، دروغ رایج شود و مردم به لباس و ظواهر خود
افتخار کنند.

(۱۲) «إِذَا دَبَّ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ دَبِيبَ السَّمِ فِي الْأَبْدَانِ وَ ظَهَرَتِ
الْجَرَائِمُ وَ هُوَّتِ الْعَظَائِمُ» (۳)

هنگامی که تکبر و خودخواهی در دلها همچون سمی که در بدن
نفوذ می‌کند داخل شود، گناهان علنی شده و محرمات الهی سبک
شمرده شود.

(۱۳) «يَكْثُرُ فِيهِمُ الْمَالُ وَ يُعْظَمُ أَصْحَابُ الْمَالِ» (۴)

۱ - همان منابع پیشین.

۲ - الزام الناصب صفحه ۱۸۲.

۳ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۶۴.

۴ - همان، صفحه ۲۵۹.

ثروت در میان مردم زیاد شده و ثروتمندان مورد تعظیم و احترام واقع شوند.

(۱۴) «إِذَا كَثُرَ الطَّلَاقُ وَلَا يُقَامُ حَدٌّ»^(۱)

هنگامی که طلاق بسیار باشد و حدود الهی اقامه نشود.

(۱۵) «لَيَأْتِينَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَ يَضَعُ فِيهِ الْمُنْصِفُ»^(۲)

برای مردم زمانی پیش آید که فاجران مورد احترام قرار گیرند و ندیمان و دلکها مقرب شوند و افراد با انصاف کوچک شمرده شده و ضعیف واقع گردند.

(۱۶) «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ وَلَا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُضَعَّفُ إِلَّا الْمُنْصِفُ يُعَدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَ صِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشْوَرَةِ النِّسَاءِ وَ إِمَارَةَ الصِّبْيَانِ وَ تَذْيِيرَ الْخِصْيَانِ»^(۳)

برای مردم زمانی می‌رسد که جز فرد حيله‌گر و حقه‌باز احترام نشود، جز آدم فاجر و گنه‌کار تجلیل نگردد و به جز آدم منصف و حقیقت‌گو خوار نشود. در آن زمان مردم صدقه را برای خود نوعی

۱ - نور الأبصار صفحه ۱۷۲، الزام النصاب صفحه ۱۸۲ و المهدي صفحه ۱۹۹.

۲ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۶۵.

۳ - همان و نهج البلاغه صفحه ۴۶۰ حکمت ۱۰۲ و غیبت نعمانی صفحه ۱۴۸.

خسارت و نقصان مالی می‌پندارند و صلهٔ ارحام را با منت انجام می‌دهند، و عبادت را برای خودنمایی و فخرفروشی بر مردم انجام می‌دهند. در آن زمان با مشورت زنان و امارت کودکان و تدبیر خواجه‌گان (نامردان) بر مردم حکومت می‌شود.

(۱۷) «وَتَعَامَلُوا بِالرِّبَا وَ تَظَاهَرُوا بِالزِّنَىٰ... وَ اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ وَ اتَّبَعُوا الْهَوَىٰ»^(۱)

مردم با ربا معامله کنند و زنا زیاد شود و مردم به آن تظاهر کنند، دروغ را جایز شمرده و از هوای نفس پیروی کنند.

(۱۸) «وَمَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ»^(۲) و کسی که اموال یتیمان را بخورد به عنوان انسان شایسته، مورد مدح و ستایش قرار می‌گیرد.

(۱۹) «قُبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ رَدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَ ارْتَكَبَ الزِّنَا وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ السِّنِّيهِمْ»^(۳)

و در آخرالزمان شهادت دروغ قبول می‌شود ولی شهادت انسان عادل پذیرفته نمی‌شود، مردم خون را سبک می‌شمردند (و لذا قتل زیاد می‌شود)، زنا رائج شده، رباخواری معمول می‌گردد و اشرار از

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۵۷ و المهدی صفحه ۱۹۹.

۲ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۶۰.

۳ - همان صفحه ۱۹۲، اعلام الوری صفحه ۴۳۱ و کشف الغمه جلد ۳ صفحه ۳۲۴.

ترس زبانشان مورد احترام واقع می شوند.

(۲۰) «وَرَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ»^(۱) و می بینی که ثروتمندان و
أمرأ مواد غذایی را احتکار می کنند.

(۲۱) «وَالْفَقِيرُ بَيْنَهُمْ ذَلِيلٌ حَقِيرٌ وَالْمُؤْمِنُ ضَعِيفٌ صَغِيرٌ وَالْعَالِمُ عِنْدَهُمْ
وَضِعٌ وَالْفَاسِقُ عِنْدَهُمْ مُكْرَمٌ وَالظَّالِمُ عِنْدَهُمْ مُعَظَّمٌ وَالضَّعِيفُ عِنْدَهُمْ
هَالِكٌ وَالْقَوِيُّ عِنْدَهُمْ مَالِكٌ»^(۲)

آدم فقیر در بین مردم آخرالزمان خوار و زبون است، شخص با
ایمان ضعیف و کوچک و شخص عالم و دانشمند در چشم آنها بسیار
پست شمرده می شود، اما در مقابل شخص فاسق در نزد آنها محترم و
فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است، همچنین افراد ضعیف در
میان آنها پایمال و افراد قوی در نزد آنها صاحب اختیار و همه کاره
است.

(۲۲) «إِذَا ظَهَرَتْ بَيْعَةُ الصَّبِيِّ قَامَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ بِصِيصِيَتِهِ»^(۳)

زمانی که بیعت برای کودکان شده و حکومت بچه بازی شود همه
اسلحه به دست و مسلح می شوند.

(۲۳) «وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ ضَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ»^(۴) در آخرالزمان مؤمنین

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۵۶. ۲ - الزام الناصب صفحه ۱۹۵.

۳ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۴۴ و بشارة الاسلام صفحه ۸۷.

۴ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۵۶.

واقعی سکوت می‌کنند، زیرا هیچ کس حرف حق آنها را نمی‌پذیرد!
 (۲۴) «يَكُونُ هَمُّ النَّاسِ بَطُونُهُمْ وَ فُرُوجُهُمْ، فَلَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ لَا بِمَا نَكَحُّوا».^(۱) در آن زمان، هم و غم مردم شکم و مسائل جنسی آنها می‌شود (و دیگر به روح خود اهمیت نمی‌دهند) و برایشان مهم نیست که آنچه می‌خورند حلال است یا حرام و لذتهای جنسی آنها مشروع است یا نامشروع!

(۲۵) «وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ»^(۲) و می‌بینی که زندگی مردم از کم‌فروشی و تقلب تأمین می‌شود.

(۲۶) «يُنْفِقُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ وَ يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ».^(۳) مرد اموال خود را در راههای گناه و نامشروع خرج می‌کند در حالی که نه کسی مانع او می‌شود و نه کسی به او اعتراض می‌کند اما از خرج پولی کم و اندک در راه خدا بازداشته می‌شود.

(۲۷) «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَ ظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ وَ حُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ وَ شَرَفُ الْبُنْيَانِ وَ اخْتَلَفَ الْإِخْوَانُ»^(۴) حال شما چگونه می‌شود هنگامی که دین بازیچه شود، هوسها آشکار گردد، کعبه آتش بگیرد، ساختمانها مرتفع باشد و برادران دچار اختلاف شوند.

۱ - همان، ص ۲۶۰.
 ۲ - الزام الناصب صفحه ۱۸۳.
 ۳ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۵۶.
 ۴ - بشارة الاسلام صفحه ۱۸۰.

(۲۸) «... حَتَّى يُوَلَّدُوا إِلَّا يَعْرِفُونَ إِلَّا الْجَوْرَ وَلَا يَعْمَلُونَ إِلَّا بِهِ»^(۱)

کار به جایی می‌رسد که نوزادان چون دیده به جهان گشایند جز ستم نمی‌شناسند و جز به جور و ستم به کاری مشغول نمی‌شوند.

البته امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث این نوید را داده‌اند که پس از آن دوران، مردم کم‌کم به سوی عدالت و عدالت‌خواهی پیش رفته و عملاً خواهان ظهور امام زمان (ارواح‌نافداه) می‌شوند.

(۲۹) «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَأْتِي الرَّجُلُ الْقَبْرَ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي مَكَانَ هَذَا مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ»^(۲)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گویا در این حدیث خلاصه آنچه گفته شد را که نشان از اوج مصیبت‌هاست بیان نموده و فرموده‌اند: برای مردم زمانی پیش آید که در اثر شدت بلا و سختی روزگار غیبت به قبرستان رفته، در کنار قبری نشسته و می‌گویند: ای کاش من به جای صاحب این قبر مرده بودم!^(۳)

فتنة دجال

همچنین در احادیث دیگر پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام از ظهور دجال‌ها در آخرالزمان خبر داده و به ما هشدار داده‌اند که مبادا گرفتار

۱ - بحارالانوار جلد ۵۱ صفحه ۶۸، الملاحم و الفتن صفحه ۱۳۲، الامام المهدي صفحه ۱۰۴.

۲ - نهج الفصاحة صفحه ۵۲۰ حدیث ۲۴۷۸ و صحیح بخاری جلد ۹ صفحه ۵۸.

۳ - همان، صفحه ۳۵۰.

فتنه دجال‌های روزگار گردیم،^(۱) زیرا همان طور که از واژه دجال پیداست، دجال به معنای کسی است که باطل را به اسم حق جلوه داده و مردم را فریب دهد و با نفاق و دورویی به مکر و خدعه و انحراف مردم از صراط مستقیم پردازد^(۲) که امروزه ما در سراسر دنیا شاهد دجال‌صفتان فراوانی هستیم و آنچه برای ما حائز اهمیت است این است که مراقب باشیم مبادا دچار انحرافات فکری و اخلاقی دجال‌ها شده و یا خود در مسیر گمراهی و انحراف مردم قدم برداریم.^(۳)

ای وای از این روزگار!

علاوه بر آن چه گفته شد آن حضرت در روایات دیگری فرموده‌اند: «در آخرالزمان، زمامداران حکومتی پلید شوند، قاریان سازش‌کاری و چاپلوسی را پیشه کنند، دانشمندان به نفاق و دورویی رو آورند، امت من سخنان منجّمان را تصدیق کنند و تقدیرات الهی را تکذیب نمایند، و در آن زمان دروغ را نوعی زیرکی و مهارت می‌دانند، خیانت به امانت را برای خود غنیمت می‌پندارند، زکات را خسارت مالی و فحشا را مباح می‌دانند و عبادت را از روی تکبر و منت بر

۱ - صحیح ترمذی، باب ما جاء فی الدجال، صفحه ۴۲.

۲ - منتهی الآمال جلد ۲ صفحه ۸۷۳، بحارالانوار جلد ۱۴ صفحه ۳۴۸ و جلد ۱۵

صفحه ۲۳. ۳ - همان، صفحه ۳۵۶.

مردمان انجام می‌دهند.^(۱) علاوه بر زمامداران معاونان و دست‌اندرکاران نیز ستمگر گردند، زاهدان تزویرکار، بازرگانان رباخوار، زنهای آنها غرق در آرایش، و نوجوانان آنها در بی‌عفتی غوطه‌ور شوند. علماء را فقط با لباس نیکو می‌شناسند و قرآن را فقط با صدای نیکو تشخیص می‌دهند و خدا را فقط در ماه رمضان می‌پرستند! پادشاهان ستمگر، ثروتمندان بخیل، دانشمندان جاه‌طلب، مستمندان و فقیران دروغ‌گو، پیرمردان گنه‌کار، کودکان بی‌شرم و ادب و زنهای گستاخ می‌گردند!^(۲) ای وای از این روزگار و ای وای بر این مردم!^(۳)

پوستین وارونه

روایاتی که نقل گردید بخشی از روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام پیرامون وارونه‌ها و انحرافات آخرالزمان بود که نشانگر بازگشت عدّه زیادی از مردم به سوی جهل و نادانی و عدم توجه آنها به حقایق فطری و روح پاک و الهی آنها می‌باشد.

این پیشگوئی‌ها به صورتهای مختلف در کتب انبیاء پیشین نیز نقل

۱ - المهدی صفحه ۱۹۹، الزام الناصب صفحه ۱۸۱.

۲ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۶۳ و بشارة الاسلام صفحه ۲۲.

۳ - همان، صفحه ۳۵۷.

شده است؛

از جمله در کتاب انجیل می‌خوانیم: «و اما این را بدان که در ایّام آخر، روزگاری سخت پدید آید زیرا در آن زمان مردمان خودپرست می‌شوند، آنها مردمی طمّاع، دروغ‌گو، متکبر، بدگو، نامطیع والدین، ناسپاس، ناپاک، بی‌الفت، کینه‌توز، غیبت‌گر، ناپرهیز، بی‌مروت، متنفر از خوبی‌ها، خیانت‌کار، تند مزاج و بداخلاق و مغرور هستند که زندگی دنیای خویش را از خدا بیشتر دوست می‌دارند، آنها به ظاهر دین‌دار هستند ولی در واقع استقامت دین‌داری را نداشته و منکر آن هستند.»^(۱)

به راستی مگر در آخرالزمان چه تغییر و تحوّلی صورت می‌پذیرد که مردم این چنین در خواب عمیق غفلت و گمراهی فرو می‌روند؟! زمین که همان زمین است، آسمان، همان آسمان، خورشید، همان خورشید، دنیا همان دنیا است، پس چه چیز وارونه شده است؟! شخصی به عکس سوار شتری شده بود و با تعجب به خود می‌گفت؛ «خدایا من در حیرتم که این شتر بدون سر چگونه حرکت می‌کند؟!» دیگری لیوان به عکس در دست گرفته و با خود می‌گفت: «این لیوان چرا دریش مسدود است و ته ندارد؟!»

و پیرمردی خود را در آینه می‌دید و می‌گفت: «آینه هم بود، آیه‌های قدیم!» او شاید نمی‌خواست باور کند که پیر شده و ما شاید نمی‌خواهیم باور کنیم که وارونه شده‌ایم. ما همان انسانی هستیم که می‌توانیم همچون سلمان فارسی، از اهل بیت علیهم‌السلام محسوب شویم اما پوستین و لباس وارونه به تن نموده‌ایم،^(۱) از حقیقت دور افتاده‌ایم و خود را در زندان آرزو و خیال و رؤیاهای نفسانی اسیر نموده‌ایم! ما سر خود را زیر خروارها خاک فرو کرده و می‌گوئیم، چرا دنیا تاریک است؟!

ای بی‌خبر، تکانی بخور، سری از خانه بیرون آور، بنگر که جهان روشن است، دنیا همان دنیا است، این تویی که خود را فراموش کرده‌ای! این تویی که از غیبت امام زمانت سوءاستفاده نموده و هر کاری که دلت خواست انجام دادی و از روی ماه آن یوسف زهرا و آن عزیز غریب تنها و آن مظلوم مطرود فراموش شده،^(۲) خجالت نکشیدی و با سیه‌رویان و گمراهان دوستی نمودی.

دوستان! به خدا قسم، امام زمان ما غایب نیست، ما غایبیم، او

۱ - «وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْقَرْوِ مَقْلُوباً»؛ منتخب الاثر صفحه ۴۳۷ و نهج البلاغه صفحه ۱۵۷.

۲ - قال علی علیه‌السلام فی وصف مولانا صاحب الزمان (عجل الله فرجه): «صاحب هذا الامر الشرید الطرید الفرید الوحید»، کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۰۳، ندای صاحب الزمان نوشته مؤلف صفحه ۷۱ و ۸۰.

خورشید است و خورشید دنیا را روشن می‌کند، این مائیم که پشت ابر غفلت و جهل و نادانی خویش پنهان شده‌ایم و با گناهان خویش حجابی بین خود و آن خورشید عالم‌تاب ایجاد نموده‌ایم.

تا کی می‌خواهیم وارونه باشیم، تا کی می‌خواهیم به روح پاکی که سزاوار سجده ملائکه است و سزاوار آیه شریفه ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾^(۱) است و سزاوار است که خدای تعالی در شأنش بگوید ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^(۲) بی‌توجه باشیم؟!

چرا ما این همه به مادیات دنیا و مسائل بدنی و جنسی دل بسته‌ایم اما از دلدار خویش غافل گشته‌ایم؟!

همه چیز ما وارونه شده، زندگی ما، زن ما، اولاد ما، کسب و کار ما و انسانیت ما!

عزیزان، ما شیعه هستیم، شیعه یعنی پیرو، شیعه یعنی وجودی مقدّس که قلبش مملو از محبت و اعضاء و جوارح و تمام وجودش یکپارچه اطاعت است و هیچ‌گاه حاضر نیست محبت و ارادت به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام را از دست بدهد، پس باید به خدا پناهنده شد و از امام زمان عزیز یاری جست. پس باید از خواب غفلت بیدار شویم و قبول کنیم که کارهایمان وارونه است و آن طور که

۱ - سوره مؤمنون آیه ۱۴.

۲ - سوره حجر آیه ۲۹.

شایسته است شیعه بودن را درک نکرده و معنای حقیقی آن را در زندگی خویش اجرا ننموده‌ایم.

و به جهت این وارونه‌هایی که در زندگی ما مسلمانان ایجاد شده، کار به جایی رسیده که هنگام ظهورِ امام عصر (ارواحنافداه)، برخی فکر می‌کنند آن حضرت دین جدیدی آورده است! (۱) در حالی که دین آن حضرت همان دین پیامبر اکرم ﷺ و سایر ائمه اطهار علیهم السلام است و هیچ‌گونه تفاوتی با آن دین مقدّسی که پیامبر اکرم ﷺ به عنوان اسلام در جهان عرضه داشت ندارد و نخواهد داشت. اما باید پذیرفت که خلفاء جور آنقدر بدعت‌ها در دین مقدّس اسلام گذاشته و جاده‌های انحرافی در کنار صراط حقیقی دین ایجاد نموده‌اند که چهرهٔ این دین مقدّس را تاریک کنند و آنقدر خرافه‌ها و وارونه‌های اخلاقی و فکری در میان مسلمانان ترویج داده‌اند که گویا این دین مقدّس، وصله وصله شده است و لذا امام زمان (ارواحنافداه) وقتی ظهور می‌کنند این وصله‌ها، این بدعت‌ها و این انحرافات و تمام مسائلی که به هیچ عنوان ربطی با اسلام و قرآن نداشته را از بین می‌برند و آن دین ناب و خالص محمدی ﷺ را که درخشندگی‌اش، تمام جهان را منور می‌سازد (۲) به مردم دنیا عرضه می‌کنند. آنگاه برای اینکه مردم، هر

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۹۲ و ۳۳۸، ارشاد مفید صفحه ۳۴۳.

۲ - ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ سورة زمر، آیه ۶۹.

کس به اندازه‌ای ظرفیت پذیرش این دین بزرگ و این آئین کامل الهی را داشته باشند دست مبارک خویش را بر سر انسانها کشیده و با نگاه و عنایت ولایی خویش عقلهای آنها را کامل نموده و به همه مردم رشد فکری عنایت می‌نمایند.^(۱) به طوری که دیگر به سادگی اسیر خرافات و مسائل غیر عقلی و غیر علمی نگردند و این حقیقت را دریابند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «اليمين و الشمال مضلة و الطريق الوسطی هی الجادة»^(۲) یعنی گرایش به چپ و راست و جاده‌های انحرافی گمراهی است و میانه‌روی و پایبندی به صراط مستقیم دین جاده حقیقی انسان‌ها است.^(۳)

تهمت‌هایی که به امام زمان علیه السلام می‌زنند

یکی دیگر از دردها و مصیبت‌ها در زمان غیبت امام زمان (ارواحنا فداه) حرفهای نادرست و افکار غلطی است که دشمنان یا دوستان نادان آن حضرت به آن بزرگوار نسبت می‌دهند و ایشان را از خود می‌رنجانند و باعث تأخیر ظهور آن حضرت می‌گردند، مثلاً برخی می‌گویند زمان ظهور امام عصر علیه السلام پایان دنیا است و پس از آن قیامت فرا می‌رسد، در حالی که این سخن کاملاً باطل است زیرا زمان ظهور تازه زمان شروع زندگی است.

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۳۶. ۲ - نهج البلاغه خطبه ۱۶.

۳ - همان، صفحه ۳۵۸.

برخی می‌گویند: آن حضرت حالا حالاها ظهور نمی‌کند!

برخی می‌گویند: اگر ظهور کند گردن همه را می‌زند!

برخی می‌گویند: دعا کن که آقا نیاید که اگر بیاید اول گردن من و تو را می‌زند!

عده‌ای می‌گویند: وقتی بیاید خون رکاب اسبش را می‌گیرد و هفتاد آسیاب از خون مردم به گردش در می‌آید!

عده‌ای می‌گویند: غیبت امام زمان تقدیر خداوند است، خدا خواسته که آن حضرت غایب باشد و هر موقع هم خودش بخواهد به او امر می‌کند که ظهور کند، پس دعای ما برای ظهور آن حضرت فایده‌ای ندارد!

برخی می‌گویند: او هنوز متولد نشده و در آینده به دنیا می‌آید!

برخی دیگر می‌گویند: او ظهور کرده و از دنیا رفته است.^(۱)

عده‌ای هم که اصلاً توجهی به آن حضرت ندارند و عده‌ای هم که اصلاً به اصل وجود آن حضرت مشکوک هستند!... و اما تأسف ما به خاطر این است که این حرفها را کفار و دشمنان اسلام نگفته‌اند، بلکه اینها بیشتر سخنان و نظریات غلط برخی از مسلمانان است که بدون هیچ دلیل و مدرکی به زبان جاری می‌کنند و باعث ناراحتی آن

۱ - این نظریه فرقه ضالّه بهائیت است.

حضرت می‌شوند. امام زمانی را که همچون سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام بعد از خدا مهربانترین مهربانان است، به صفت خونریزی، قتل و خشونت بی‌حد و حساب متهم می‌کنند. هنوز امام زمانی که تمام ادیان و فرقه‌ها در اصل وجودش شکی ندارند را باور نکرده‌اند، امام زمانی را که صدها و بلکه هزاران نفر در طول غیبت کبری، آن حضرت را در بیداری مکرر ملاقات کرده‌اند، همچون افسانه پیشینیان می‌پندارند و به او تهمت می‌زنند که در زمان غیبت نمی‌توان آن حضرت را ملاقات کرد! این درد نیز یکی از دردهای بزرگ و بلکه از بزرگترین دردهای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) است که آن حضرت را آزار می‌دهد و کار را به جایی می‌رساند که آن حضرت می‌فرماید: «من مظلوم‌ترین فرد عالم هستم!»^(۱) و در جای دیگر در رابطه با این سخنان فرموده‌اند: «تهمت می‌زنند، تهمت می‌زنند، تهمت می‌زنند!»^(۲)

این چه بی‌معرفتی است که به امام زمان عزیزمان هم تهمت بزنیم؟ مگر حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در حدیث معتبر و شریف لوح از خدای تعالی نقل فرموده که خدای حکیم لقب «رحمة للعالمین» را به امام عصر علیه‌السلام داده است؟ مگر «رحمة للعالمین» به معنای مهربانی برای تمام عالمیان نیست؟ پس چرا برخی آن امام مهربان را اینگونه خشن معرفی می‌کنند؟! اینها چه خرافات و حرف‌های زشتی است که

۱ - منتخب صحیفه مهدیه صفحه ۲۶. ۲ - راهی به سوی نور صفحه ۱۸۵.

ما به امام معصوم خود نسبت می‌دهیم! اگر ما پیرو اهل بیت عصمت و طهارتیم نباید حرفی را که آنها نمی‌پسندند به زبان جاری کنیم بلکه باید اگر چیزی را یقین داریم که آنها فرموده‌اند بیان کنیم و چیزی را که شک داریم و با سیره آن بزرگواران سازگاری ندارد مطرح نکنیم.^(۱)

امکان تشرّف و ملاقات

یکی از مسائلی که باعث ناراحتی امام عصر (ارواحنا فداء) شده است این است که عده‌ای چون توفیق تشرّف به خدمت امام زمان (ارواحنا فداء) را نداشته‌اند، امکان ملاقات و دیدار با آن حضرت را در دوران غیبت رد نموده و انکار می‌کنند، در صورتی که صدها و بلکه هزاران نفر در دوران غیبت کبری خدمت آن حضرت رسیده و آن امام عزیز را در حال بیداری زیارت کرده‌اند. چقدر زشت است انسان در مسائلی که واضح و روشن است مجادله کند و چقدر قبیح است در محضر یک شخصیت بزرگ، در مورد بودن یا نبودن، دیده شدن یا دیده نشدن آن شخص سخن گفته شود! امام زمان علیه السلام حقیقتی است که باید گفت: «عمیت عین لا تراک» کور باد چشمی که تو را یا به صورت ظاهری و یا به صورت باطنی مشاهده نکند. امام زمان علیه السلام وجود مقدسی است که اگر خیلی‌ها ظاهراً نتوانند آن حضرت را ببینند، از صدها دیدن بهتر او را حس می‌کنند. او در متن زندگی ما

حضور دارد، مگر می‌شود او را ندید؟ اما گذشته از دیدار باطنی چه دلیلی دارد انسانی در همین بدن مادی ما زندگی کند ولی به صورت ظاهری دیده نشود؟

به هر حال امام زمان علیه السلام از این موضوع که خیلی‌ها به آن حضرت تهمت دیده نشدن را زده‌اند بسیار ناراحت هستند و در این رابطه به یکی از دوستان و ارادتمندان خویش فرموده‌اند:

«درست است، این مطلب از خود ما است که هر کس ادعای مشاهده کرد، تکذیبش کنید، اما منظور کسی است که مثل نواب اربعه، ادعای ارتباط دو طرفه داشته باشد، این چنین کسی کذاب است^(۱) و آن نواب محترم در غیبت صغری وسیله ارتباطی ما با شیعیان بودند، ولی الآن زمان غیبت کبری است و ملاقات ممکن است و شما هم نباید کلام ما را تحریف کنید!»^(۲)

بنابراین باید توجه داشت که امام زمان (ارواحنا فداه) در زمان غیبت کبری نیز دیده می‌شوند، اما نه به صورت ارتباط دائمی یا رابطه دو طرفه بلکه هر موقع و برای هر کس که خود آن حضرت صلاح بدانند چهره نمایان نموده و شیفتگان دیدار خویش را به فیض

۱ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۵۱ و جلد ۵۳ صفحه ۳۱۸.

۲ - شکوه‌های صاحب الزمان صفحه ۷۲.

ملاقات می‌رسانند^(۱)، به همین جهت کسانی که این مسأله را مردود می‌دانند یکی از مهم‌ترین دلائل وجودی حضرت را باطل می‌کنند و این باعث رنجش قلبی امام زمان علیه السلام شده و خیانت به آن حضرت است. لذا یکی از چیزهایی که دوستان امام عصر (ارواحنا فداه) می‌توانند از آن برای بیدار نمودن مردم و هدایت آنها به سوی محبت و اطاعت امام زمان علیه السلام استفاده کنند همین نقل تشرفات و ملاقات‌ها می‌باشد. البته باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که آنچه بیشتر از همه حائز اهمیت است ارتباط روحی و سنخیت اخلاقی داشتن با امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد یعنی دوستان و شیعیان واقعی آن حضرت کسانی هستند که با خودسازی و پاکی روح خویش صاحب اخلاق نیکو و رفتار شایسته شده و با این کار قلب امام زمان خویش را از خود خوشحال می‌کنند.^(۲)

نقل و بیان تشرفات

نکته بسیار مهمی که بیشتر مورد بحث است این است که آیا نقل و بیان تشرفات جایز است یا جایز نیست؟ یعنی شخصی که امام زمان علیه السلام را در خواب یا بیداری ملاقات کرده آیا می‌تواند این ملاقات خود را برای دیگران تعریف کند؟

۱ - امام زمان علیه السلام به حاج محمد باکویی فرمودند: «هر کس از شیعیان ما به وظیفه خود خوب عمل کند ما (اگر صلاح بدانیم) به آنها سر می‌زنیم.»

۲ - همان، صفحه ۳۶۳.

یقیناً این مطلب نیز واضح است که اگر تشرّفات و ملاقاتها برای دیگران بیان نشده بود، ما اکنون از فیض شنیدن آنها محروم بودیم و مهم‌تر از آن اگر نقل آنها جایز نبود، یکی از بهترین دلائل برای اثبات وجود مقدّس حضرت بقیةالله (ارواح‌نفاذ) که همان دیدن حضرت است را از دست می‌دادیم و بیشتر از الان مورد طعنه دشمنان واقع می‌شدیم، به طوری که آنها به ما می‌گفتند: امام زمانی که دیده نشود وجود خارجی ندارد.

بنابراین نقل ملاقاتها و تشرّفات کار بسیار صحیح و پسندیده‌ای بوده و اکنون نیز نباید از بیان آنها صرف‌نظر کرد. البتّه شخصی که می‌خواهد ملاقات خود را برای دیگران تعریف کند نباید خودش دچار غرور و خودخواهی شود و اگر این طور باشد، ابتدا باید خود را اصلاح کند و سپس به بیان این تشرّفات پردازد.

در غیر این صورت، نه تنها بیان ملاقاتها اشکالی ندارد بلکه بسیار مفید بوده و چون نوعی شهادت به وجود امام زمان علیه السلام است کاری نیکو و دارای ثواب هم خواهد بود و یکی از راههای بیدار شدن انسانها از خواب غفلت، بیان همین ملاقاتها و یاد وجود مقدّس حضرت صاحب‌الزمان (ارواح‌نفاذ) می‌باشد. ^(۱)

آیاراهی برای ملاقات با امام زمان علیه السلام وجود دارد؟

نکته دیگری که قابل ذکر است این است که برای ملاقات امام عصر (ارواحنافداه) در زمان غیبت، از طرف ما راهی وجود ندارد، یعنی دیدن امام زمان علیه السلام به خواستن و اراده ما نیست، بلکه این کار تنها به دست خود امام زمان علیه السلام است و اگر او صلاح بداند این توفیق را شامل حال ما خواهد کرد و به قول شاعر: «تا یار که را خواهد و میلش به که باشد».

بنابراین اگر امام زمان علیه السلام صلاح بداند و لازم باشد ممکن است این توفیق را به کافری هم عطا کند و اگر صلاح نداند ولو انسان خیلی پاک و بزرگی هم باشد ولی چون حضرت صلاح نمی داند این توفیق را پیدا نمی کند.

لذا اینکه برخی فکر می کنند تنها با چهل شب چهارشنبه یا جمعه به مسجد جمکران رفتن و یا فلان ذکر را گفتن می توانند خدمت امام زمان علیه السلام برسند، صحیح نیست، یعنی این ذکرها و یا به مسجد جمکران رفتن و دنبال آقاگشتن علت تامه برای دیدن حضرت نیست، بلکه اصل، اراده و مصلحت اندیشی امام زمان علیه السلام است.

پس ممکن است شخصی با یک شب جمعه رفتن به جمکران امام زمانش را ملاقات کند و شخصی هم صد مرتبه برود و این توفیق نصیبش نشود.

با این توضیح مشخص می‌شود که دیدن امام زمان علیه السلام نشانه این نیست که حتماً آن شخص که حضرت را دیده دارای مقام بالای علمی یا عرفانی بوده است بلکه حتی برخی افراد ساده و بی‌سواد و یا حتی غیرمسلمان نیز آن حضرت را زیارت نموده‌اند.

و خوب است بدانیم اگر چه دیدار جمال یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله به خواست و اراده آن حضرت است، اما فراوان دیده شده اکثراً کسانی که توفیق ملاقات آن حضرت را پیدا کرده‌اند، عاشقان و شیفتگانی بوده‌اند که شب و روز دنبال گم‌گشته خود می‌گشتند و هر شخصی را که ظاهراً چهره خوبی داشته نگاه می‌کردند به این امید که شاید این شخص همان محبوب من باشد. طبعاً افراد بی‌محبتی که تشنه آفتاب جمال آن خورشید درخشان نگشته‌اند و حتی نام امام زمانشان را هم به زبان نمی‌آورند اگر چه ممکن است آنها نیز مورد محبت حضرت بقیة الله علیه السلام واقع شوند اما خیلی کمتر اتفاق می‌افتد که بتوانند آن جمال نورانی را زیارت کنند. به هر حال اگر چه دیدن امام عصر به لیاقت یا خواست ما نیست و به لطف و کرم و خواست حضرت است اما محب واقعی کسی است که یکی از آرزوهایش دیدن جمال نورانی مولا و اربابش باشد و برای این خواسته‌اش کوشش کند و به قول

«گر چه وصالش نه به کوشش دهند

هر قدر ای دل که توانی بکوش»

همچنین خوب است بدانیم که بهترین نوع ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام ارتباط روحی و معنوی می‌باشد، چه بسا افرادی جمال امام زمان علیه السلام را هم ببینند ولی رفتارشان با رفتار امام زمانشان مطابق نباشد. مثلاً خیلی‌ها مثل ابوسفیان هر روز چهره نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌دیدند، اما سر سوزنی معرفت آن حضرت را نداشتند و از طرفی چه بسا کسانی اصلاً امام زمانشان را هم ندیده باشند ولی تمام اعضاء و جوارحشان و تمام فکر و عملشان مطابق خواست و رضایت آن حضرت باشد. پس انسان نباید تنها دنبال دیدن جمال ائمه اطهار علیهم السلام باشد، بلکه باید بیشتر به فکر تربیت روح خود باشد تا جایی که مثل اویس قرن که جمال پیامبر را از نزدیک نمی‌دید و با آن حضرت ارتباط روحی داشت، روح خود را هم‌سنخ روح ائمه اطهار علیهم السلام نماید. معنای ارتباط روحی و معنوی هم همین است که انسان روحش را هم‌سنخ روح امام زمان علیه السلام کند، یعنی با تزکیه نفس، روح خود را از تمام رذائل اخلاقی پاک نماید و هر کاری که امام عصر (ارواح‌نافداه) می‌پسندد انجام داده و هر کاری را که نمی‌پسندد ترک نماید.^(۱)

فصل چہارم

چرا و چگونه ظہور حضرت بقیۃ اللہ علیہ السلام بہ تأخیر می افتد؟

سخنان بیدارگر

در این بخش، به جهت مزین شدن کتاب، گزیده‌ای از فرمایشات استاد عزیزم را که پیرامون مظلومیت امام زمان علیه السلام می‌باشد تقدیم منتظران و محبین آن حضرت می‌نماییم؛

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»

این آیه شریفه از معروف‌ترین آیاتی است که در شأن حضرت

بقیه‌الله (ارواحنا فداه) نازل شده است؛ زیرا مربوط به همه مستضعفین خصوصاً مردم دوره آخرالزمان است، مردمی که در این عصر قرار گرفته‌اند و حتی در ممالک اسلامی خودشان هم نمی‌توانند اسلام را پیاده کنند، دشمن به آنان هجوم آورده و بر آنان ستم می‌کند و آنان را ضعیف قرار داده است.

مستضعف به کسی می‌گویند که حق با او باشد ولی ضعیف واقع شده باشد. این فرد را قرآن مستضعف نامیده است، افراد مستضعف در تمام دوران‌ها بوده‌اند و یک نمونه بسیار با ارزش آن، بنی اسرائیل و فرزندان انبیاء گذشته بودند، اینها بیشتر از همه ظلم دیدند و چنان ضعیف شده بودند که فرعون مردان و جوانانشان را می‌کشت و زن‌هایشان را اسیر می‌گرفت و زنده نگه می‌داشت.

فرعون، پسران تازه متولد شده آن‌ها را، جلوی چشم مادرانشان، می‌کشت و لذا آنها تا می‌توانست فرزندان‌شان را مخفی می‌کردند زیرا شنیده بودند که از نسل بنی اسرائیل کسی می‌آید و فرعون را سرنگون می‌کند و فرعون هم می‌خواست جلوی این کار را بگیرد؛ همان طور که فرعون‌های زمان ما تصمیم گرفته‌اند نگذارند حضرت بقیه‌الله تشریف بیاورند، چنان که در رسانه‌های خبری این مطلب به خوبی مشاهده می‌شود؛ هر چند ما شیعیان در این زمینه خوابیم؛ ولی

دشمن بیدار است و می‌خواهد مانع ظهور آن حضرت شود.^(۱)

اقدامات دشمن برای جلوگیری از ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام

یکی از کارهای دشمن برای رسیدن به این هدف، از بین بردن یاران حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است که آثار آن را در جامعه شیعه مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم چقدر در میان شیعیان مسئله ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ضعیف قرار گرفته و به آن بی توجهی شده و می‌شود؛ اگر چه رشد فکری شیعیان زیاد شده و آنان از فلسفه بافی‌ها و امور خیالی دوری می‌کنند و عده زیادی بحمدالله متوجه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) هستند، اما یک عده مردم مسلمان و حتی شیعه با این فکر مخالفند و با تشرف فرمایی و ظهور آن حضرت مخالفت می‌کنند.

مخالفت‌ها هم به اقسام مختلف انجام می‌شود، مثلاً یک عده اساساً به یاد حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) نیستند و هر کس که زیاد از امام عصر (روحی فداه) نام ببرد مسخره‌اش می‌کنند، حتی بعضی از این‌ها افرادی هستند که طرز تفکرشان را بر جامعه حاکم می‌کنند و به اصطلاح مالک افکار مردم هستند و مردم را به این مسیر می‌کشانند و

یاد و نام آن حضرت را در جامعه می‌میرانند و به فراموشی می‌سپارند. حالا این‌ها یا آگاهانه چنین می‌کنند یا ناآگاهانه، آن‌هم به خاطر این که معرفت‌شان به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) اندک است و چندان ارزشی به مسائل ظهور و توجه به آن حضرت نمی‌دهند، بلکه به مسائل دیگر بیشتر معرفت و توجه دارند و قلبشان مجذوب امام عصر (روحی فداه) نیست؛ و طبیعی است که یا مجذوب مسائل سیاسی روز شده‌اند یا مجذوب امور دیگر هستند و در سخنان و نوشته‌هایشان همان چیزی را که توجه دارند، بیان می‌کنند و مردم هم فکر می‌کنند لابد از آن چه این آقا بیان می‌کند یا تیتروزی‌ها می‌کند، چیزی مهم‌تر نیست.

یک عده از این افراد هم کسانی هستند که با افرادی که توجه به امام عصر (ارواحنا فداه) دارند و از آن حضرت زیاد یاد می‌کنند، مخالفت نموده و آن‌ها را متهم به وابستگی به گروه‌های مختلف می‌کنند، گروه‌هایی که آن‌ها را بد نام کرده‌اند.

یک عده از دشمنان هم به طور کلی هر جا اسم امام زمان علیه السلام بیشتر برده می‌شود، با آن مبارزه می‌کنند و دشمنان اصلی هم که از شیعیان در این زمینه بیدارترند، فعالیت‌های وسیعی می‌کنند و از افراد و به اصطلاح از کارشناسان امور مختلف دعوت می‌کنند و مصاحبه می‌گیرند که آیا می‌شود با این کسی که شیعه می‌گوید می‌آید و جنگ

برپا می‌کند و خون ریزی می‌کند - که این‌ها را آنان برای تخریب چهره امام عصر (روحی فداه) می‌گویند - مقابله کرد و مانع آمدن او شد، مثلاً در فیلم پیش‌گویی‌های «نوستر آداموس» این مطلب به خوبی مشاهده می‌شود که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر معلوم شد که همه این‌ها ساختگی بوده و آن پیش‌گویی‌ها را درست کرده بودند تا چهره امام عصر (ارواحنا فداه) را خون‌ریز و جنگ‌طلب معرفی کنند و سپس آن را در حادثه یازدهم سپتامبر اجرا کردند و کوشیدند ذهنیت مردم دنیا نسبت به اسلام و مهم‌ترین چیزی که اسلام در انتظار آن است یعنی ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) خراب شود؛ و بعد هم در داخل شروع به مبارزه با دوستان امام زمان علیه السلام کردند.^(۱)

کسی که بی‌یار و یاور بشود غریب و تنها می‌ماند

حالا چرا آنها با دوستان امام زمان علیه السلام مبارزه کردند؟! روشن است، زیرا کسی که می‌خواهد کار به این مهمی انجام بدهد یعنی جهان را متحوّل کرده و از تمام آلودگی‌ها پاک نماید، به تنهایی که نمی‌شود، پس قطعاً از دوستانش کمک می‌گیرد؛ لذا باید اول دست و پایش - یعنی دوستانش - را قطع کرد، تا نتواند کاری بکند، که از همین جا معنای ظهور صغری بیشتر روشن می‌شود؛ چون عصر ما، عصر توجه

به امام زمان (ارواحنا فداه) شده و نام آن حضرت در این عصر جلوه و درخششی خاص پیدا کرده و دشمن نمی‌خواهد چنین روزی اتفاق بیفتد، لذا امکاناتش را برای مقابله با آن بسیج کرده و این‌ها مقدمه ظهور کبری یعنی ظهور اصلی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است؛ همان طور که سر بریدن هزاران طفل در زمان حضرت موسی علیه السلام به دست فرعون، مقدمه آمدن حضرت موسی علیه السلام بود و لازمه میدان مبارزه حق و باطل همین است که دشمن خواب نیست و نسبت به آن چه منافعش را به خطر بیندازد، حساس است و ساکت نمی‌نشیند؛ و در مقابل، ما شیعیان نسبت به بزرگترین منفعت زندگی خود هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهیم؛ بزرگترین منفعت زندگی ما و تمامی بشر، ظهور و حکومت عدل حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است که برای به دست آوردن آن هیچ تلاشی نمی‌کنیم و حتی آن را برای زمان خود تصور نمی‌کنیم و شیطان فکرمان را دست‌کاری کرده و ظهور آن حضرت را مربوط به آینده‌های دور می‌دانیم، اما شیطان و شیطان سیرتان آن چنان در برابر منافع دنیای مادی خود حساس اند که از خبر ظهور و آنچه زمینه‌ساز آن باشد، در هراس و وحشت‌اند و با تمام قوا می‌کوشند از آن جلوگیری کنند.^(۱)

بیدار باشید و برای ظهور، خود را آماده و نیرومند کنید

اگر ما هم بیدار باشیم، باید با تمام قوا خود را آماده ظهور کنیم؛ که قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»: «شما باید در برابر دشمن هر چه می‌توانید خود را مجهز و نیرومند کنید»؛ تا دشمن خدا و دشمن خودتان را به هراس بیندازید، پس باید آن چنان قوی باشید که دشمن نتواند این‌گونه با امام شما مبارزه کند و مردم را از روز ظهور بترساند و آن حضرت و یارانش را در جامعه ضعیف کند.

این را بدانید وقتی توجه جامعه به امام زمان عجل الله فرجه و معرفت آن حضرت کم‌رنگ شد و آنچه برای مردم مهم شد مسائل دنیایی بود، یقیناً یاری آن حضرت فراموش می‌شود، زیرا جامعه خریدار چیزی می‌شود که توجه به آن دارد و طبعاً امام زمان عجل الله فرجه و ظهور آن حضرت با تبلیغات پنهان دشمن به آینده‌ای نامعلوم و دور مربوط شده، پس امروز چندان خریدار ندارد و مورد توجه واقع نخواهد شد، که این وضعیت را امروزه به چشم خود می‌بینیم.^(۱)

از خدا بترسید و با امام زمان علیه السلام

رابطه روحی داشته باشید تا قوی شوید و دشمن از شما بترسد

شما فکر نکنید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» فقط به جنبه‌های مادی و نظامی مربوط می‌شود، بلکه از هر جهت باید قوی بود، تا دشمن به هراس بیفتد و دشمن، دشمنی نیست که فقط از نیروی نظامی و سلاح‌های پیشرفته شما بترسد، بلکه اگر شما به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) توجه داشته و به آن حضرت ایمان داشته باشید و حضور او را در زندگی خود باور کنید، چنان نیرومند و قوی می‌شوید که هراس و رعب در دل دشمن می‌افتد.

لذا این‌ها همه با هم مرتبط هستند؛ یعنی شیطان از پایان عمر و حکومتش بر کره زمین می‌ترسد و آن روز را روز ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) می‌بیند و در نتیجه مانند فرعون به مبارزه با آن حضرت می‌پردازد و از آن چه یاد و نام آن وجود مقدس را زنده کند، هراس دارد و به هر طریقی می‌خواهد نیروهای آن امام مظلوم را تضعیف کند و چون به خود آن حضرت دسترسی ندارد، یاران و دوستان آن بزرگوار را هدف قرار می‌دهد، تا او نیاید و قیام نکند و وقتی یاران آن حضرت ضعیف شدند و جامعه از توجه به آن حضرت تهی شد، ظهور مقدسش عقب می‌افتد و به همین علت تاکنون ظهور

مقدس آن حضرت قرن‌ها و قرن‌ها به تأخیر افتاده است.^(۱)

خرابکاری‌های شیاطین برای جلوگیری از

ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)

باید به این نکته توجه داشته باشید که شیاطین خیلی به فکر روز ظهور که روز پایان حکومت آن‌ها بر کره زمین است، هستند و از آن به شدت در هراسند و بزرگ‌ترین و شدیدترین فعالیت آن‌ها بر این مسئله متمرکز است، حتی فعالیت مستکبران و طاغوت‌های عالم بر ضد دین و شیعه و امام زمان (ارواحنا فداه) بخشی از برنامه شیاطین اصلی که از گروه جن هستند، می‌باشد و سرچشمه اصلی فسادهای جامعه بشری از نقشه‌های شیطان بزرگ است؛

لذا خداوند متعال در قرآن کریم در این باره از قول جن می‌فرماید: «وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيَّتٌ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا»: جن می‌گوید: «ما به آسمان بالا رفتیم و آن را لمس کردیم و دیدیم پر شده است از ملائکه نگهبان و شهاب سنگ‌ها و ما پیش از این (پیش از بعثت رسول اکرم ﷺ) به آسمان بالا می‌رفتیم و مکان‌هایی در آن جا برای

جاسوسی و استراق سمع (گوش دادن به سخنان ملائکه و دستوراتی که به آنها از جانب خداوند می‌رسد) داشتیم، اما اکنون دیگر این کار ممنوع شده و هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهاب سنگ در انتظار او خواهد بود».

لذا یکی از علت‌هایی که خداوند به شیاطین اجازه نمی‌دهد از جو زمین خارج شوند، به این جهت است که تصمیمات الهی در امر ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) در عالم بالای جو زمین گرفته می‌شود و در آنجا ممکن است خبر روز ظهور به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار و انبیاء و شهدا و صالحین و آن‌هایی که در بهشت برزخی آسمان چهارم زندگی می‌کنند، گفته شود و اگر شیاطین بتوانند به آنجا نفوذ کنند از اسرار و دستورات الهی در امر ظهور مطلع می‌شوند و سپس می‌آیند روی زمین فسادهایی ایجاد می‌کنند، که آثار اجتماعی دارد و زمان ظهور را به تأخیر می‌اندازد.

اینها همه به خاطر این است که وقتی خداوند به ابلیس بزرگ مهلت داد، طبق روایات، تنها تا روز ظهور و روز آغاز حکومت مصلح کل، حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به او مهلت داد، نه بیشتر! و لذا ابلیس بزرگ و پیروانش از رسیدن این روز وحشت دارند و به هر صورت شده می‌خواهند کارهایی کنند که این روز به تأخیر بیفتد و تا به حال هم بیش از یازده قرن در این کار موفق بوده‌اند و این موفقیت،

نه به خاطر قدرت شیطانی آنها، بلکه به خاطر سستی و ضعف ما مردم مسلمان بوده که غافل بوده‌ایم و به امر ظهور حکومت جهانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام اهمیتی نداده و نمی‌دهیم و متأسفانه هنوز هم این سستی و ضعف در میان ما وجود دارد و هیچ توجهی - آن توجهی که باید داشته باشیم - به این مسئله مهم، که مهم‌ترین مسئله زندگی بشر است، و هست و نیست بشر به آن وابسته است، نداریم. (۱)

تصوّرات و افکار ما دور از حقیقت است

ما مسلمانان ضعیفی هستیم که ضعف فکری داریم و تصوّرات مان از مسائل مهم حکومتی خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و رهبری آنان بر بشر، خیلی ضعیف است؛ مثلاً فکر می‌کنیم هنوز زمان زیادی به ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) باقی مانده، که این تصوّر از دو جهت غلط و دور از حقیقت است؛

اول از این جهت که از ما خواسته شده، برای پایان دادن به عصر غیبت امام زمان علیه‌السلام تلاش کنیم و اصولاً عقب افتادن و تأخیر ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به دست خود ما ایجاد شده و خود ما

هم باید به آن پایان بدهیم؛ مثل یک زندانی که در اثر جرم به زندان می‌افتد و خارج شدن او از زندان هم منوط به این است که واقعاً عذر خواهی کند و پشیمانی صد در صد از خود نشان دهد تا بخشیده شود و به جای ده سال، مثلاً یک ماه یا یک هفته، بیشتر در زندان نماند و لذا ما هم چنین هستیم و در حق امام زمان کوتاهی کرده‌ایم که به زندان غیبت کبری افتاده‌ایم و مانند ممنوع الملاقات‌ها، تقریباً اجازه ملاقات با پدر مهربان خود را هم نداریم، مگر در مواردی که خود حضرت صلاح بدانند و به برخی اجازه ملاقات بدهند. ما در چنین زندانی واقع شده‌ایم و به ما گفته‌اند اگر قول توبه بدهید و همه با هم امام‌زمانتان را یاری کنید، بخشیده شده و از زندان غیبت آزاد و به روز ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) وارد خواهید شد.

وقتی مسئله چنین باشد، آیا زندانی می‌تواند بگوید هنوز خیلی مانده من آزاد شوم، یا باید به عفو و بخشش صاحب زندان امیدوار باشد و توبه کند، که خدا توّاب و رحیم است و قول داده است همه گناهان را ببخشد و اگر ما بی‌توجهی‌های خود به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را جبران کنیم و جامعه - نه فقط افراد به صورت فردی - به سوی خدا و امام زمان علیه السلام بازگردد، قطعاً خداوند ما را خواهد بخشید و امر ظهور لحظه به لحظه جلوتر خواهد افتاد و مدت باقی مانده محکومیت ما در زمان غیبت کبری بخشیده خواهد شد.

پس فکر ما از این جهت از حقیقت دور است که فکر می‌کنیم امر ظهور مربوط به ما نیست و باید زمان غیبت خود به خود سپری شود؛ اما واقعیت آن است که اگر ما به عهد خود با امام زمان علیه السلام وفا کنیم، ظهور، دور از دسترس ما نیست و خداوند وعده داده است که با حرکت اجتماعی مردم به سوی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) ظهور آن حضرت را برساند.

جهت دومی که نشان دهنده فکر غلط و دور از واقعیت ما است، این است که فکر می‌کنیم زمان زیادی به ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) باقی مانده، در حالی که مسلماً این فکر یک القاء از طرف شیطان است، تا اساساً مردم، از زمان ظهور فاصله بگیرند و زندگی خود را از آن روز و آن زمان دور و جدا ببینند و حتی فکر نکنند که شاید بتوانند در زمان ظهور امام عصر (روحی فداه) زندگی کنند که یکی از راه‌های رسیدن به این هدف پلید و شیطانی، پدید آوردن این تصوّر غلط در ذهن مردم است و وقتی مردم تصوّر کردند هنوز زمان زیادی به ظهور مانده، طبعاً هیچ تلاشی برای جلو انداختن این روز نمی‌کنند.

بنابراین تا زمانی که این تصوّرات جاهلانه و شیطانی که مانند دو اهرم از سوی شیطان هستند، بر مردم حاکم باشد، باید جلو افتادن ظهور از طرف مردم را منتفی بدانیم و این دو اهرم، همین دو جهتی

بود که گفتم! یعنی اول این که فکر کنیم تلاش ما تأثیری در جلو انداختن ظهور ندارد و دوم این که فکر کنیم زمان ظهور، زمانی در آینده دور است و عمر ما و حتی نسل پس از ما هم، برای دیدن آن روز کفاف نمی‌دهد. (۱)

باید روز ظهور را نزدیک بدانیم

الان این فکر شیطانی بر ما - بر عموم فضای جامعه، نه افراد خاصی که بیدار هستند - حکومت می‌کند و کار خود را هم پیش برده، و مردم به همه چیز توجه دارند، الا به این مسئله، زیرا تصور نمی‌کنند روز ظهور را ببینند و من مکرر این نکته را در سخنانم تذکر داده‌ام که ما دو چیز داریم یکی یقینی و یکی احتمالی. آن مطلب یقینی این که امام زمان علیه السلام وجود دارد و امام زمان علیه السلام ما است اما ناشناس - و به اصطلاح غایب - زندگی می‌کند و آن مطلب احتمالی این است که احتمال دارد در زمان ما ظهور بفرمایند و به خاطر همین احتمال که احتمال بسیار قوی هم هست باید آماده ظهور باشیم و آن فکر شیطانی را از خود دور کنیم و ظهور را دور نبینیم؛ زیرا خاندان رسالت صلوات الله علیهم روز ظهور را طبق آیه شریفه: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً» نزدیک می‌بینند.

این‌ها از همان موقع که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شدند و شیاطین از عبور از آسمان و استراق سمع ممنوع شدند، در کنار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند، که اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس فرزندان آن حضرت و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند که همگی تلاش می‌کردند زمینه تشکیل حکومت اهل بیت علیهم السلام را فراهم کنند و رهبری مبارزات آن در دست ائمه اطهار علیهم السلام بود مانند قیام حضرت زید بن علی بن الحسین علیه السلام و امثال آن بزرگوار که امام هشتم علیه السلام فرمود اگر زید بن علی بن الحسین علیه السلام موفق می‌شد و بر بنی امیه غلبه می‌کرد، حکومت را به ما معصومین علیهم السلام تحویل می‌داد، حتی بعضی از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام بدون اینکه متوجه این هدف باشند، فقط به خاطر مبارزه با ظلم، حرکتی می‌کردند؛ مثل زیدالنار که با بنی العباس مبارزه می‌کرد و خانه‌های آنها را به آتش می‌کشید و همه اینها در جهت برانداختن ظلم و زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر (اروحنای فدا) انجام می‌شد.

به هر حال آل محمد صلی الله علیه و آله از همان اول تلاش می‌کردند حکومت به دست معصومین علیهم السلام بیفتد و سپس آخرین معصوم، این حکومت را جهانی کند و وعده مسلم خدا را تحقق ببخشد و این به خاطر آن بود که آنان ظهور را دور نمی‌دیدند، بلکه تلاش می‌کردند تا ظلم ریشه‌کن شود و حق حاکم شود؛ اما چون مردم آن زمان قدرت فهم این مسائل

را نداشتند و دوست را از دشمن جدا نمی‌کردند، برایشان این مسئله مهم نبود و لذا آل محمد علیهم‌السلام از طرف طاغوت‌ها ضعیف شمرده شدند و بی‌یار و یاور شدند و تا امروز هم چنین بوده؛ اما پس از این چه خواهد شد؟ آیا زمان ما با آن زمان تفاوتی کرده است؟^(۱)

شیعیان می‌توانند ظهور را جلو بپندازند

پاسخ به این سؤالات مثبت است و باید بگوییم مردم زمان ما خیلی با مردم قبل فرق دارند؛ مردم دارای رشد فکری شده‌اند، حتی مردم جهان امروز در تمام دنیا به قدری طالب صلح و عدالت هستند که هر روز راه پیمایی و تظاهرات و حرکتهای مختلف انجام می‌دهند، تا بگویند ما صلح و عدالت حقیقی می‌خواهیم و البته شیعیان هم که بسیار آماده‌تر و بیدارتر و هوشیارتر از گذشته‌اند و اگر کمی روی آنها کار بشود، شاید با همین جمعیت کمی که هستند بتوان ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) را جلو انداخت، همین جمعیتی که شب‌های چهارشنبه و جمعه و سایر ایام، به مسجد مقدس جمکران می‌روند؛ همین جمعیتی که وقتی صلوات می‌فرستند «و عجل فرجهم» را به دنبال آن می‌گویند، با همین جمعیتی که نام مقدس امام زمان علیه‌السلام را سردر خانه‌هایشان زده‌اند،

همین افرادی که صبح و شب دست بر سرشان می‌گذارند و نام مقدس امام عصر (روحی فداه) را می‌برند و به آن حضرت سلام عرض می‌کنند، که من این کار را به دوستان امام زمان علیه السلام سفارش می‌کنم؛ پیش از خواب و بعد از خواب حتماً مؤدب بایستند و به پدر مهربانشان و امام زمانشان سلام و عرض ادب کنند، همین جمعیتی که در لبنان من دیده‌ام از رهبران و دوستان حزب الله لبنان، این‌ها تمام فکرشان ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است. می‌توانند با دعاهایشان ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را درخواست کنند.

شما هم سعی کنید تمام فکرتان این باشد، حتی اگر خانه‌ای می‌سازید طوری بسازید که بتوانید امام زمانتان را در آن دعوت کنید و آن حضرت از شما راضی باشند. این را هم بدانید که اگر چه دشمن شما را ضعیف حساب می‌کند و شما در برابر یک دنیا مخالف، راهی را می‌روید که آنها در آن راه نمی‌روند، اما بدانید که خدا خواسته است شما را حاکم بر زمین کند، نه این که شما خواسته باشید، بلکه می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا...» ما اراده کرده‌ایم و اراده خداوند غالب است، پس قوی باشید و خود را بسازید و برای ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) تلاش زیادی بکنید، هر چند عده‌ای از تلاش شما و از این که شما زیاد نام مقدس امام زمان علیه السلام را

ببرید، ناراحت شوند، اما شما اعتنا نکنید و به کار خودتان ادامه بدهید، که خداوند شما را اگر تزکیه شدید و از صالحین شدید، انتخاب می‌کند و از یاران حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قرار می‌دهد؛ زیرا می‌فرماید: «ما زمین را به بندگان صالح خود به ارث خواهیم داد» یک دفعه می‌بینید شما را مأمور فلان منطقه از کره زمین کرده‌اند و شما را پیشوای مردم آنجا که می‌خواهند با تقوا باشند و طالب صلح و عدالت و حقیقت هستند، قرار می‌دهند.^(۱)

سعی کنید پیشوای متقین باشید

واهل تقوا از شما الکوبرداری کنند

شما باید «عباد الرحمن» بشوید خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» کسانی که متواضع و دارای شرح صدرند و با جاهلان، ملایم برخورد می‌کنند و با آنها، درگیر نمی‌شوند، چنان که خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» عباد الرحمن کسانی هستند که مراحل تزکیه نفس را گذرانده و از خدا می‌خواهند آنان را رهبر متقین قرار بدهد؛ یعنی آن قدر در بندگی خدا قوی شده‌اند که از خدا می‌خواهند

بالاترین درجه را داشته باشند تا اهل تقوا به آنها اقتدا کنند و مردم کره زمین این آرزو را دارند که این عبادالرحمن - که همان صالحین هستند - بر آنها حکومت کنند و از رهبران دروغگو و خیانت کار و ریاست طلبی که تاکنون دیده‌اند، متنفر شده‌اند و تشنگی رسیدن به صلح و عدالت حقیقی که فقط در عبادالرحمن یافت می‌شود، در آنها خیلی شدید شده است.^(۱)

شما - اگر تزکیه نفس کنید - معلمین و راهنمایان

مردم به سوی خدا در زمان ظهور خواهید بود

شما بدانید بعد از ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) همه مردم کره زمین از متقین خواهند شد و شما آن روز باید الگو و رهبر آنها در راه تقوی و سیر الی الله باشید، پس سعی کنید خودتان را بسازید و تزکیه کنید و از عبادالرحمن بشوید و مراحل تزکیه نفس را خوب بر خودتان پیاده کنید. این مراحل آسان به دست نیامده، زحماتی کشیده شده تا به دست آمده و این چنین تنظیم شده است و اگر الهامات و فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام نبود، ما کجا می‌توانستیم این راه با عظمت را پیدا کنیم. این راه، راه قرآن و عترت است، راه صحیح

ائمه اطهار علیهم‌السلام و همان تعالیمی است که پس از ظهور، مردم باید بر اساس آن خود را تزکیه کنند و به کمالات برسند. پس خوب خودتان را بسازید و شرح صدر پیدا کنید، تا بتوانید به وسیله این مراحل دست مردم بعد از ظهور و اگر موفق‌تر بودید، دست مردم قبل از ظهور را بگیرید و به کمالات روحی و تزکیه نفس برسائید.^(۱)

امکانات کره زمین امروز در دست شیاطین است

البته بعد از ظهور امکانات کره زمین به شما داده می‌شود و می‌توانید جمعیت کره زمین را به راه پاکی و سیر الی الله هدایت کنید، در صورتی که این امکانات امروز در دست شیاطین است و با تمام قوا مردم را به راه هوای نفس و شیطنت و غفلت سوق می‌دهند و این‌ها دجال هستند، یعنی حق را می‌پوشانند و باطل را آشکار می‌کنند. زمان ما، زمان دجال‌ها است؛ که دین و قرآن و اهل قرآن و عترت را ضعیف می‌کنند و کوچک و ناچیز می‌شمارند و می‌گویند ای بابا این‌ها مال گذشته است، اینها تحجر است و می‌ترسم اگر قدری بیشتر توضیح بدهم با بعضی اشخاص تطبیق کند؛ این‌ها فکرشان تاریک است، نور ندارد و حق و حقیقت را، عقب افتادگی می‌بینند و جلوه‌های دنیا و باطل را، روشن فکری می‌پندارند، در حالی که

حقیقت هیچ‌گاه عوض نمی‌شود و مثلاً چون صدها میلیون سال قبل شب و روز وجود داشته، نمی‌شود بگوییم اعتقاد به روز و شب تحجّر است، علم که تحجّر نمی‌شود؛ علم، علم است، ولو صدها میلیارد سال بر آن بگذرد، و قرآن و سخنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام علم است و علم حقیقت است و تغییر ناپذیر؛ و متحجّرین واقعی کسانی هستند که به علم حقیقی سر تسلیم فرود نمی‌آورند و به دنبال تمایلات نفسانی خود هستند.

پس سعی کنید خودتان را بسازید تا الگو و امام برای اهل تقوا بشوید و این امامت شما بر اهل تقوا، بستگی به میزان علم و ظرفیت شما دارد؛ بعضی ممکن است یک نفر را هدایت کنند، بعضی ممکن است ده نفر و بعضی بیشتر، مهم آن است که به این مقام برسید و راهش همین مراحل و همین صراط مستقیم است.^(۱)

مهم آن است که در خانه اخلاق داشته باشید

کوشش کنید لااقل خانواده‌هایتان را تربیت کنید و امامت کنید و آن‌ها شما را الگو قرار دهند و این خیلی مهم است، چون در خانه، انسان بیش از هر جای دیگر آزاد است و دستش برای هر عملی که

می‌خواهد انجام دهد، باز است و لذا آزمایش اخلاق و کنترل نفس، در خانه مهم‌تر و مشکل‌تر از جامعه است که انسان در جامعه خیلی ملاحظات دارد و هر عملی را انجام نمی‌دهد.

شما وقتی خودتان را کاندید رسیدن به مقام امامت بر متقین کردید و مثل بعضی از اولیاء خدا که من دیده بودم، در دعای قنوتش می‌خواند: «و اجعلنا للمتقین اماماً» این دعا را خواندید، دیگر باید رفتارتان با قبل فرق کند و با خودتان بگویید من باید برای اهل تقوا، الگو باشم و اعمالم و گفتارم آنها را به تقوی و حرکت به سوی خدا دعوت کند و این را هم بدانید که این دعا: «و اجعلنا للمتقین اماماً» در حقیقت، دعا برای ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است، چون دارد می‌گوید: خدایا همه مردم اهل تقوا بشوند و ما بتوانیم آنها را در راه سیر الی الله کمک کنیم! و معلوم است که تا ظهور نشود، عموم مردم دنیا اهل تقوا نخواهند شد؛ پس شما با این دعا می‌خواهید دانشگاه ظهور باز شود و شما از معلمین آن باشید؛ مثل این که در اثر شلوغ کاری دانشجویان، دانشگاه تعطیل شده و شما از مدیریت دانشگاهش تقاضا می‌کنید، دانشگاه بازگشایی بشود و شما یکی از معلمین آن باشید.^(۱)

خود را به منبع علم و آب حیات بخش کوثر متصل کنید

ان شاء الله کوشش کنید آب علم و حکمت از سد عظیم علوم وحی و کوثر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به قلب و زبان و قلم و حتی اعمال و رفتار شما جاری بشود، زیرا خیلی وقت‌ها است که عمل انسان به اخلاق انسان حکیمانه است و تأثیر عمیقی بر روح مردم می‌گذارد. چرا؟ چون روح‌تان حکیم شده و اعمال‌تان را حکیمانه کرده است و زبان و چشم و گوش و اخلاق و همه چیز شما قطره‌ای از آب حیات بخش کوثر است و دیگران را به تقوی و به سوی خدا هدایت می‌کند؛ اگر چنین کردید، اینها جوی حکمت است که از سد کوثر و علم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به قلب و زبان شما جاری شده و مردم را زنده می‌کند و ما الان نمی‌دانیم این دریا و اقیانوس عظیم علم که از کتاب علی علیه السلام سرچشمه گرفته، چه اهمیتی دارد؛ چرا؟! چون زمان تاریک است و روشن نیست، تا عظمت این سد و این دریای عظیم را در روشنایی ببینیم و این بالاترین مصیبت برای ما در این عصر است که مردم همه تشنه لب باشند و از علم امام زمانشان محروم! چون زمان، زمانی است که به جای اسم حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) اسم رئیس جمهور آمریکا، در رسانه‌ها شنیده می‌شود و تا کسی از امام زمان علیه السلام قدری بیشتر حرف می‌زند، شیطان نمی‌تواند تحمل کند

و افرادش را وادار می‌کند او را اذیت کنند، تهمت بزنند، او را در نظر مردم منفی جلوه دهند، تا نام امام زمان علیه السلام برده نشود.

امیدوارم این مصائب بر ما آسان بشود و خداوند تحمل این مصائب را بر ما آسان بفرماید. و هر چه سریع‌تر فرج امام زمان عزیزمان را برساند. (۱)

چرا مردم امام زمان علیه السلام را صدا نمی‌زنند؟

به راستی وقتی عده‌ای در محاصره سیل، زلزله، یا دشمنی خونریز قرار گرفته باشند بیشترین توجهشان به چیست؟

آیا توجه آنان به طور کامل و صددرصد به سوی نیروهای نجات دهنده معطوف نمی‌شود؟

آیا در یک ساختمان آتش گرفته توجه افرادی که در محاصره آتش‌اند به نیروهای آتش‌نشان جلب نمی‌شود و مأمورین امداد را با تمام وجود صدا نمی‌زنند؟

آیا در میان امواج دریا که شخصی در حال غرق شدن است و دست به طرف شما دراز می‌کند تمام توجهش به شما نیست؟

پس چرا در امواج سهمگین فسادهای امروز جامعه بشری که

اکثریت مردم در حال غرق شدن هستند نجات دهنده خود امام زمان علیه السلام را صدا نمی‌زنند؟

چرا در این ساختمان آتش گرفته جامعه مترقی امروزی که در عین مجلل بودن و پیشرفته بودن شعله‌های فساد و خونریزی و ظلم و فقر و دروغ‌گویی و ایجاد فتنه و آشوب در اکثر جاهای آن زیانه می‌کشد، مردم مأمور نجات خود حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را که خداوند برایشان فرستاده صدا نمی‌زنند و به او توجه ندارند؟

چرا مردم جهان که در محاصره سیل شهوات که آنان را به سوی جهنم می‌برد قرار گرفته‌اند، به منجی انسانها که خداوند بزرگ توسط انبیاء گرامی‌اش همچون حضرت عیسی علیه السلام و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوید ظهورش را داده توجه نمی‌کنند و برای درمان دردهای جامعه بشری اجلاس‌های بین‌المللی جهت شناخت آن حضرت ترتیب نمی‌دهند و راه‌های رسیدن به حکومت جهانی‌اش را بررسی نمی‌کنند و چرا ما شیعیان که اعتقاد دقیق‌تری به آن حضرت داریم و وجود مقدسش را زنده و حاضر در میان بشر می‌دانیم نباید در این هدف مقدس پیشگام باشیم؟

آیا باید بنشینیم تا هر وقت جهان به نور جمال آن حضرت روشن شد تصمیم بگیریم جهانیان را با آن حضرت آشنا کنیم؟^(۱)

زبان حال امام زمان علیه السلام

آیا باید این سخن و زبان حال را از آن حضرت بشنویم که شما برای من کاری نکردید، مرا به دنیا معرفی نکردید، مردم دنیا اگر مرا می‌شناختند با جان و دل مرا می‌خواستند؟

شما که به من معتقد و نام خود را شیعه من گذاشته بودید به من بی‌توجه بودید و من نیز همچون جدم سیدالشهداء علیه السلام در دنیای امروز غریب و تنها مانده‌ام.

همه جا سخن از همه چیز هست جز من، در حالی که خداوند مرا برای نجات بشریت از گرداب فساد و سیل شهوات و آتش فتنه و اختلاف به میان مردم فرستاده تا آنها را نجات دهد. ولی هر چه من دست به سوی آنان دراز می‌کنم، آنان دست به دست من نمی‌دهند و اصرار دارند در فساد بمانند.

آیا من تنها نمانده‌ام؟

اگر تنها نبودم که ظهورم صورت گرفته بود!

این است اوج تنهایی آن حضرت در میان شیعیانی که امکانات عظیم فرهنگی و مالی را دارا هستند ولی نیروهای خود را برای شناساندن آن حضرت به جهانیان بسیج نمی‌نمایند.

اگر امام زمان (ارواحنا فداه) در میان مردم بی‌اعتقاد، تنها مانده بود

خیلی تعجب نداشت.

ولی وقتی در میان شیعیانش که می‌توانند توجه مردم دنیا را به سوی آن حضرت جلب نمایند، فراموش شده باشد جای بسی تعجب است و حکایت عمیقی از غربت و تنهایی آن حضرت دارد و مانند این است که یک پدر مهربان در خانه خود هم غریب باشد.^(۱)

فکر می‌کنیم ظهور امام زمان علیه السلام در زمان ماصورت نمی‌گیرد

همان طور که گفته شد علت اصلی فراموشی ما از آن حضرت دو چیز است:

یکی آن که فکر می‌کنیم در زمان ما ظهور آن حضرت انجام نمی‌شود و آن را بعید می‌دانیم.

دوم آنکه باورمان نیامده حرکت و یکپارچگی ما در اینکه ظهور مقدس آن حضرت را از خداوند تقاضا کنیم، باعث فرج و قیام آن حضرت خواهد شد.^(۲)

ظهور امام زمان علیه السلام در یک قدمی ما است

حضرت امام هادی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

«اذا رفع علمکم من بین اظهر کم فتوقّعوا الفرج من تحت اقدامکم».

«وقتی امام زمانتان غائب شد فرج را به مانند نزدیکی زمین زیر پایتان، به خود نزدیک بدانید».^(۱)

یعنی همان طور که زمین زیر پایتان نزدیک‌ترین چیزها به شماست اگر به آن نگاهی بیندازید، هم چنین اگر توجه به امام زمان علیه السلام و فرج آن حضرت داشته باشید و چشم از آن حضرت برندارید و دسته جمعی و یکپارچه فرجش را بخواهید، ظهور آن حضرت بمانند زمین زیر پایتان به شما نزدیک است.

وقتی انسان چیزی را بخواهد و آن چیز به تلاش و عمل او بستگی داشته باشد، رسیدن به مقصد در یک قدمی اوست و ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) از همین قبیل است.

ظهور آن حضرت در یک قدمی ماست زیرا این ما هستیم که باید خواستار ظهور حق و عدالت به دست آن حضرت شویم و آمادگی خود را اعلان نمائیم در صورتی که در حال حاضر بسیاری از مردم از ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) هراس دارند و آن را بر هم زننده وضعیت موجودی که به آن راضی هستند می‌دانند.

ظهور امام زمان علیه السلام به مانند «توبه» صادقانه و نصوح است که برای

هر فردی توبه نصوح در یک قدمی اوست و هیچ کس نمی‌تواند بگوید هنوز خیلی مانده من توبه کنم و از گناه دست برداشته و به سوی خدا برگردم.

آیا فردی که از جاده منحرف شده و به انحراف می‌رود (مانند گنهکاران) وقتی متوجه شد راه را اشتباه آمده، آیا می‌تواند بگوید هنوز زود است به جاده بازگردم؟

آیا صحیح است جامعه‌ای که می‌داند امام زمان علیه السلام را فراموش نموده و هر روز بیش از گذشته در این راه به پیش می‌رود و قرن‌هاست در دوری از جاده الهی (یعنی امام زمان علیه السلام) سرگردان مانده، باز هم بگوید هنوز زود است به جاده برگردیم و وقت آن نرسیده ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) را طلب کنیم؟

بنابراین همان گونه که فرد حق ندارد توبه و بازگشت به سوی خدا را به تأخیر بیندازد، جامعه هم حق ندارد توبه و بازگشت اجتماعی به سوی خدا که همان درخواست ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) است را به تأخیر بیندازد و خود را از توبه و بازگشت به قوانین سعادتبخش حق و فضیلت و حکومت منجی آخر الزمان محروم نماید.^(۱)

از هر صد نفر فقط یک نفر از ته قلب دعا می‌کند

یکی از دوستان و عاشقان حضرت ولی عصر علیه السلام در مکاشفه‌ای آن حضرت را زیارت نموده‌اند و دیده‌اند که حضرت بسیار غمگین و ناراحت و در حال گریه هستند، ایشان می‌گویند: من در آن حال به حضرت عرض کردم: آقا جان، ای سرورم، چرا این قدر گریه می‌کنید؟ فرمودند: شیعیان مرا نمی‌خواهند!

عرض کردم: آقا جان، قربانتان بروم، اکثر مردم شما را می‌خواهند و دوستان دارند و همیشه دعا می‌کنند و فرج شما را از خداوند متعال مسألت می‌نمایند.

فرمودند: «از صدتا، یکی از آنها از ته قلب برای فرج من دعا می‌کنند.»^(۱)

اگر شیعیان... انقلاب می‌کردند

آن حضرت در ادامه فرمودند:

«اگر فقط شیعیان ایران، یک بار انقلاب می‌کردند برای ظهور من، خداوند ظهور و فرج مرا می‌رساند.»

آری، گِله آن حضرت از ما شیعیان همین است که چرا به طور

یکپارچه و فراگیر ظهور آن حضرت را نمی‌خواهیم.

اگر کسی مایل نبود کلام آن حضرت را که در مکاشفه فوق نقل شده بشنود و گوشش برای شنیدن حرف حق باز نیست، نامه رسمی امام عصر (ارواحنا فداه) به شیخ مفید رحمته الله را که نمی‌تواند انکار کند و حجیت آن را منکر شود که حضرت در آن نامه می‌فرمایند:

«و لو ان اشياعنا و فقهم الله لطاعته على اجتماع من القلوب فى الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة منهم بنا...»^(۱)

اگر شیعیان ما - که خداوند به بندگی خویش موفق‌شان فرماید در وفا به عهدی که با ما دارند یکپارچه و یکدل می‌شوند هرگز میمنت ملاقات ما از آنها به تأخیر نمی‌افتاد و به یقین خیلی سریع به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند، آن هم دیداری بر اساس معرفت حقیقی از سوی آنان به ما...

پس قطعاً اگر ما بخواهیم ظهور حضرت نزدیک است...^(۲)

دین‌گریه می‌کند

دین‌گریه می‌کند...

قرآن گریان شده است...

چشم‌های مؤمنین اشک می‌ریزد...

اینها جملاتی است که از زبان امام عصر (ارواحنا فداه) یعنی امام زنده و حاضری که در میان ما به سر می‌برد بیان گردیده است.

این کلمات از لب‌های گهربار مظلوم‌ترین عزیز پروردگار خارج گشته است.

عزیزی فراموش شده که جهان در انتظار اوست.

کسی که تنهای تنها زندگی می‌کند،

کسی که جامعه بشریت همچون سلول‌های بدن که به قلب نیازمنداند، به او نیاز دارد.

طیبی که از طرف پروردگار عالم برای مداوای جامعه بشریت به بالای بستر او آمده تا او را از دست غده‌های سرطانی و مرگبار نجات دهد.

آیا دیده‌اید مریضی بیهوش را که بر تختی افتاده باشد و غده‌های سرطانی سراسر وجودش را فراگرفته باشند و از جای جای بدنش خون بیرون می‌ریزد و از هوش رفته و هذیان می‌گوید، ولی در عین حال به طبیب مهربان هنوز اجازه مداوا نمی‌دهد؟

آن طبیب مهربان هم به گوشه اطاق رفته و منتظر مانده است،

یک ساعت،

یک روز،

یک ماه،

یک سال،

ده سال،

یک یا دو قرن،

نه، او بیش از یازده قرن و نیم شبانه روز چشم انتظار ما است.

با آنکه قلبش پر از محبت به ما است ولی از ما گله دارد.

دلش چون دریایی موج پر از محبت است که اگر در کنار ساحل آن بنشینی گاه گاه اشک‌های دیده‌اش چون امواجی نرم ساحل دیدگان غمگینش را می‌شوید و باز به درون دل برمی‌گردد.

او ناله می‌کند و غصه‌ها را در سینه نگه می‌دارد،

او به دنبال هم دردی می‌گردد که با هم اشک بریزند،

اشک او عرش را می‌لرزاند،

گریه او قرآن را تکان می‌دهد،

غم‌های او دیدگان مؤمنین را چون ابری در حال بارش پر از قطرات اشک می‌کند.

خدایا چه شده،

چه مصیبتی پیش آمده که:

قرآن گریه می‌کند، دین گریه می‌کند و چشم‌های مؤمنین گریان شده است.

خدایا چه شده که حجّت تو،

آن نماینده معصوم تو،

آن وعده حتمی تو به خلق جهان، که می‌آید و عالم را اصلاح می‌کند، اکنون چون جدّ غریبش امیرالمؤمنین علیه السلام که سر در چاهی می‌کرد و دردهایش را به چاه می‌گفت،

می‌آید و در کنار ضریح مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام ناله سر می‌دهد و با خدای خود چنین درد دل می‌کند که:

خدایا دین تو گریان شده

قرآن گریه می‌کند...

این‌ها فرازهایی از دعای شریفی است که امام زمان علیه السلام غریبانه و مظلومانه در کنار ضریح مطهر حضرت علی علیه السلام قرائت نموده‌اند و متن دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم هذا دينك اصبح باكياً لفقديك فصلّ على محمد وآل محمد
و عجل فرج وليك رحمةً لدينك.

اللّٰهُمَّ وَ هَذَا كِتَابِكَ اصْبِحْ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِّكِتَابِكَ.

اللّٰهُمَّ وَ هَذَا اَعْيُنَ الْمُؤْمِنِينَ اصْبَحْتَ بَاكِيَةً لِفَقْدِ وَلِيِّكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

یعنی پروردگارا، این دین تو است که اکنون به خاطر فقدان (و عدم دسترسی مردم به) نماینده تو و جانشین تو در زمین گریان شده، پس خدایا رحمت خاص خود را بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ نازل فرما و در ظهور آن حضرت عجله کن تا به دینت رحم کرده باشی (و آن را از غربت به در آوری).

پروردگارا، این قرآن تو است که اکنون در فراق ولایت (حججه ابن الحسن علیّه السلام) گریان شده، پس رحمت خاص خود را بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ فرو ریز و در ظهور آن حضرت شتاب کن تا به کتابت رحم کرده باشی (و غبار غم از چهره آن بزدايي).

ای محبوبم، ای پروردگار مهربان! و این چشم‌های مؤمنین است که در فراق ولایت (امام زمان علیّه السلام) گریان شده، پس صلوات و رحمت بی‌پایانت را بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ فرو ریز و در فرج آن حضرت عجله کن تا به مؤمنین رحم کرده باشی.

پروردگارا، رحمت خاص خود را بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فروریز. (۱)

ما هم این دعا را بخوانیم

بسیار مناسب است دلسوزان و شیفتگان و زمزمه کنندگان ناله‌های فراق و آنان که می‌خواهند درد فراق را با پروردگار مهربان بازگو نمایند و از او فرج موعود انبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام را بخوانند، این دعای شریف را در قنوت نمازهایشان یا پس از هر نماز یا در هر وقتی که سوزش اشک چشم‌هایشان را گرم کرد و دل‌هایشان برای امام عصر (ارواحنا فداه) تنگ شد، بخوانند و با جملاتی که خود آن حضرت برای فرج خود دعا فرموده‌اند ظهور آن حضرت را طلب نمایند.

شیعیان ما، ما را نمی‌خواهند...

اگر می‌خواهید بدانید چرا دین‌گریه می‌کند و چرا قرآن اشک می‌ریزد، باید با ما به مسجد جمکران بیایید تا جواب سؤالمان را از آنجا بگیریم.

مرحوم حاج محمد علی فشنیدی تهرانی که یکی از اخیار جامعه

۱ - درد دل امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، صفحه ۲۵ و راهی به سوی نور، صفحه ۱۶۹.

شیعه است و به تازگی از دار دنیا رحلت فرموده، برای بعضی از علماء (یعنی جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای قاضی زاهدی (دامت توفیقاته)) نقل فرموده بود:

در مسجد جمکران قم اعمال را به جا آورده و با همسرم می‌آمدم، دیدم آقای نورانی داخل صحن شده و قصد دارند به طرف مسجد بروند، گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان از راه رسیده و تشنه است، ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد، پس از آنکه ظرف آب را پس داد، گفتم:

آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک گردد.

فرمود: «شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد».

(یعنی اگر به اندازه‌ای که یک انسان عطش دارد و مشتاق نوشیدن کمی آب است، شیعیان نیز عطش ما را داشتند و برای دست یابی به ظهور و فرج و حکومت ما به این سو و آن سو می‌دویدند و آب حیات را جستجو می‌کردند یقیناً به ظهور و فرج ما دست می‌یافتند.)

سپس مرحوم آقای فشندی فرمود:

پس از شنیدن این جمله، تا نگاه کردم آقا را ندیدم، فهمیدم وجود

مقدس امام زمان (ارواحنا فداه) را زیارت کرده‌ام و حضرتش امر به دعا فرموده است.^(۱)

چرا دین گریه می‌کند؟

اکنون با توجه به این تشرّف معتبر، جواب سؤال خود را می‌یابیم که: گریه دین برای چیست؟

به خاطر غفلت ما شیعیان از امام عصر (ارواحنا فداه)،

به خاطر به فراموشی سپردن آن حضرت،

به خاطر آنکه ظهور مقدسش را بسیار دور می‌دانیم،

به خاطر آنکه تبلیغات منفی شیطان علیه آن حضرت را باور

کرده‌ایم! به خاطر این که آن حضرت را آن طور که باید شناخته‌ایم و

برای فرجش کاری نمی‌کنیم،

به خاطر آنکه در میان ما شیعیان یاد و نام امام زمان علیه السلام کمترین

سهم را به خود اختصاص داده است،

و خلاصه آنکه قرآن اشک می‌ریزد و دین گریه می‌کند و مؤمنین

حقیقی ناله سر می‌دهند به خاطر آنکه به شیطان فرصت داده‌ایم تا

سخنان خود را به ما بقبولاند که اگر کسی زیاد از امام زمان علیه السلام حرف

۱ - شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، جلد ۱، صفحه ۱۴۷.

زد آدم صالحی نیست و نباید زیاد از آن حضرت حرف زد و بدین وسیله خودمان با دست خود موجب شده‌ایم نام آن حضرت برده نشود و آن رهبر بزرگ جهان انسانیت به فراموشی سپرده شود.

آری، گریه قرآن و دین به خاطر آن است که امام زمان (ارواحنا فداه) در میان ما مطرح نیستند زیرا خود آن حضرت در همین تشرّف فرموده‌اند:

اللّٰهُمَّ هَذَا دِيْنُكَ اصْبِحْ بِاِكْيَافٍ لَقَدْ وَلَيْتُك...

کلمه لفقْد و لیتک بیانگر علت گریان بودن دین، قرآن و چشم‌های مؤمنین است،

یعنی: خدایا برای آنکه ولّیت حجه ابن الحسن علیه السلام در میان ما مفقود گشته و به فراموشی سپرده شده، دینت گریان شده است. (۱)

چگونه دعا کنیم و چگونه فرج را بخواهیم

باید تمام توجه‌مان به سوی آن حضرت و ظهور مقدسش باشد و مردم را چنان به سوی آن حضرت سوق دهیم که خودشان در خلوت خانه‌ها و در همه اوقات دست به دعا بردارند و مانند آنکه برای فرزند دل‌بندشان که در بیمارستان بستری است از سوز دل دعا می‌کنند برای

فرج آن حضرت هم همین طور دعا کنند، آیا چنین هستیم؟
خود آن حضرت در این تشرّف بر نقطه درد دست گذاشته و به راه
حل اشاره فرموده‌اند که:

«اگر شیعیان ما را می‌خواستند دعا می‌کردند و فرج می‌رسید.»

کسی که تشنه لب است و ادامه تشنگی را برای خود زیانبار
می‌بیند آیا بی‌تفاوت می‌نشیند؟

آیا زمان آن فرا نرسیده است که کمی به فکر روح تشنه خود
باشیم؟ که تشنه آب گوارای پروردگار است و از شدت عطش بی‌رمق
گشته است؟ آب حیات علم و عصمت که در اقیانوس بی‌کران قلب آن
حضرت موج می‌زند و قطره‌ای از آن جهان را از ظلم و مرگ و نیستی
نجات می‌بخشد.

در جایی که رسانه‌های گروهی در مدت چند روز قادرند تمام
توجه مردم را به سوی یک چیز سوق دهند و حتی آن را وادار نمایند
که برای پیروزی یک تیم فوتبال دست به دعا بردارند آیا نمی‌توانند آن
را چنان متوجه امام زمان (ارواحنا فداه) نمایند که برای ظهور آن
حضرت به طور جدّی و از اعماق قلب دعا نمایند و باور کنند که اگر
چنین کنند در همین زمان دعاهایشان باعث ظهور آن حضرت خواهد
شد؟

چرا، می‌توانند، ولی شیطان در دل‌ها وسوسه کرده است که معلوم نیست ظهور امام زمان علیه السلام با فعالیت و تلاش ما انجام شود. باور کرده‌اند که تلاش آنان اثری در جلو افتادن ظهور آن حضرت نخواهد داشت.

فکر می‌کنند سخن از امام زمان علیه السلام هم مانند سخن از وقایع تاریخی است که تا سالگرد یا مناسبتش فرا نرسیده، نمی‌توان به آن پرداخت.

آیا این گونه فکر کردن گریه ندارد؟

آیا امام زمان علیه السلام این قدر غریب است که باید مناسبتش فرا رسد تا یادی از او کنیم؟^(۱)

پس باید چه کرد... گریه؟

گریه عقده دل را می‌گشاید،

گریه فریاد اعتراض است،

گریه وسیله رسیدن به خواسته‌ها است،

آیا می‌دانید چرا کودکان برای رسیدن به خواسته‌هایشان گریه می‌کنند؟

چون خود را عاجز می‌بینند و می‌خواهند با گریه، پدر و مادر را تسلیم خود نمایند.

ما هم باید چنین کنیم و علاوه بر تلاش و کوششی که در راه رسیدن به ظهور آن حضرت می‌توانیم از خود نشان دهیم (در اصلاح اخلاق و اعمال خود از بُعد فردی و اجتماعی بکوشیم)، گریه بر این مصیبت اصلی را یکی از برنامه‌های اصلی خود قرار دهیم.

بر همین اساس به شیعیان دستور داده شده دعای ندبه (یعنی دعای گریه و ناله با صدای بلند) را در زمان غیبت خصوصاً در مهمترین روزهای زندگی (روز جمعه، عید فطر و قربان و عید سعید غدیر) بخوانند و مصیبت اصلی را فراموش ننمایند.

آری باید بگرییم و در حقیقت بر خود اشک بریزیم که چقدر محروم مانده‌ایم و حدود چهارده قرن^(۱) است که از نور خورشید هدایت و امامت محروم مانده و به مرگ روحی و حتی جسمی (جنگ‌ها و خونریزی‌ها و فقر و وسیع) دچار گشته‌ایم.

گریه‌ای که از این خواب غفلت بیدارمان کند و به ما بیاوراند که اشتباه کرده‌اید برخیزید و امام زمانتان را دریابید که او منتظر شماست و دست خویش را به سویتان دراز کرده است.^(۲)

۱ - یعنی از روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام خانه‌نشین شد.

۲ - در اوج تنهایی، صفحه ۵۴.

اگر ما بخواهیم ظهور نزدیک است

اگر ما بخواهیم ظهور امام زمان علیه السلام نزدیک است، می‌دانید چرا؟
زیرا ظهور امام زمان علیه السلام می‌تواند به دو نحوه صورت پذیرد: یکی آن که مردم یکپارچه شوند و آن را از خدای بزرگ بخواهند و دیگر آن که مردم دست روی دست گذاشته و منتظر وقوع حوادث بنشینند تا پیمانۀ ظلم و ستم و دوری از خدا (زمان غیبت امام زمان علیه السلام) پر شود و در نهایت خداوند فرج را در آخرین زمان ممکن انجام دهد.

بدیهی است سفارش خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام آن است که مردم بی تفاوت نباشند و برای تعجیل و ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) تلاش نمایند، فعالیت کنند و یکپارچه شوند که اگر چنین کنند ظهور انجام خواهد شد و به پر شدن پیمانۀ زمان غیبت بستگی ندارد.

شاهد بر این مطلب روایتی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آن حضرت می‌فرمایند:

وقتی عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، تا چهل روز در پیشگاه الهی ناله و زاری کردند و فرج و رهائی خود را خواستار شدند، آنگاه خداوند به حضرت موسی و هارون وحی فرمود که بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهند، در نتیجه از صد و هفتاد سالی که به فرج (حضرت موسی علیه السلام) باقی مانده بود صرف نظر شد (و به ده سال

تقلیل یافت).

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود:

شما (شیعیان) هم اگر چنین کنید (فرج ما را بخواهید) خداوند فرج ما را می‌رساند ولی اگر دست روی دست بگذارید و چنین دعا نکنید (با درخواست واقعی و دلشکستگی و به طور یکپارچه) وقتی کار به نهایت خود رسید (ادامه ظلم و ستم را خداوند جایز ندانست) فرج می‌رسد^(۱).

بنابراین اگر مردم (حداقل شیعیان) متحد و یکپارچه شده، فرج حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را بخواهند فرج به سرعت فرا خواهد رسید ولی اگر چنین نکنند و مثل زمان حاضر و پیش از این بگویند خدا خودش فرج را می‌رساند و به کار زندگی خود مشغول باشند، فرج مرتباً به تأخیر می‌افتد چنان که تاکنون قرن‌ها و صدها سال است به خاطر بی‌تفاوتی مردم به تأخیر افتاده است.^(۲)

زمان غیبت یعنی زمان گریه

بنابراین زمان غیبت یعنی زمان گریه،

یعنی زمان محرومیت،

۱ - بحارالانوار جلد ۵۲، صفحه ۱۳۱ و مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۳۸۱.

۲ - در اوج تنهایی، صفحه ۵۷.

یعنی زمان افسردگی،

یعنی زمان خونریزی و اختلاف بشر،

یعنی زمان تکبر و گردنکشی و زیر بار سخن حق نرفتن چرا که بزرگترین سخن حق، دستور اطاعت از امام معصومی است که رهبر و نجات دهنده بشر می‌باشد و خانه‌نشینی یا به عبارت دیگر غیبت او نتیجه این تکبر و گردنکشی فراگیر در جامعه بشری است که بر آنان تحمیل شده است.

زمان غیبت یعنی زمان سرگردانی و بی‌هدفی عمومی زیرا اگر چنین نبود جامعه از رهبر حقیقی خویش محروم نمی‌گشت و محرومیت از این رهبر معصوم چیزی جز محرومیت از علم و هدایت الهی نیست و محرومیت از علم و هدایت مساوی است با سرگردانی و بی‌هدفی.^(۱)

آیا مثل بنی اسرائیل شده‌ایم که...

آیا باید بگذاریم، آن حضرت خود همه کارها را انجام دهند؟

آیا مانند امت حضرت موسی علیه السلام شده‌ایم که گفتند:

«ای موسی! تو و خدایت بروید جنگ کنید، ما اینجا نشسته‌ایم، هر

وقت پیروز شدید ما هم می‌آئیم.»

آیا با خود می‌اندیشیم امام عصر علیه السلام خودشان باید بیایند و کارها را درست کنند، از ما کاری ساخته نیست؟

مگر آن حضرت از ما چه خواسته‌اند که از ما ساخته نیست؟

آیا از ما خواسته‌اند جهان را پر از عدل و داد کنیم؟

آیا از ما خواسته‌اند قدرتمندان ظالم و طاغوتی عالم را سرنگون کنیم؟... نه! این طور نیست بلکه از ما خواسته‌اند که برای فرج آن حضرت دعا نموده و آن حضرت را به دنیا بشناسانیم.

عصر، عصر تبلیغات است و ما هم امکانات تبلیغاتی را در اختیار داریم و می‌توانیم از طریق هنر، فیلم، مجلات و روزنامه‌ها و سایر وسایل تبلیغاتی، انقلابی فرهنگی و فکری در جهان ایجاد و آنان را با منجی بزرگ خویش که انتظار ظهورش را می‌کشند آشنا و حتی آنان را مشتاق دیدار حضرتش نمائیم.^(۱)

من خیلی تنها هستم

یکی از روحانیین شیفته حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) که جمعی از علماء بزرگ شیعه به وثاقت و درستی او گواهی می‌دهند و

او عمری را با یاد آن حضرت سپری نموده و سال‌ها کوشیده تا نفس خود را تحت تربیت آن حضرت قرار دهد، می‌گفت:

روز ۳۰ صفر سال ۱۴۱۹ هجری قمری (مطابق با ۴ تیر ۱۳۷۷) که پس از نماز صبح ذکرهایم را گفته بودم و با طلوع آفتاب برخاستم که استراحتی کنم طبق معمول که خطاب به سیدالشهداء علیه السلام می‌گفتم:

«السلام علیک یا مظلوم» می‌خواستم این جمله را بگویم، ولی به ناگاه حس کردم کشش خاصی دارم که آن را خطاب به مولایم حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) بگویم، و لذا آن را خطاب به آن حضرت گفتم. احساس عجیبی به من دست داده بود، این حالت برایم غیر عادی بود و طبق ارتباطات روحی و قلبی که با امام عصر (ارواحنا فداه) پیش از این داشتم متوجه شدم هم اکنون توجه خاصی از سوی آن حضرت به من شده و می‌خواهند حقیقتی را به من بگویند و تفهیم نمایند.

ناگاه با تمام وجود احساس کردم مولایم حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) در این لحظات، بسیار احساس غربت و مظلومیت دارند و حتی سخن آن حضرت را با گوش دلم شنیدم که می‌فرمایند:

«من خیلی تنها هستم، مردم در یک طرف هستند و برای خود زندگی می‌کنند و من هم در یک طرف تنها مانده‌ام»

من خیلی غمگین شدم، با همه وجود به آن حضرت عرض کردم:

آقا جان دوست دارم بتوانم برای رفع غربت شما کاری کنم، جانم، مالم و هرچه دارم را فدای شما کنم.

بعد با خود فکر کردم مگر من چه امکاناتی دارم که بتوانم در سطح وسیع موجب رفع غربت آن حضرت شوم، دستم که به جایی نمی‌رسد، طلبه ساده‌ای هستم که هیچ رسانه‌ای در اختیارم نیست تا کاری کرده باشم و به همین جهت به آن حضرت عرض کردم:

مولاجان، من آماده هر فداکاری هستم و خودتان این را می‌دانید، ولی این را هم خوب می‌دانید که کار مهم اثر بخشی از من ساخته نیست.

آقا فرمودند: می‌دانم از تو ساخته نیست ولی می‌خواستم در این غربت و تنهایی تو همدردم باشی.

آن عزیز دلسوخته می‌گفت: من وقتی این جمله را از مولایم شنیدم، آتش گرفتم و بی اختیار نشستم برای آن حضرت گریه کردم و اشک ریختم. آنجا معنی گریه خالصانه بر حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را فهمیدم و دیدم هیچ مقصدی از این گریه جز همدردی و سوختن در فراق محبوبم ندارم.

باز بغض گلویم را گرفت و با خود گفتم: بین آقا چقدر غریب هستند که به من چنین اظهار درد کرده و غم‌های خود را به من که طلبه‌ای ناچیز هستم بازگو می‌فرمایند.

آخر چرا ما مردم مسلمان که پس از داشتن نعمت‌های عظیمی چون زندگی در نظام جمهوری اسلامی و امنیت و آرامش که به دست مبارک آن حضرت و با فدا شدن صدها هزار شهید و معلول شدن هزاران جانباز و شهادت علماء و بزرگان دین به این کشور داده شده، باید این قدر کم به فکر آن حضرت باشیم و به همه چیز توجه داشته باشیم جز به آن حضرت؟...

در اینجا فهمیدم که امام زمان علیه السلام خیلی غریب و مظلوم هستند و من اگر چه به تنهایی نمی‌توانم کار قابل توجهی در زمینه سازی ظهور حضرت انجام دهم ولی نباید ناامید شوم و بلکه به هر شکل که می‌توانم در راه یاری آن حضرت قدم بردارم و همواره برای فرج آن بزرگوار دعا نمایم.^(۱)

کلید سعادت در دست‌های ماست

با توجه به آنچه از روایات آخرالزمان خواندیم در می‌یابیم که تمامی نشانه‌های ظهور امام عصر علیه السلام صورت گرفته است و تنها چند نشانه حتمی که مربوط به شب و روز و ایام نزدیک ظهور است باقی مانده است. از طرفی ما در زندان تاریکی، رنج، تباهی و خستگی

غیبت گرفتاریم و از طرفی راه نجات از این زندان تاریک را می‌دانیم، پس حالا که راه نجات از این زندان را بلد هستیم آیا سزاوار است که خود را نجات ندهیم و همچنان در تاریکی باقی بمانیم؟! آیا نباید به سوی نور حرکت کنیم؟ آن هم با این همه سفارش‌ها و پیغام‌ها که از ناحیه امام عصر علیه السلام به ما رسیده و آن حضرت مکرر از ما خواسته‌اند که برای فرج آن بزرگوار قدمی برداشته و دعایی نماییم.

پس چه خوب است که ما شیعیان هر چه سریع‌تر از خواب غفلت بیدار شده و دست به دامان آن منجی بشریت شویم و با پاک نمودن نفس خود و با ترویج نام و یاد و معارف آن حضرت و دعا نمودن بسیار، زمینه را برای فرج نورانی‌اش فراهم آوریم.

به خدا قسم! اگر بنخواهیم ما می‌توانیم جزء یاران و زمینه‌سازان ظهور حضرت باشیم، به خدا قسم اگر ما بنخواهیم می‌توانیم به غیبت کبری پایان داده و شاهد زمان ظهور باشیم، آری! کلید سعادت در دست‌های ماست اگر ما خواهان گشایش باشیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

خورشید در حجاب است

در باورم نگنجد خورشید در حجاب است

شاید که این حکایت از قصه‌های خواب است

در شام تیره من مه نیز خسته گشته

از هجر روز خورشید شاید در اضطراب است

گیسوی آسمان را مادر نکرده کوتاه

آری به این بلندی مومایه عذاب است

شب هست و چون شبانی کز گله گشته غافل

در یک ره شبانه پیر است و چون شباب است

انگار شب نه انگار باید تمام گردد

راحت به جا نشسته شب نیز خود به خواب است

عالم به خواب ناز و خورشید چشم در راه

ای وای این چه رسم انسان بی حساب است

او را که حق سرشته با روح پاک آبی

خورشید از گناهِش در شکوه و عتاب است

و آن گوهری که اندر قلب صدف بخندد

اکنون در این سیاهی با رنگ غم خضاب است

در این میان یکی را محبوب دل پسندد
آن کس که در کفش می با ساغر شراب است
قلبی تپان تپان است اندر فراق لیلا
و آن سینه سفید مـجنون بی نقاب است
عشق است در میان این خیمه‌های کوچک
طفلی سفر نموده وین خیمه از رباب است
سیمیای کوکب من در آسمان نهان شد
زین پس دو چشم خونبار ما را و دل کباب است
دنیای ما پریشان از هجر روی خورشید
آدم جدا زمشق و مطرود از کتاب است
سبز است زندگی‌ات سبزی به نام صاحب
بی‌نام و بی‌نشانش این زندگی سراب است

در کتاب پرواز در ملکوت می خوانیم:

آیا تا به حال حالات منتظران را خوانده اید؟
اولیاء خدا چگونه عشق و محبت امام زمان علیه السلام و
روحیه انتظار را در خود بوجود آورده اند؟
در این کتاب شرح حال ۲۰ تن از اولیاء خدا
آمده است.

خاطرات، کرامات، سرگذشت، پندها، مقام های علمی و معنوی،
توسلات، عزاداری، فرمایشات، اهمیت علم اخلاق و تزکیه نفس،
آثار علمی، انس با خدا، پرهیز از غرور، تشرفات، توجه به قدرت
خدا، امدادهای غیبی، آرامش روح، خاطره های نورانی، ریزش
حکمت، گنج های بی پایان، آشنایی با معارف حقه، عاشق و شیفته،
بیداری و تحجد، خصوصیات اخلاقی، اخلاص در عمل، نفس
مطمئن، خلیفه های خدا، بهشت مخصوص، معاشرت، مکارم
اخلاق، کوه صبر و استقامت، این تنها بخشی از فهرست مطالب این
کتاب می باشد.

در کتاب داستانهای شگفت‌انگیز از سیمای زن در آخر الزمان می‌خوانیم:

فصل اول: حکایات

فصل دوم: زنان یاوران امام زمان علیه السلام و وظایف آنان در زمان غیبت

فصل سوم: زنان در آخر الزمان

فصل چهارم: سیمای زن، حجاب پرچم اسلام

فصل پنجم: بانوانی که خدمت امام زمان علیه السلام رسیدند

و عناوینی همچون:

۱- پاداش اطاعت از شوهر ۲- عشق مجازی ۳- برخی از امتیازات

زنان ۴- لباس شهرت ۵- آرایش زنان ۶- وارونه‌های ازدواج

در کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام

در مسجد مقدس جمکران آمده است:

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (که به دستور امام زمان علیه السلام بنا شده است)

پیشگویی‌های حضرت علی علیه السلام در مورد مسجد مقدس جمکران

نقل بیش از ۳۰۰ تشرّف، کرامات و معجزات که در مسجد مقدس

جمکران اتفاق افتاده است

تجدید بنای مسجد مقدس جمکران به امر مبارک امام زمان علیه السلام

بوسیله حسن مثله دیگر

سندیّت و اهمیّت مسجد مقدس جمکران و دیدگاه علماء و مراجع تقلید

۸ صفحه عکس رنگی از بنای قدیم و جدید مسجد مقدس جمکران و

شفا یافتگان

در کتاب دعا کلید مشکلات از زبان امام زمان علیه السلام می خوانیم:

اگر خواهان رفع گرفتاری خود هستید این کتاب خواندنی و مفید را بخوانید
اگر خواهان کامیابی و پیروزی در زندگی خود هستید
اگر خواهان باز شدن قفل‌های بسته زندگی خود هستید پس از مطالعه این کتاب خواهید
گفت؟ ای کاش این کتاب را زودتر خوانده بودم.

در این کتاب به طور کامل دعاها همراه با خواص آن آمده و می خوانیم:
دعا برای برطرف شدن مشکلات، نجات از بلاها، نجات از کشته شدن، گشایش کار و
تنگ دستی، وسعت رزق و روزی، غم و غصه و ناراحتی، شفا از مرض و درمان آن،
نجات و حفظ از شر دزدها، مداوای سردرد، بخشیده شدن از گناهان، برآورده شدن
حاجات و دوری از شیطان و راه و روش استخاره از زبان امام زمان علیه السلام، ذکرهای شگفت
و آثار ختم صلوات و... و دعا برای پاکی روح و خلوص و اخلاص و خواص شگفت تمام
دعاها، همراه با داستانهای جذاب از کسانی که این دعاها را خوانده‌اند و آثار عجیب آن را
در زندگی خود دیده‌اند.

این کتاب را به دقت بخوانید و عمل کنید و گره از مشکلات خود بگشایید و با هدیه این
اثر به دیگران آنها را نیز از این همه شگفتی بهره‌مند کنید.

در کتاب انتظارات امام زمان علیه السلام از جوانان می خوانیم:

فصل اول: شباهت غیبت حضرت یوسف با امام زمان علیه السلام

فصل دوم: شباهت غیبت حضرت موسی و ۷ تن از انبیاء با امام زمان علیه السلام و بررسی آن

فصل سوم: آیا در زمان غیبت امام زمان می شود خدمت امام زمان علیه السلام رسید یا خیر؟

فصل چهارم: انتظارات امام زمان از شیعیان در زمان علیه السلام غیبت

فصل پنجم: وظایف شیعیان در آخر الزمان

فصل ششم: اوقات دعا برای فرج امام زمان علیه السلام

فصل هفتم: فوائد دعا و آثار شگفت دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام

در کتاب شفایافتگان امام زمان علیه السلام در مسجد مقدس جمکران می خوانیم:

نقل بیش از ۲۰۰ داستان از کسانی که در مسجد مقدس جمکران شفا یافته‌اند.

جمکران میعادگاه عاشقان، گلستان دلدادگان و خانه پاک امام زمان علیه السلام شاهد گره گشایی
مشکلات فراوان درماندگان است. بیش از هزار سال است که در این درمانگاه چه بسیار
گرفتاران، بیماران و درماندگان که با دلی شکسته نوای «یا صاحب الزمان علیه السلام» سر داده و با
دست عنایت آن حضرت مورد لطف خاص پروردگار واقع شده و از درد و بیماری رها
یافته‌اند.